

آياته في هذه السعة وفي كل سعة وليا وما قلنا وقتله اونا صرا وديلا وعينا متى تكنه ارضك طوى وتمتته فيجى طوى

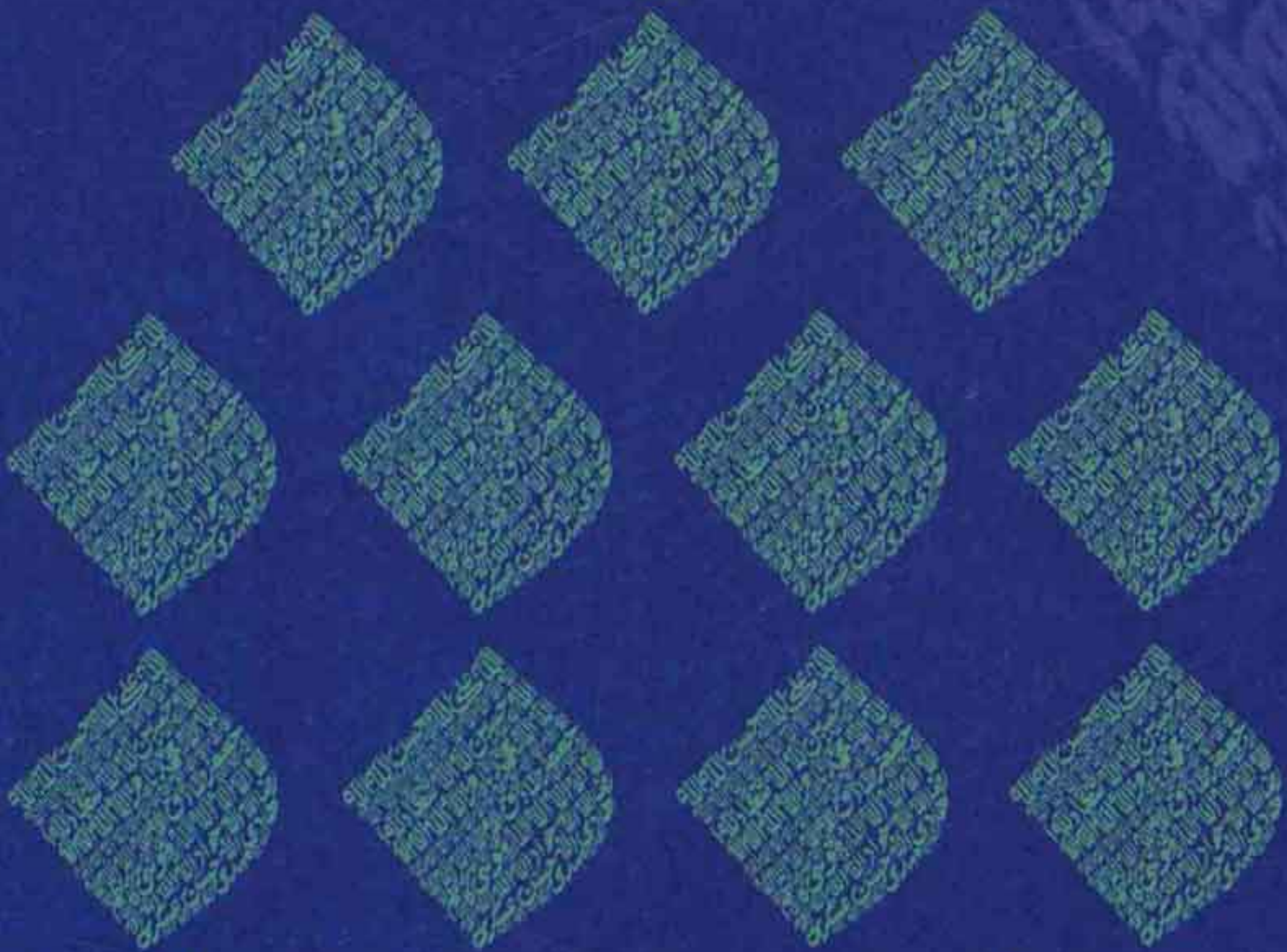
المعنى لو ليك بالجملة من المعنى صلواتك عليه وعلى آياته في هذه السعة وفي كل سعة وليا وما قلنا وقتله اونا صرا وديلا وعينا متى تكنه ارضك طوى وتمتته فيجى طوى

# هدى موكب محوير المرحوم

عرض ادب :  
محمد ظريف



بجاء الله  
تعالى فرجنا الشريف



المعنى لو ليك بالجملة من المعنى صلواتك عليه وعلى آياته في هذه السعة وفي كل سعة وليا وما قلنا وقتله اونا صرا وديلا وعينا متى تكنه ارضك طوى وتمتته فيجى طوى



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مهدی بگو و از شرف نام نامی اش  
طغرای فخر بر ورق آفتاب کش  
«حزین لاهیجی»

# مهدی موعود

## محور عالم وجود

عرض ادب  
محمد ظریف

تهران - ۱۳۹۱

سرشناسه : ظریف ، محمد ، ۱۳۳۵ -  
عنوان و نام پدید آورنده : مهدی موعود محور عالم وجود / محمد ظریف  
مشخصات نشر : تهران : راه نیکان ، ۱۳۹۱ .  
مشخصات ظاهری : ۲۸۴ ص.  
شابک : ۹۷۸-۹۶۴-۲۹۹۸-۶۹-۲  
وضعیت فهرست نویسی : فیپا  
موضوع : محمد بن حسن ( عج ) ، امام دوازدهم ، ۲۵۵ق.  
موضوع : مهدویت -- انتظار  
رده بندی کنگره : ۱۳۹۱ م ۹۴ظ / ۲۲۴/۴ BP  
رده بندی دیویی : ۲۹۷/۴۶۲  
شماره کتابشناسی ملی : ۲۷۴۹۳۲۲  
تاریخ درخواست : ۱۳۹۱/۰۲/۰۳  
تاریخ پاسخگویی : ۱۳۹۱/۰۲/۱۴  
کد پیگیری : ۲۷۴۸۵۵۶



نشر راه نیکان

بخش امام شناسی

## مهدی موعود محور عالم وجود

تالیف و تدوین : محمد ظریف

چاپ اول : ۱۳۹۱ شماره گان : ۲۰۰۰ نسخه

شابک : ۹۷۸-۹۶۴-۲۹۹۸-۶۹-۲ ISBN : 978-964-2998-69-2

شماره ثبت مجوز : ۱۱۶۱۹۱۱ قیمت : ۷۰۰۰ تومان



## سخن ناشر

امامت حضرت صاحب الامر و العصر و الزمان - ارواحنا فداه - در امامت ائمه عليهم السلام به جهات گوناگون از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است اگر نبوت عامه را مقدمه‌ای در ظهور حضرت ختمی مرتبت بدانیم، که از بشارات پیامبران عليهم السلام چنین مهمی استنباط می‌شود، و اگر به فرمایشات حساس پیامبر اکرم و ائمه طاهرين عليهم السلام نسبت به جهات مختلفی که به حضرتش مربوط می‌شود، دقت کنیم متوجه حساس بودن دوران امامت آن نازنین کبریا خواهیم شد. که اصل و اساس نبوت انبیاء و امامت



امامان اهل بیت علیهم السلام به تمام موضوعات حساس و مهم مهدویت مربوط می شود. غیبت به آن مسائل حائز اهمیت که بیان فرموده اند، خلاصه نمی شود بل هزار نکته باریکتر از مو است که بازگشت آن ها به مسأله استثنائی «موجود و موعود» بودن آن ذات اقدس است. که اشاره به آنها ولو فهرست وار کتابی جداگانه خواهد شد.

اهمیت آنچه به وجود نازنین حضرتش مربوط می شود را علاوه بر موضوعاتی که هزاران جلد تألیف شده است باید از حساس شدن پیروان ادیان، حتی آنان که جز توحید را قبول ندارند فهم کرد. تدوین رساله حاضر که براساس تحقیقات علامه نامدار، شخصیت بی مثل و نظیر امامیه ملا محمد باقر مجلسی - قدس الله روحه العزیز - صورت گرفته است. در پی تقاضاهای طبقات مختلف پیروان ادیان و مذاهب اسلام خاصه مقیم کشورهای اسلامی و غیر اسلامی از حضرت آیت الله



جناب حاج آقا کمال فقیه ایمانی - دامت  
برکاته - صورت گرفته و جناب ایشان در  
کنار تفسیر قرآن به زبان‌های زنده دنیا و  
ارسال به هر کجا آبادئی که اهالی آنجا تشنه  
پی بردن به حقیقتند اقدام به چاپ  
غیر فارسی کتاب حاضر نموده بر اثر  
تقاضای نشر راه نیکان اجازه فرمودند  
افتخار نشر این ضروری عصر حاضر  
نصیب ما شود.

به گیتی مزن جز به نیکی نفس

قدم زن تو در راه نیکان و بس

مدیر

نشر راه نیکان

۱۱ فروردین ۱۳۹۱



# فهرست

## بخش اول

### ولادت امام عصر علیه السلام

### تأشهادت امام عسکری علیه السلام

۱. کیفیت ولادت امام عصر علیه السلام ..... ۱۹
- یکی از ویژگی‌ها و آثار ولادت آن حضرت علیه السلام ..... ۲۶
۲. آگاهی یافتن شیعیان از ولادت امام عصر علیه السلام ..... ۲۷
- الف. دیدارهای عمومی : ..... ۳۰
- ب. دیدارهای انفرادی : ..... ۳۲
۳. نام، لقب و کنیه آن حضرت علیه السلام ..... ۳۵
- الف. نام آن حضرت علیه السلام ..... ۳۵
- حرمت تصریح کردن به نام اصلی آن حضرت علیه السلام ..... ۳۵
- ب. القاب آن حضرت علیه السلام ..... ۳۷

- قائم علیه السلام ..... ۳۷
- علت قیام، هنگامی که آن حضرت علیه السلام به این لقب یاد می شود... ۳۸
- منتظر علیه السلام ..... ۳۹
- بقیة الله علیه السلام ..... ۴۰
- صاحب الأمر علیه السلام ..... ۴۰
۴. شمایل آن حضرت علیه السلام ..... ۴۲
۵. شباهت آن حضرت به پیامبران ..... ۴۶
۶. بعضی از اوصاف آن حضرت علیه السلام ..... ۵۰
۷. علامتها و نشانه های او علیه السلام ..... ۵۷
۸. معجزات و کرامات راهی برای شناخت امام علیه السلام ..... ۶۲
- سخن گفتن آن حضرت در هنگام ولادت ..... ۶۲
- خبر دادن از اسرار درونی ..... ۶۴
- پاسخ به پرسشهای علمی ..... ۶۵
- جدا کردن حلال از حرام ..... ۶۹
- در کنار جنازه پدر ..... ۷۱
- روی آب بر حصیری نماز می خواند ..... ۷۳
- اموالی که به همراه دارید فلان مقدار است ..... ۷۴
۹. معرفی امام پیشین ..... ۷۶
- امام عصر علیه السلام از دیدگاه قرآن ..... ۷۷
۱۰. امام عصر علیه السلام از دیدگاه روایات ..... ۸۱



- حضرت مهدی علیه السلام در احادیث معراج ..... ۸۱
- حضرت مهدی علیه السلام در حدیث لوح ..... ۸۳
- حضرت مهدی علیه السلام در احادیث رسول خدا ۹ ..... ۸۳
- حضرت مهدی علیه السلام در احادیث امیرالمؤمنین علیه السلام ..... ۸۵
- حضرت مهدی علیه السلام در احادیث امام مجتبی علیه السلام ..... ۸۶
- حضرت مهدی علیه السلام در احادیث امام حسین علیه السلام ..... ۸۷
- حضرت مهدی علیه السلام در احادیث امام سجّاد علیه السلام ..... ۸۸
- حضرت مهدی علیه السلام در احادیث امام باقر علیه السلام ..... ۸۹
- حضرت مهدی علیه السلام در احادیث امام صادق علیه السلام ..... ۹۰
- حضرت مهدی علیه السلام در احادیث امام کاظم علیه السلام ..... ۹۱
- حضرت مهدی علیه السلام در احادیث امام رضا علیه السلام ..... ۹۲
- حضرت مهدی علیه السلام در احادیث امام جواد علیه السلام ..... ۹۳
- حضرت مهدی علیه السلام در احادیث امام هادی علیه السلام ..... ۹۴
- حضرت مهدی علیه السلام در احادیث امام عسکری علیه السلام ..... ۹۴
- حضرت مهدی علیه السلام در حدیث دیگران ..... ۹۵

## بخش دوم

### دوران غیبت امام عصر علیه السلام

#### ۱- غیبت صغری ۲- غیبت کبری

۱. غیبت امام عصر علیه السلام ..... ۱۰۱

- ۱- معنا و مفهوم غیبت ..... ۱۰۱
۲. غیبت امام عصر علیه السلام در قرآن و روایات ..... ۱۰۷
- الف- غیبت، در قرآن کریم ..... ۱۰۷
- ب- غیبت در احادیث معصومین: ..... ۱۰۹
- غیبت در احادیث رسول خدا ۹ ..... ۱۰۹
- غیبت در احادیث امیرالمؤمنین علیه السلام ..... ۱۱۰
- غیبت در احادیث امام مجتبی علیه السلام ..... ۱۱۱
- غیبت در احادیث امام حسین علیه السلام ..... ۱۱۱
- غیبت در احادیث امام سجاد علیه السلام ..... ۱۱۲
- غیبت در احادیث امام باقر علیه السلام ..... ۱۱۲
- غیبت در احادیث امام صادق علیه السلام ..... ۱۱۳
- غیبت در احادیث امام کاظم علیه السلام ..... ۱۱۳
- غیبت در احادیث امام رضا علیه السلام ..... ۱۱۴
- غیبت در احادیث امام جواد علیه السلام ..... ۱۱۴
- غیبت در احادیث امام هادی علیه السلام ..... ۱۱۴
- غیبت در احادیث امام عسکری علیه السلام ..... ۱۱۵
۳. علت غیبت ..... ۱۱۷
- ۱- ناسپاسی مردم ..... ۱۱۹
- ۲- امتحان مردم ..... ۱۲۱
- ۳- کامل نبودن یاران آن حضرت علیه السلام ..... ۱۲۴

- ۴- بیعت هیچ حاکمی را برگردن نداشته باشد ..... ۱۲۸
- ۵- جاری شدن سنن انبیاء: در مورد آن حضرت علیه السلام ..... ۱۲۹
- ۶- خارج شدن مؤمنانی که در اصلاب کفارند ..... ۱۳۰
- ۷- به حکومت رسیدن همه اصناف ..... ۱۳۰
- ۸- حفظ جان امام علیه السلام ..... ۱۳۲
۴. پرسشهایی پیرامون غیبت ..... ۱۳۴
۵. زمینه‌سازی و آماده‌سازی مردم ..... ۱۴۴
۶. غیبت صغری ..... ۱۴۶
- ۱- عثمان بن سعید ..... ۱۴۷
- ۲- محمد بن عثمان عمری ..... ۱۴۹
- ۳- حسین بن روح ..... ۱۵۰
- ۴- علی بن محمد سمری ..... ۱۵۱
۷. بخش‌هایی از توقیعات مبارک امام عصر علیه السلام ..... ۱۵۴
۸. غیبت کبری ..... ۱۶۰

### بخش سوم

#### تشرفات شیعیان خدمت

#### امام عصر علیه السلام

- آیا تشرّف در دوران غیبت ممکن است؟ ..... ۱۷۱
- تشرّف حاج علی بغدادی ..... ۱۸۱



۱۸۸	.....	تشرّف شیخ حسن کاظمینی
۱۹۵	.....	تشرّف علامه بحر العلوم

### بخش چهارم

### وظایف شیعیان

### در دوران غیبت امام عصر علیه السلام

۲۰۷	.....	۱- شناخت امام <small>علیه السلام</small>
۲۰۹	.....	۲- تسلیم
۲۱۰	.....	۳- ترک عجله و شتاب
۲۱۱	.....	۴- انتظار فرج
۲۱۴	.....	فضیلت انتظار فرج
۲۲۰	.....	حقیقت انتظار و معنای آن
۲۲۱	.....	۵- دعا کردن برای تعجیل فرج
۲۲۲	.....	۶- صبر و پایداری در برابر سختی‌ها و اذیت و آزار دشمنان
۲۲۶	.....	۷- ثابت ماندن بر ولایت اهل بیت
۲۲۸	.....	۸- ثابت ماندن بر دین
۲۳۰	.....	۹- آمادگی رزمی و تهیه سلاح
۲۳۱	.....	۱۰- پرداخت حقوق مالی که بر ذمه او تعلق می‌گیرد
۲۳۲	.....	۱۱- مقداری از مال و ثروت خود را
۲۳۲	.....	هر سال به امام زمان <small>علیه السلام</small> هدیه نماید

- ۱۲- وقتی را برای ظهور معین نکند..... ۲۳۳
- و کسانی را که وقت معین می‌کنند تکذیب نماید..... ۲۳۳
- ۱۳- ادعای نیابت خاصه نکند..... ۲۳۳
- و کسانی را که چنین ادعائی دارند تکذیب نماید..... ۲۳۳
- ۱۴- از شهرت اجتناب کند..... ۲۳۴
- ۱۵- زبان را کنترل نماید..... ۲۳۵
- ۱۶- از محیط‌های فاسد کناره‌گیری نماید..... ۲۳۶
- ۱۷- در خانه خود قرار گیرد و خروج نکند..... ۲۳۷
- ۱۸- تقیّه را رعایت کند..... ۲۴۰
- ۱۹- از بردن نام اصلی امام عصر علیه السلام در محافل خودداری کند..... ۲۴۰
- ۲۰- به جهت احترام نام آن بزرگوار..... ۲۴۱
- مخصوصاً نام مبارک «قائم» برخیزد..... ۲۴۱
- ۲۱- در خدمت نمودن به آن حضرت کوتاهی نکند..... ۲۴۱
- ۲۲- برای سلامتی آن حضرت دعا کند و صدقه بدهد..... ۲۴۱
- ۲۳- در فراق آن حضرت اندوهگین باشد و گریه کند..... ۲۴۲
- ۲۴- در احیاء امر آن حضرت کوشا باشد..... ۲۴۴
- ۲۵- یاد آن حضرت را از خاطر نبرد..... ۲۴۴

## ظهور

الف: علائم ظهور

ب: حوادث هنگام ظهور

- ظهور، وعده الهی و حتمی است ..... ۲۴۹
- برای ظهور وقت خاصی معین نشده است ..... ۲۵۱
- الف: علائم و نشانه‌های ظهور ..... ۲۵۲
- سفیانی ..... ۲۵۸
- خسف بیداء ..... ۲۵۹
- خروج یمانی ..... ۲۶۰
- صیحه آسمانی ..... ۲۶۰
- قتل نفس زکیّه ..... ۲۶۲
- ب: حوادث هنگام ظهور ..... ۲۶۴



بخش اول

ولادت امام عصر علیه السلام  
تا شهادت امام عسکری علیه السلام

## کیفیت ولادت امام عصر علیه السلام

در دوران امام عسکری علیه السلام اختناق شدیدی از سوی دستگاه حاکمه بر جامعه حاکم بود و آن حضرت را کاملاً تحت نظارت و مراقبت خویش داشتند؛ زیرا می دانستند آنکه کاخ ستمگران را بر سر آنها خراب خواهد کرد و بساط ظلم و ظالمان را برمی چیند از امام عسکری علیه السلام تولد خواهد یافت، لذا در صدد برآمدند تا اجازه ندهند آن ذخیره الهی و آن امام عدالت گستر پا به عرصه حیات گذارد. <sup>(۱)</sup>

---

۱- ۱. امام عسکری علیه السلام فرموده اند: بنی امیه و بنی عباس به دو جهت شمشیرهای خود را متوجه ما ساختند: یکی به خاطر اینکه می دانستند حقی در خلافت ندارند و می ترسیدند از اینکه مبادا ما آن را ادعا کنیم و خلافت در مرکز خود استقرار پیدا کند، و دیگر اینکه آنها از اخبار متواتر پی برده بودند که از بین رفتن حکومت جباران و ستمگران به دست آن قیام کننده ما است و تردیدی نداشتند که خودشان از ستمگران هستند. ولذا سعی فراوان نمودند که اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله را به قتل رسانند و نسل

معتمد عباسی عده‌ای از زنان قابله و جاسوس خود را دستور داده بود تا گاه و بیگاه به خانه امام عسکری علیه السلام وارد شوند و از حال همسر آن حضرت اطلاع حاصل کنند. آنان همان روش فرعونی را دنبال کردند، فرعون وقتی فهمید زوال سلطنت او به دست مردی از بنی اسرائیل خواهد بود، بازرسانی را مأمور ساخت تا زنان حامله بنی اسرائیل را مراقبت کنند، کودکانی را که متولد می‌شدند، اگر پسر بودند می‌کشتند تا حضرت موسی علیه السلام به دنیا نیاید؛ خداوند با قدرت خویش امر ولادت او را از همه پنهان نمود و پیامبر خود حضرت موسی علیه السلام را حفظ فرمود.

در مورد جان جهانیان، حضرت صاحب الزمان علیه السلام هم که اراده خداوند به حفظ جان شریف او تعلق گرفته بود، امر ولادتش را بر همگان مخفی نمود تا سحرگاه نیمه شعبان با کیفیت خاصی نور جمالش تجلی کرد و جهان را با قدمش روشن ساخت؛ و اینک بیان آن کیفیت:

[۱] ۱- شیخ صدوق رحمته الله در کتاب کمال الدین به سند خود از حضرت حکیمه خاتون روایت کرده است که آن بانوی بزرگوار فرمود: روزی امام عسکری علیه السلام مرا فراخواندند و به من فرمودند:

عمه جان، امشب افطارت را نزد ما قرار بده؛ زیرا شب نیمه شعبان است و شبی است که خداوند تبارک و تعالی اراده فرموده حضرت حجّت را که

➤ آن حضرت را نابود سازند تا با این عمل، آن قیام‌کننده به دنیا نیاید و یا به دست آنها کشته شود، اما خداوند بر خلاف خواسته آنها اراده فرمود که امر آن حضرت بر آنها مخفی باشد و بدین وسیله ولی خود را حفظ کند و نورش را کامل گرداند. «اربعین خاتون آبادی، ص ۵۲».



حجت او در روی زمین خواهد بود ظاهر گرداند.

عرض کردم: مادر این نوزاد کیست؟ فرمود: نرجس.

عرض کردم: فدای شما شوم! به خدا اثری از آثار حمل در او نمی بینم!

فرمود: مطلب همان است که گفتم.

حکیمه خاتون می گوید: وارد خانه شدم، سلام کردم و نشستم، در این

هنگام نرجس خاتون آمد که کفش های مرا بیرون آورد و به من گفت:

بانوی من حال شما چطور است؟ به او گفتم: بلکه شما بانوی من و بانوی

همه خاندان من هستی. نرجس گفتار مرا نپذیرفت و گفت: عمه جان،

چگونه چنین چیزی ممکن است؟ به او گفتم: دخترم، خداوند تبارک و

تعالی به همین زودی و در همین امشب فرزندی به تو مرحمت می فرماید

که سرور دنیا و آخرت خواهد بود، نرجس با شنیدن این کلام من در جای

خود نشست و پرده ای از حیا چهره او را فرا گرفت. چون از نماز عشاء

فارغ شدم، افطار کردم و سپس بستر خود را آماده نموده و خوابیدم،

نیمه های شب برای ادای نافله شب از جا برخاستم و نماز شب را خواندم؛

ولی هنوز نرجس خوابیده بود و هیچ حادثه ای رخ نداده بود. مقداری

تعقیب انجام دادم و آنگاه خوابیدم. پس از مدتی هراسان بیدار شدم و

دیدم نرجس بیدار شده است؛ او از جا برخاست و نماز خواند، در این

هنگام بود که دیگر صبر من تمام شد و دچار شک و تردید شدم که ناگهان

صدای دلنشین امام علیه السلام را شنیدم که از جایگاه خود مرا مخاطب قرار داد

و فرمود:

«لا تعجلني يا عمّة، فإنّ الأمر قد قرب»

عمّه جان، شتاب مکن؛ همانا امری که بنا است تحقق پیدا کند وقوعش نزدیک شده است.

شروع به خواندن قرآن نمودم، سوره سجده و یس را خواندم، در این حال متوجّه شدم که نرجس هراسان از خواب بیدار شد، با شتاب به جانب او رفتم، نام خدا را بر او خواندم، از او پرسیدم: آیا چیزی احساس می‌کنی؟ گفت: آری، عمه جان. به او گفتم: خود را کنترل کن و دل قوی دار، این همان مژده‌ای است که به تو دادم.

حکیمه خاتون گوید: مرا سستی و حواس پرتی گرفت و نرجس را درد زایمان؛ و چیزی نگذشت که با صدای آن سرور به خود آمدم، پرده را از روی نوزاد کنار زدم، دیدم سجده‌کنان بر روی زمین قرار گرفته است، او را در بر گرفتم و متوجّه شدم که پاک و پاکیزه است.

امام عسکری علیه السلام با صدای بلند مرا صدا زد و فرمود:

عمّه جان، فرزندم را به نزد من بیاور. او را نزد امام علیه السلام بردم، امام دست مبارک را به پشت کودک گرفت و قدمهای او را بر سینه خویش نهاد، سپس زبان در دهان او قرار داد و دست بر چشمان و گوشها و مفاصل او کشید و فرمود: پسر من سخن بگو، نوزاد لب به سخن گشود و فرمود:

«أشهد أن لا اله الا الله وحده لا شريك له و أشهد أن محمداً

رسول الله صلی الله علیه و آله» .

«گواهی می‌دهم که معبود شایسته‌ای جز خداوند یکتا نیست و او

شریک ندارد و گواهی می‌دهم که حضرت محمد  $\text{صلی الله علیه و آله}$  فرستاده خداوند است».

آنگاه بر امیرالمؤمنین و ائمه طاهرین به ترتیب سلام و درود فرستاد و چون به پدر بزرگوارش رسید و بر آن حضرت نیز درود فرستاد، توقف نمود و خودداری کرد. امام عسکری  $\text{علیه السلام}$  فرمود: عمه جان او را نزد مادرش ببر تا به مادر سلام کند و آنگاه به من بازگردان. او را نزد مادرش بردم و به مادر سلام کرد و دوباره به محضر امام  $\text{علیه السلام}$  بازگردانیدم. به من فرمود: عمه جان، روز هفتم ولادت نزد ما باز آی.

حکیمه خاتون گوید: صبح فردا خدمت امام  $\text{علیه السلام}$  شرفیاب شدم تا بر آن حضرت سلام کنم. از نوزاد سراغ گرفتم و آن پرده و روپوش را کنار زدم، ولی او را نیافتم، و به امام  $\text{علیه السلام}$  عرض کردم: فدای شما شوم! نوزاد عزیز شما چه شد؟ فرمود:

او را سپردیم به کسی که مادر موسی  $\text{علیه السلام}$  نوزادش را به او سپرد. حکیمه خاتون گوید: روز هفتم ولادت که رسید، محضر مقدس امام  $\text{علیه السلام}$  شرفیاب شدم، سلام کردم و نشستم.

امام  $\text{علیه السلام}$  فرمود: فرزندم را نزد من بیاور، او را در پارچه‌ای پیچیده و نزد آن حضرت آوردم. امام  $\text{علیه السلام}$  مانند مرتبه اول نوزادش را به سینه نهاد و زبان در دهان او قرار داد، و به گونه‌ای که گویا شیر یا عسل به او می‌خوراند، سپس فرمود:

پسرم سخن بگو، نوزاد لب به سخن گشود و این بار نیز به یکتائی

پروردگار شهادت داد و بر پیامبر اکرم حضرت محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ و امیر المؤمنین حضرت علی رَضِيَ اللهُ عَنْهُ و یک یک ائمه طاهرین تا پدر بزرگوارش درود فرستاد و سپس این آیه شریفه را تلاوت نمود:

﴿وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ \* وَنُكِّنَ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ وَنُرِي فِرْعَوْنَ وَهَامَانَ وَجُنُودَهُمَا مِنْهُمْ مَا كَانُوا يَحْذَرُونَ﴾ .

«به نام خداوند بخشنده مهربان \* ما اراده کرده ایم که بر مستضعفان یعنی کسانی که ضعیف شمرده شده اند و آنها را به ضعف کشانیده اند منت بگذاریم و آنان را پیشوایان و وارثان زمین قرار دهیم و به آنان توانائی و قدرت ببخشیم و به فرعون و هامان و لشکریان آن دو نشان دهیم آنچه را که از آن می ترسیدند و خود را دور نگه می داشتند».<sup>(۱)</sup>

موسی بن محمد راوی این حدیث می گوید: از عقبه خادم امام عَلِيٍّ رَضِيَ اللهُ عَنْهُ در مورد این موضوع تحقیق کردم و قصه را از او سؤال کردم، او نیز گفتار حکیمه خاتون را تأیید نمود و تصدیق کرد.<sup>(۲)</sup>

۱- سورة قصص، آیه ۵.

۲- بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۲، ح ۳.

در روایتی حکیمه خاتون فرموده است: چهل روز که از ولادت آن حضرت گذشت به خانه امام عسکری عَلِيٍّ رَضِيَ اللهُ عَنْهُ آمدم، مولا صاحب الزمان عَلِيٍّ رَضِيَ اللهُ عَنْهُ را دیدم که در خانه راه می رود، چهره ای نیکوتر از چهره او ندیده و لغتی فصیح تر از لغت او شنیده بودم، امام عسکری عَلِيٍّ رَضِيَ اللهُ عَنْهُ فرمود: این همان مولود عزیزی است که نزد خدا گرامی و ارجمند است. «بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۲۷».

[۲] ۲- شیخ صدوق رحمته الله در کتاب کمال الدین از کنیز امام عسکری علیه السلام

روایت کرده است که گفت: هنگامی که امام عصر علیه السلام تولد یافت، نوری را دیدم از چهره او نمایان شد و تا کرانه آسمان بالا رفت و پرندگان سفیدی را دیدم که از آسمان فرود آمدند و بال و پر خود را بر سر و صورت مبارک آن نوزاد کشیدند و سپس پرواز کردند، چون این خبر را به امام عسکری علیه السلام عرض کردم تبسم نمود و فرمود:

«تلك ملائكة السماء نزلت لتبرک به وهي انصاره اذا خرج»

«آنها فرشتگان آسمان بودند، برای تبرک جستن به آن وجود شریف فرود آمدند. و آنها در هنگام ظهور از یاوران او خواهند بود».<sup>(۱)</sup>

[۳] ۳- و نیز از محمد بن عثمان روایت کرده است که گفت: هنگامی که

امام زمان علیه السلام متولد گردید، نور درخشنده‌ای از او ساطع گردید و از بالای سر او تا به آسمان کشیده شده و می تابید، سپس سر به سجده نهاد و خدا را سجده نمود، آنگاه سر از سجده برداشت و این آیه را تلاوت نمود:

﴿شَهِدَ اللَّهُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَالْمَلَائِكَةُ وَأُولُو الْعِلْمِ قَائِمًا بِالْقِسْطِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ \* إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ﴾.<sup>(۲)</sup>



## یکی از ویژگی‌ها و آثار ولادت آن حضرت علیه السلام

[۴] ۴- امام صادق علیه السلام فرموده‌اند: در آن شبی که امام عصر علیه السلام ولادت یافته است، هر مولودی به دنیا آید مؤمن خواهد بود. و اگر در سرزمین شرک به دنیا آمده باشد، خداوند به برکت آن امام عزیز، او را به سرزمین ایمان منتقل خواهد کرد.<sup>(۱)</sup>

## آگاهی یافتن شیعیان از ولادت امام عصر علیه السلام

امام عسکری علیه السلام وقتی فرزندش آخرین حجت الهی به دنیا آمد، از طرفی در تقیه شدید به سر می برد و باید ولادت او را کتمان می کرد، از طرف دیگر باید کاری می کرد که شیعیان پس از او دچار تزلزل نشوند، برای این منظور برنامه هائی اندیشید که عبارتند از:

الف. حکیمه عمّه بزرگوار خود را در شب ولادت در خانه خویش نگه داشت تا شاهد ولادت حضرت مهدی علیه السلام باشد و آن را در هنگام لزوم گزارش نماید.<sup>(۱)</sup>

[۵] ه - محمد بن عبد الله مطهری گوید: بعد از وفات امام عسکری علیه السلام

---

۱- در روایتی امام عسکری علیه السلام به حکیمه خاتون فرمودند: هنگامی که من از دنیا رفتم و دیدی شیعیانم بر سر موضوع امامت اختلاف کرده اند به افراد مطمئن و مورد وثوق آنها، از آخرین حجت الهی که شاهد ولادتش بودی خبر بده، ولی باید نزد تو و نزد آنان مکتوم و پوشیده بماند. بحار الانوار: ج ۵۱، ص ۱۸، ضمن ح ۲۵.

خدمت حکیمه خاتون رسیدم تا درباره حجّت خدا که مردم دچار حیرت شده و درباره آن اختلاف نموده‌اند، سؤال کنم، به من فرمود: بنشین و من نشستم، آنگاه فرمود:

خداوند تبارک و تعالی زمین را هیچگاه خالی از حجّت رها نکرده و جز در مورد امام حسن و امام حسین، امامت را در دو برادر قرار نداده و آن را به فرزندان امام حسین علیه السلام اختصاص داده، همان طور که نبوت را به فرزندان هارون اختصاص داده است.<sup>(۱)</sup>

بعد از وفات امام عسکری علیه السلام امت به خاطر غیبت حجّت خدا، دچار حیرت و سرگردانی می‌شوند و این امتحانی است الهی تا حق از باطل جدا شود. پیروان حق ثابت و استوار در عقیده خویش باقی بمانند و در امتحان پیروز شوند؛ ولی پیروان باطل دچار تردید و تزلزل در عقیده خویش شوند و در این امتحان الهی مردود شوند.

عرض کردم: ای بانوی بزرگوار، آیا برای امام عسکری علیه السلام فرزندی است؟ تبسمی کرد و فرمود:

اگر امام عسکری علیه السلام فرزندی ندارد، پس بعد از او حجّت خدا کیست؟ عرض کردم: ای بانوی بزرگوار، مرا از ولادت او و غیبتش آگاه گردان. آنگاه حکیمه خاتون کیفیت ولادت آن قطب عالم امکان و سرور دو جهان را برای او بیان کرد.<sup>(۲)</sup>

۱- تعیین امام از طرف خداوند تبارک و تعالی است و او هرگونه صلاح بدانند و حکمتش اقتضا کند آن را برمی‌گزیند و در کار او هیچگونه چون و چرانیست.

۲- بحار الأنوار: ج ۵۱، ص ۱۱، ح ۱۴.

ب. امام عسکری علیه السلام برای اینکه برای دوستان و شیعیانش جای تردیدی نماند، کار دوّمی که کرد این بود که دستور داد گوسفندانی را به عنوان عقیقه مولود ذبح کنند و برای شیعیان راز نگه دار خود بفرستند و بدین وسیله آن‌ها را از موضوع ولادت مطلع سازند.

[۶] ۶- صدوق رحمته الله به سند خود از ابو جعفر عمری روایت کرده است که گفت: هنگامی که امام عصر علیه السلام تولد یافت، پدر بزرگوارش امام عسکری علیه السلام عثمان بن سعید را فراخواندند و به او فرمودند: ده هزار رطل نان و ده هزار رطل گوشت خریداری کن و آن را توزیع کن. و گمان می‌کنم که فرمود: میان بنی هاشم تقسیم کن. و فرمود: چند رأس گوسفند هم برای او عقیقه نما. (۱)

ج. امام عسکری علیه السلام توسط نامه بعضی از شیعیان را از ولادت امام عصر علیه السلام با خبر ساخت.

[۷] ۷- صدوق رحمته الله به سند خود از احمد بن حسن بن اسحاق روایت کرده است که گفت: هنگامی که امام عصر علیه السلام تولد یافت، از ناحیه مولایم امام عسکری علیه السلام نامه‌ای برای جدّم احمد بن اسحاق ارسال شد و در آن نامه با خط مبارک آن حضرت نوشته شده بود:

۱- بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۵، ح ۹.

و در روایت دیگری از محمد بن ابراهیم کوفی نقل شده است که گفت: امام عسکری علیه السلام افرادی را با نام مشخص کردند و برای هر کدام از آن‌ها گوسفند ذبح شده‌ای فرستادند و فرمودند: «هذه من عقیقة ابني محمد علیه السلام» یعنی: این از عقیقه پسر محمد علیه السلام می‌باشد. (بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۱۵، ح ۱۷).

آن موعود الهی متولد گردید، باید این امر نزد تو پوشیده بماند و آن را از مردم کتمان نمایی. ما این مسأله را اظهار ننمودیم مگر برای خویشاوندان نزدیک به خاطر خویشاوندی و برای موالیان به خاطر ولایت ایشان. دوست داشتیم تو را نیز باخبر سازیم تا بدین وسیله خداوند تو را مسرور گرداند، همان طور که ما را مسرور ساخت.<sup>(۱)</sup>

د. امام عسکری علیه السلام برای زدودن شک و تردید و ابهام از اذهان شیعیان، نوزاد عزیزش را به بعضی از خواص نشان داد. این دیدارها دو گونه بودند: یکی دیدار عمومی که در آن جمعی از شیعیان حضور داشتند و دیگری دیدار انفرادی که به طور خصوصی بعضی از افراد شایسته و لایق به این فیض بزرگ نائل آمدند.

### الف. دیدارهای عمومی:

[۸] ۸- صدوق رحمته الله به سند خود از ابو غانم خادم روایت کرده است که گفت: فرزندی برای امام عسکری علیه السلام تولد یافت و نامش را محمد نهادند و در روز سوم ولادتش آن نوزاد عزیز را به اصحاب خاص خود عرضه نمود و این گونه معرفی فرمود:

«این است صاحب شما بعد از من، و جانشین من بر شما. و آن قیام کننده‌ای که گردن‌ها کشیده شود و چشم‌ها به راهش در انتظار خیره شود. هنگامی که زمین پر از بیداد و ستم شود، خروج



می‌کند و آن را پر از عدل و داد می‌نماید»<sup>(۱)</sup>.

[۹] ۹- شیخ طوسی رحمته الله از جعفر بن محمد بن مالک فزاری و او از جماعتی از شیعه، از آن جمله علی بن بلال و احمد بن هلال و محمد بن معاویه و حسن بن ایوب روایت کرده است که گفتند: محضر مقدّس امام عسکری علیه السلام شرفیاب شدیم تا از آن حضرت درباره حجّت بعد از ایشان سؤال کنیم. در مجلس ۴۰ نفر گرد آمده بودند، عثمان بن سعید از جابر خاست و عرض کرد: ای فرزند رسول خدا، می‌خواهم از موضوعی سؤال کنم که شما به آن آگاهتر از من هستید.

امام علیه السلام فرمود: اکنون بنشین. او با ناراحتی از جابر خاست که بیرون رود، امام علیه السلام فرمود: هیچ کس حق ندارد بیرون رود.

مدّتی که گذشت امام علیه السلام عثمان را با صدای بلند صدا زدند و او از جابر خاست، امام علیه السلام فرمود: به شما خبر دهم به چه منظوری آمده‌اید؟ عرض کردند: آری، ای فرزند رسول خدا.

فرمود: آمده‌اید که از حجّت بعد از من سؤال کنید؟ عرض کردند: آری. در این هنگام شاهزاده‌ای همچون پاره قمر که شبیه‌ترین مردم به امام عسکری علیه السلام بود، ظاهر شد.

امام علیه السلام فرمود:

این امام شما است بعد از من، و جانشین من بر شما می‌باشد، از وی اطاعت کنید و بعد از من متفرّق نشوید که سرانجام

در گرداب عقاید گوناگون هلاک خواهید شد. آگاه باشید، این تنها فرصتی است که برای شما پیش آمده و بعد از امروز او را نخواهید دید، آنچه عثمان بن سعید می‌گوید، از او بپذیرید و امر او را اطاعت کنید که او جانشین امام شماست و اختیار دار امور می‌باشد.<sup>(۱)</sup>

این دو مورد دیدار عمومی بوده است که امام عسکری علیه السلام در دو نوبت یکی چند روز بعد از ولادت حضرت مهدی علیه السلام و دیگری چند روز قبل از شهادت خود؛ امام و پیشوای مردم را به آن‌ها نشان داده و معرفی فرموده است. در خلال این مدت دیدارهایی به صورت انفرادی انجام گرفته است که به بعضی از آن‌ها اشاره می‌کنیم:

### ب. دیدارهای انفرادی :

یکی از مهم‌ترین دیدارهای انفرادی دیدار احمد بن اسحاق است. [۱۰] ۱۰- صدوق رحمته الله به سند خود از احمد بن اسحاق روایت کرده است که گفت: محضر مقدس امام عسکری علیه السلام شرفیاب شدم و نیتم این بود که از آن حضرت درباره جانشین ایشان سؤال کنم. امام علیه السلام پیش از آنکه من سؤالم را مطرح کنم خود ابتدا به سخن نمود و فرمود: ای احمد بن اسحاق، خداوند تبارک و تعالی از روزی که حضرت آدم علیه السلام را آفریده، هیچگاه زمین را خالی از حجت نگذاشته و تا

۱- بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۳۴۶.

قیامت هیچگاه بدون حجت نخواهد گذاشت. خداوند به برکت حجت خود، بلاها را از اهل زمین دفع می‌کند و به خاطر او باران را می‌فرستد و برکات زمین را خارج می‌سازد. احمد بن اسحاق می‌گوید: عرض کردم: ای فرزند رسول خدا، امام و جانشین بعد از شما چه کسی خواهد بود؟ امام علیه السلام فوراً برخاست و داخل خانه شد، و طولی نکشید که بیرون آمد در حالی که فرزندى به دوش مبارک داشت که صورت او همانند ماه شب چهارده می‌درخشید و در حدود سه ساله به نظر می‌رسید.

فرمود: ای احمد بن اسحاق، اگر نه این بود که تو در نزد خدا و حجج الهی محترم و مکرمی، بدون تردید این فرزندم را به تو نشان نمی‌دادم. او نام و کنیه‌اش نام و کنیه پیامبر صلی الله علیه و آله است و او کسی است که زمین را پر از عدل و داد می‌کند، همان طور که پر از ظلم و ستم شده باشد.

ای احمد بن اسحاق، مثل او در این امت مثل خضر و مثل ذوالقرنین است، به خدا قسم غیبتی خواهد نمود که در آن جز افرادی که خداوند آنها را در امر امامت ثابت و استوار داشته و توفیق دعا برای تعجیل ظهور به آنها مرحمت فرموده، همه هلاک خواهند شد. احمد بن اسحاق می‌گوید: عرض کردم: مولای من، آیا علامتی هست که قلب من مطمئن گردد؟ در این هنگام آقازاده بزرگوار لب به سخن گشود و با زبان عربی فصیح فرمود:

«أنا بقية الله في أرضه والمنتقم من أعدائه، فلا تطلب اثراً

بعد عین».

«من باقیمانده و بازمانده از حجت‌های الهی در روی زمین و

انتقام گیرنده از دشمنان او هستیم. و تو پس از رؤیت و مشاهده،  
دیگر در جستجوی علامت و نشانه مباش<sup>(۱)</sup>.

## نام، لقب و کنیه آن حضرت علیه السلام

### الف. نام آن حضرت علیه السلام

نام اصلی آن حضرت، نام مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و کنیه او کنیه آن حضرت است.

[۱۱] ۱- رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده است:

«المهدی من ولدی، اسمه اسمی وکنیته کنیتی».

«مهدی علیه السلام از فرزندان من است، نام او نام من و کنیه او کنیه من است».<sup>(۱)</sup>

### حرمت تصریح کردن به نام اصلی آن حضرت علیه السلام

در روایات فراوانی تصریح شده است به اینکه نباید آن حضرت علیه السلام



را به نام اصلی یاد نمود.

[۱۲] ۲- صدوق رحمته الله به سند خود از ابو هاشم جعفری روایت کرده است

که گفت: از امام هادی علیه السلام شنیدم که در ضمن حدیثی فرمودند:

«لا يحلّ لكم ذكره باسمه»

«برای شما جایز نیست از آن حضرت به نام اصلی او یاد کنید».<sup>(۱)</sup>

در میان علماء در مورد این حکم اختلاف است، بعضی آن را جز در

حال تقیه مطلقاً جایز می دانند، مانند شیخ حر عاملی؛ بعضی مطلقاً جایز

نمی دانند، مانند شیخ مفید. بعضی گفته اند: جز در دعاهائی که از

معصومین علیهم السلام وارد شده، مطلقاً حرام است؛ مانند صاحب کفایة

الموحدین. بعضی آن را با کراهت جایز می دانند، مانند شیخ انصاری.

بعضی گفته اند: حرمت اختصاص دارد به ذکر آن در محافل و مجالس،

مانند محقق داماد.

آنچه در آن اختلاف نیست این است که ذکر نام اصلی آن حضرت در

محل خوف، مانند محفل دشمنان دین که تقیه از آنها واجب است حرام

می باشد.

[۱۳] ۳- صدوق رحمته الله به سند خود از علی بن عاصم کوفی روایت کرده

است که گفت: امام عصر علیه السلام در توقیع شریف خود فرموده اند:

«ملعون ملعون من سمّانی فی محفل من الناس».<sup>(۲)</sup>

البته این حکم اختصاص به این اسم شریف دارد و در سایر نام ها و

۱- بحار، ج ۵۱، ص ۱۵۸، ح ۱.

۲- بحار، ج ۵۱، ص ۳۳، ح ۹.

القاب مبارک آن حضرت چنین حکمی نیست.

[۱۴] ۴- از امام هادی علیه السلام روایت شده است که فرمودند: جایز نیست از آن حضرت به نام اصلی او یاد شود، راوی سؤال کرد: پس چگونه از او یاد کنیم و نام ببریم؟ فرمود: بگوئید: الحجّة من آل محمّد علیهم السلام. (۱)

[۱۵] ۵- و نیز از حضرت رضا علیه السلام روایت شده است که فرمود: آن حضرت به نام اصلی یاد نمی شود. راوی، یعنی ریّان عرض کرد: اگر بگوییم: صاحب غیبت، صاحب الزمان و مهدی جایز است؟ امام علیه السلام فرمود: اینها همگی جایز است و من تنها شما را از تصریح کردن به اسم اصلی او نهی نموده‌ام. (۲)

### ب. القاب آن حضرت علیه السلام

لقب‌های مشهور آن حضرت عبارتند از: قائم، مهدی، منتظر، بقیّة الله، حجّت، منصور، صاحب الزمان، صاحب الامر... هر یک از این لقب‌ها بیانگر یک ویژگی درباره آن حضرت می باشد:

#### قائم علیه السلام

یکی از القاب مبارک آن حضرت علیه السلام قائم است. درباره اینکه چرا آن حضرت را قائم نامیده‌اند، روایاتی به ما رسیده است.

[۱۶] ۶- امام صادق علیه السلام فرموده‌اند: امام عصر علیه السلام قائم نامیده شده،

زیرا قیام به حق می نماید.

[۱۷] ۷- ثمالی از امام باقر علیه السلام سؤال کرد، آیا همه شما قیام کننده به حق

نیستید؟ امام علیه السلام فرمود: آری، همه ما قیام کننده به حق هستیم. سؤال

کرد: پس چرا آن حضرت به این نام نامیده شده است؟

فرمود: هنگامی که جدّم امام حسین علیه السلام به شهادت رسید، ملائکہی

آسمان فریادشان بلند شد، گریه و ناله کردند و عرض کردند: خدایا آیا

نسبت به کسانی که برگزیده تو و پسر برگزیده ات را به شهادت رسانیدند

چشم پوشی می کنی؟ پروردگار عالم به آنها وحی فرمود: آرام بگیرید، به

عزت و جلالم قسم! از همه آنها انتقام خواهم گرفت، اگر چه مدتی بگذرد،

سپس پرده ها را از مقابل چشم آنان کنار زد، امامان از فرزندان امام

حسین علیه السلام را مشاهده کردند و یکی از آنان را دیدند که در حال قیام

است و نماز می خواند، خداوند تبارک و تعالی فرمود: به همین شخص در

حال قیام از آنها انتقام خواهم گرفت. (۱)

**علت قیام، هنگامی که آن حضرت علیه السلام به این لقب یاد می شود**

[۱۸] ۸- از امام صادق علیه السلام از علت این قیام سؤال شد، حضرت در پاسخ

فرمودند: زیرا برای آن حضرت غیبتی طولانی است از کثرت لطف و

محبتی که به دوستانش دارد. هنگامی که کسی او را به این لقب که یادآور

دولت او و افسوس خوردن به غربت و تنهایی او است یاد کرد، به او نگاه

می‌کند و سزاوار است که بنده فرمانبردار زمانی که مولای بزرگوارش به او نگاه می‌کند، به خاطر تعظیم او قیام کند و از جای خود برخیزد؛ پس باید قیام کرد و از خدا تعجیل فرج آن حضرت را درخواست نمود.

[۱۹] ۹- و نیز روایت شده است که وقتی دعبل خزاعی قصیده معروف

خود را در محضر حضرت رضا علیه السلام خواند، به این شعر که رسید

خروج امام لا محالة خارج

يقوم على اسم الله بالبركات

ناگزیر امامی از ما خروج خواهد کرد

و او به نام خدا و برکات الهی قیام می‌کند

حضرت رضا علیه السلام برخاستند و بر روی قدم‌های مبارک ایستادند و

دست بر سر نهادند و در حالی که مقداری سر را به پائین فرود آوردند، دعا کردند و فرمودند:

«اللهم عجل فرجه و مخرجه، وانصرنا به نصراً عزيزاً».

«خداوندا در فرج او تعجیل، و ما را به وسیله او یاری فرما».<sup>(۱)</sup>

### منتظر علیه السلام

یکی دیگر از القاب مبارک آن حضرت منتظر است.

[۲۰] ۱۰- از امام جواد علیه السلام سؤال کردند چرا امام عصر علیه السلام منتظر نامیده

شده است؟ فرمود: زیرا برای آن حضرت غیبتی است که زمانش طولانی

می شود و اهل اخلاص آمدن او را انتظار می کشند.<sup>(۱)</sup>

### بقیة الله علیه السلام

یکی دیگر از القاب آن حضرت بقیة الله است.

[۲۱] ۱۱- امام باقر علیه السلام فرموده اند: اولین سخن آن حضرت در هنگام

ظهور این آیه شریفه است:

﴿بَقِيَّةُ اللَّهِ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنتُمْ مُؤْمِنِينَ﴾<sup>(۲)</sup>

«بقیة الله [یعنی باقی مانده حجت های الهی] برای شما بهتر

است، اگر اهل ایمان باشید».

سپس می فرماید:

«أنا بقية الله في أرضه»

«من بقیة الله یعنی باقیمانده حجت های الهی هستم».<sup>(۳)</sup>

[۲۲] ۱۲- از امام صادق علیه السلام سؤال کردند: چگونه بر آن حضرت سلام

می کنند؟ فرمود: می گویند: السلام عليك يا بقية الله.<sup>(۴)</sup>

### صاحب الأمر علیه السلام

یکی دیگر از القاب آن حضرت صاحب الأمر علیه السلام است.

[۲۳] ۱۳- شیخ صدوق رحمته الله از ریّان روایت کرده است که گفت: به

حضرت رضا علیه السلام عرض کردم: آیا شما صاحب الامر هستید؟ فرمود:

۲- سورة هود، آیه ۸۶.

۱- بحار، ج ۵۱، ص ۱۵۷، ح ۵.

۴- کافی، ج ۱، ص ۴۱۱، ح ۲.

۳- بحار، ج ۵۱، ص ۶۲، ح ۶۲.



نام، لقب و کنیه آن حضرت ۴۱

آری، من صاحب الأمرم؛ ولی نه آن صاحب الأمری که عالم را پیر از عدل و داد می‌کند، همان طور که از جور و ستم پیر شده باشد.<sup>(۱)</sup>

## شمايل آن حضرت عليه السلام

او آينه تمام نماي رسول خدا صلى الله عليه وآله و شبيه ترين مردم به آن حضرت است، سيماي محمدي صلى الله عليه وآله در چهره منورش هويدا است.  
 [۲۴] ۱- رسول خدا صلى الله عليه وآله فرموده است:

«المهدي من ولدي اسمه اسمي وكنيته كنيتي، أشبه الناس بي خلقاً وخلقاً».

«مهدی عليه السلام از فرزندان من است. نام او نام من و کنیه او کنیه من است. او از نظر صورت و سیرت شبيه ترين مردم به من است».<sup>(۱)</sup>

[۲۵] ۲- اميرالمؤمنين عليه السلام نگاهي به فرزندش امام حسين عليه السلام نمود

و فرمود:

۱- بحار، ج ۵۱، ص ۷۲، ح ۱۶.

«...خداوند از نسل او فرزندی به دنیا آورد که همانم پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است و از نظر شکل و شمايل و خلق و خوی شبیه او می باشد... پیشانی او بلند، بینی اش کشیده و باریک، شکمش فربه، و ران های او عریض است، دندان های مبارکش جدا از هم می باشد»<sup>(۱)</sup>.

[۲۶] ۳- و نیز امیر المؤمنین علیه السلام فرموده اند:

«مردی از فرزندان من در آخر الزمان خروج می کند که رنگ چهره اش سفید آمیخته به سرخی است. شکمش فربه، ران هایش عریض و شانه هایش قوی می باشد. در پشت او دو علامت است: یکی به رنگ پوست و دیگری شبیه مهر نبوت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است»<sup>(۲)</sup>.

[۲۷] ۴- رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده است:

«المهدي من ولدي، وجهه كالكوكب الدرّي، واللون لون عربي والجسم جسم اسرائیلی...»  
«مهدی علیه السلام از فرزندان من است، چهره اش همانند ستاره های درخشان و رنگ مردمان عرب، یعنی گندمگون است. بدنش بدنی اسرائیلی یعنی قوی جثّه است»<sup>(۳)</sup>.

۱- بحار، ج ۵۱، ص ۳۹، ح ۱۹.  
۲- بر شانه مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله علامتی بود که حکایت از ختم نبوت به وجود پاک آن حضرت می نمود و آن حضرت به آن شناخته می شد.  
۳- بحار، ج ۵۱، ص ۹۱، سطر ۲.

[۲۸] ۵- علی بن مهزیار که شرفیاب محضر مقدس آن حضرت شده و آن جمال ملکوتی را دیدار نموده، شکل و شمایل او را این گونه بیان کرده است:

«قد مبارکش رسا، همانند سرو بود. اندامی متناسب داشت؛ نه خیلی کوتاه و نه خیلی بلند، بلکه معتدل و چهار شانه بود، سر مبارکش گرد، پیشانی آن حضرت نورانی و روشن، ابروها کشیده و کمانی، بینی باریک و میان برآمده، بر گونه راستش خالی زیبا قرار داشت».<sup>(۱)</sup>

[۲۹] ۶- حکیمه خاتون که شاهد ولادت آن امام عزیز بوده، می گوید: نرجس خاتون، نوزادی که مانند ماه بود به دنیا آورد، بر بازوی راست او نوشته شده بود:

﴿جَاءَ الْحَقُّ وَزَهَقَ الْبَاطِلُ إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا﴾<sup>(۲)</sup>

«حق پدیدار شد و باطل نابود گردید و به راستی که باطل از بین رفتنی است».<sup>(۳)</sup>

مرحوم حاج شیخ محمد حسن غروی اصفهانی معروف به کمپانی آن حضرت را در اشعار خود چنین توصیف نموده است:

۱- بحار، ج ۵۲، ص ۱۱، ضمن ح ۶. ۲- سوره اسراء، آیه ۸۱.

۳- دلائل الامامة، ص ۵۰۰، ضمن ح ۹۴.

در سرى نيست كه سوداى سر كوى تو نيست  
دل سودا زده را جز هوس روى تو نيست  
سینه‌ى غمزده‌اى نيست كه بى روى و ریا  
هدف تیر کمان خانه ابروى تو نيست  
جگرى نيست كه از سوز غمت نيست كباب  
يا دلى تشنه‌ى لعل لب دلجوى تو نيست  
عارفان را ز كمند تو گريزى نبود  
دام اين سلسله جز حلقه گيسوى تو نيست  
نسخه‌ى دفتر حسن تو كتابى است ميبين  
ور بود نكته سر بسته به جز موى تو نيست  
ماه تابنده بود بنده‌ى آن نور جبين  
مهر رخشنده به جز غره نيكوى تو نيست  
خضر عمرى است كه سرگشته كوى تو بود  
چشمه نوش، به جز قطره‌اى از جوى تو نيست  
نيست شهرى كه ز آشوب تو غوغاى نيست  
محفلى نيست كه شورى زهياھوى تو نيست  
(مفتقر) در خم چوگان تو گوئى گويى است  
چرخ با آن عظمت نيز به جز گوى تو نيست

## ۵

### شباهت آن حضرت به پیامبران

[۳۰] ۱- خداوند تبارک و تعالی در ضمن حدیث لوح فرموده است:

«ثم أكمل ذلك بابنه رحمة للعالمين، عليه كمال موسى و بهاء عيسى و صبر أيوب».

«سپس امامت را به فرزند امام عسکری علیه السلام کامل می‌گردانم. او که رحمت برای جهانیان است و دارای کمال حضرت موسی و شکوه و ابهت حضرت عیسی و صبر حضرت ایوب می‌باشد».<sup>(۱)</sup>

[۳۱] ۲- امام سجاد حضرت زین العابدین علیه السلام فرموده‌اند:

«در قیام کننده از ما سنتهایی است از انبیاء: سنتی است از آدم، سنتی است از نوح، سنتی است از ابراهیم، سنتی است از موسی، سنتی است از عیسی، سنتی است از ایوب و سنتی است از

---

۱- بحار، ج ۵۲، ص ۱۴۳، ح ۵۹.

حضرت محمد ﷺ

سنتی کہ در آن حضرت از آدم و نوح است طول عمر می باشد. از ابراهیم مخفی بودن ولادت و گوشه گیری از مردم است. از موسی خوف و غیبت است. از عیسی اختلاف آراء مردم درباره او است. از ایوب فرج و گشایش بعد از بلا است. از حضرت محمد ﷺ خروج با شمشیر است»<sup>(۱)</sup>.

[۳۲] ۳- امام باقر علیہ السلام فرموده اند:

«در صاحب این امر، چهار سنت از چهار پیامبر است: سنتی از موسی، سنتی از عیسی، سنتی از یوسف و سنتی از حضرت محمد ﷺ می باشد. سنت او از حضرت موسی وحشت و نگرانی است. از حضرت یوسف زندانی شدن است. از حضرت عیسی علیہ السلام اختلاف مردم درباره او است کہ برخی می گویند مرده است و برخی می گویند نمرده است. از رسول اکرم ﷺ قیام بہ شمشیر است»<sup>(۲)</sup>.

[۳۳] ۴- امام صادق علیہ السلام فرموده اند:

«در قیام کننده از ما سنتی از موسی بن عمران علیہ السلام است. راوی یعنی عبدالله بن سنان سؤال کرد آن سنت موسی بن عمران کہ در امام قائم علیہ السلام می باشد چیست؟ امام علیہ السلام فرمود: مخفی بودن ولادت و غیبت او از قومش»<sup>(۳)</sup>.

۲- بحار، ج ۵۱، ص ۲۱۶، ح ۳.

۱- بحار، ج ۵۱، ص ۲۱۷، ح ۴.

۳- بحار، ج ۵۱، ص ۲۱۶، ح ۲.



[۳۴] ۵- و نیز فرموده‌اند:

همانا در صاحب این امر، سنت‌هایی از پیامبران است: سنتی از موسی بن عمران. سنتی از عیسی سنتی از یوسف و سنتی از حضرت محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ.

اما سنت او از حضرت موسی این است که خائف و نگران است،<sup>(۱)</sup> سنت او از حضرت عیسی الْبَلَّاءِ این است که مردم درباره‌اش می‌گویند آنچه درباره عیسی گفتند. یعنی می‌گویند مرده است در حالی که نمرده است. سنت او از حضرت یوسف پنهان زیستن و ناشناس بودن او است. خداوند تبارک و تعالی میان او و خلق حجاب و پوششی قرار می‌دهد بگونه‌ای که او را می‌بینند، ولی نمی‌شناسند. سنت او از حضرت محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ این است که پرچم هدایت او را به دوش می‌گیرد و راه او را می‌پیماید و به سیره او و روش او عمل می‌کند.<sup>(۲)</sup>

[۳۵] ۶- و نیز فرموده‌اند:

«خداوند تبارک و تعالی سه جریانی را که برای سه تن از پیامبران واقع شده درباره قائم ما جاری خواهد ساخت؛ ولادت او را

۱- قرآن کریم در مورد آن حضرت فرموده است: ﴿فَخَرَجَ مِنْهَا خَائِفًا يَتَرَقَّبُ﴾ «او به دلیل ناامنی از شهر مصر خائف و مراقب خارج شد». (سوره قصص، آیه ۲۱). و در دعائی که بعد از زیارت آل یس خوانده می‌شود امام عصر عَلَيْهِ السَّلَام به عنوان «المرتقب الخائف» معرفی شده است.

۲- بحار، ج ۵۱، ص ۲۲۳، ح ۱۰.

شبهات آن حضرت به پیامبران ۴۹

همچون ولادت حضرت موسی، غیبتش را مانند غیبت حضرت عیسی، و طولانی شدن آن را همانند طولانی شدن جریان حضرت نوح مقدر فرموده است»<sup>(۱)</sup>

## ۶

### بعضی از اوصاف آن حضرت صلی الله علیه و آله

[۳۶] ۱- رسول خدا صلی الله علیه و آله در وصف آن حضرت فرموده است:

«أشبه الناس بي في شمائله وأقواله وأفعاله»<sup>(۱)</sup>

«او در شکل و شمایل و گفتار و رفتار شبیه‌ترین مردم به من

است»<sup>(۲)</sup>

او همانند جدش خاتم الانبیاء صلی الله علیه و آله رحمت برای اهل عالم است،

قرآن کریم در مورد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید:

﴿وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ﴾<sup>(۳)</sup>

---

۱- امیرالمؤمنین علیه السلام در ضمن خطبه‌ای از حضرت مهدی علیه السلام یاد نموده و فرمودند:

«ألا انه أشبه الناس خلقاً وخلقاً وحسناً برسول الله» «او نظر صورت و سیرت

شبیه‌ترین مردم به رسول خدا است و همه حسن و خوبی آن حضرت را دارا است.

(عوامل، ج ۱/۲۶، ص ۱۹۴، ح ۲۲۰). ۲- کمال الدین، ص ۲۵۷.

۳- انبیاء، آیه ۱۰۷. ۴- بحار، ج ۵۲، ص ۱۴۳، ح ۵۹.

«ما تو را جز رحمت برای جهانیان نفرستادیم».

خداوند در حدیث لوح، نسبت به خاتم الاوصیاء حضرت مهدی علیه السلام فرموده است:

«وأكمل ذلك بابنه رحمة للعالمين»

«امامت را به وسیله فرزند امام عسکری علیه السلام کامل می‌گردانم، او

که رحمت برای جهانیان است» (۴)

او همانند جدش امیرالمؤمنین علیه السلام که فرمود:

«أقتع من نفسي بأن يقال لي أمير المؤمنين ولا أشارك في

مكاره الدهر».

«در همه سختی‌ها و ناخوشی‌های روزگار با مردم شرکت دارد».

او بیش از خودمان نگران حال ما می‌باشد و بر بیچارگی ما تأسف

می‌خورد.

یکی از القاب مبارک امام عصر علیه السلام «غوث» است. او فریادرس

درماندگان و یار و یاور بیچارگان است.

[۳۷] ۲- رسول خدا صلی الله علیه وآله به ابو الوفاء شیرازی فرمود:

«فاذا بلغ السيف منك الذبح فاستغث به فهو يغيثك».

«وقتی کارد به استخوانت رسید، به امام زمان علیه السلام استغاثه کن تا

او به فریادت برسد».

[۳۸] ۳- و نیز آن حضرت فرموده است:

«رحمة ربكم وسعت كل شيء وأنا تلك الرحمة»

«رحمت پروردگارتان عام و فراگیر است و همه چیز را شامل

می‌شود و من آن رحمت بیکران الهی هستم»<sup>(۱)</sup>.

[۳۹] ۴- امیرالمؤمنین عليه السلام در توصیف آن ذخیره الهی فرموده‌اند:

«أوسعكم كهفاً وأكثركم علماً وأوصلكم رحماً»

«پناه وحی او از همه شما وسیع‌تر، دانشش از همه شما افزون‌تر و

رحمت و لطفش نسبت به خویشاوندانش از همه شما بیشتر

است»<sup>(۲)</sup>.

او کهف امان است و ملاذ و ملجأ هر بی پناه است و هر کس خود را در

پناه او قرار دهد، در امان خواهد بود و ایمن است.

[۴۰] ۵- آن حضرت در توصیف خویش فرموده است:

«أنا خاتم الاوصياء وبي يدفع الله البلاء عن أهلي وشيعتي»

«من آخرین وصی هستم و خداوند به وسیله من بلا را از اهل و

عیالم و از شیعیانم دفع می‌کند»<sup>(۳)</sup>.

اما افسوس که قدر او ناشناخته مانده و او را از جامعه طرد نموده‌اند و

او غریب و تنها است.

[۴۱] ۶- امیرالمؤمنین عليه السلام درباره آن حضرت فرموده‌اند:

«صاحب هذا الأمر الثريد الطريد الفريد الوحيد»

۱- بحار، ج ۵۳، ص ۱۱.

۲- بحار، ج ۵۱، ص ۱۱۵.

۳- بحار، ج ۵۲، ص ۳۰.

«صاحب این امر یعنی حضرت مهدی علیه السلام رانده شده، آواره و بی کس و تنها است»<sup>(۱)</sup>.

[۴۲] ۷- از حضرت سیدالشهداء علیه السلام سؤال کردند آیا شما صاحب این

امر هستید؟ فرمود:

«لا، ولكن صاحب الامر الطريد الشريد المأثور بأبيه»

«نه، من نیستم، بلکه صاحب این امر کسی است که رانده شده و

آواره باشد و انتقام پدر بزرگوارش گرفته نشده باشد»<sup>(۲)</sup>.

[۴۳] ۸- حضرت موسی بن جعفر علیه السلام فرموده‌اند:

«هو الطريد الوحيد الغائب عن أهله الموتور بأبيه»

«او رانده شده، تنهای غریب و غائب از خویشان خویش است که

انتقام پدر بزرگوارش گرفته نشده است»<sup>(۳)</sup>.

[۴۴] ۹- امام عصر علیه السلام در ابتدای ظهور از مظلومیت خویش سخن

می‌گوید و می‌فرماید:

من نسبت به شما حق خویشاوندی رسول خدا صلی الله علیه و آله را دارم،

از شما می‌خواهم که ما را یاری نمائید و در برابر کسانی که به

ما ظلم کرده‌اند از ما دفاع کنید؛ زیرا ما را ترسانیده و مورد

ظلم قرار داده و از خانه و اهل و عیال بیرون رانده و بر ما ستم

کرده و حَقمان را باز داشته‌اند»<sup>(۴)</sup>.

۲- بحار، ج ۵۱، ص ۱۳۳، ح ۶.

۴- غیبت نعمانی، ص ۸۱.

۱- بحار، ج ۵۱، ص ۱۲۰.

۳- بحار، ج ۵۱، ص ۱۵۱، ح ۴.

حضرت مهدی علیه السلام همانند سایر ائمه طاهرین علیهم السلام جامع جمیع کمالات و ارزشهای والای انسانی است. او مظهر جمال و جلال الهی و آینه تمام نمای صفات ربوبی است، او وارث همه حسنی است که انبیاء و اولیاء الهی دارا بوده‌اند و باید گفت:

آنچه خوبان همه دارند      تو تنها داری

[۴۵] ۱۰- حضرت رضا علیه السلام در توصیف آن ولی دوران و معرفی او

فرموده‌اند:

«المهدی أعلم الناس و احلم الناس و أتقى الناس و أسخى الناس و أشجع الناس و أعبد الناس»

«حضرت مهدی علیه السلام از همه مردم داناتر، بردبارتر، پرهیزکارتر، سخاوتمندتر، شجاعت‌ر و عابدتر است»<sup>(۱)</sup>

[۴۶] ۱۱- رسول خدا صلی الله علیه و آله در خطبه نورانی خود در روز غدیر، نه تنها

در مورد امامت و جانشینی علی علیه السلام سخن گفته است و او را به مردم معرفی نموده، بلکه خط مشی سیاسی اسلام را تا روز قیامت روشن ساخته و به اساسی‌ترین مسأله در نظام اجتماعی اسلام یعنی رهبری امت پرداخت. به ویژه در مورد امامت آخرین وصی خود که دین او را بر همه ادیان پیروز می‌گرداند، بیش از دیگران صحبت کرد و در قسمتی از آن در حالی که با حاضران سخن می‌گفت و در حقیقت پیامش متوجه همه انسان‌ها در همه عصرها و نسل‌ها بود چنین فرمود:



«معاشر الناس، انی نبی و علی وصیی، ألا وان خاتم الأئمة منّا القائم المهدي عليه السلام»

«ای مردم، من پیامبرم و علی عليه السلام جانشین من است.

آگاه باشید که آخرین پیشوا و راهنمای امت از خاندان ما می باشد  
و او امام قائم حضرت مهدی عليه السلام است.

آگاه باشید! او است که بر همه ادیان پیروز خواهد شد.

آگاه باشید! او است که از ستمگران انتقام خواهد گرفت.

آگاه باشید! او است که همه دژهای نظامی دشمن را فتح می کند و  
آنها را ویران می سازد.

آگاه باشید! او است که همه مشرکین را نابود می سازد.

آگاه باشید! او است که انتقام خون اولیای خدا را می گیرد.

آگاه باشید! او است که دین خدا را یاری می نماید.

آگاه باشید! او است که از دریای عمیق حقیقت و معرفت جرعه  
نوش است.

آگاه باشید! او است که هر صاحب فضلی را نشان فضیلت و هر  
صاحب جهلی را نشان جهالت می بخشد.

آگاه باشید! او است که از طرف پروردگارش سخن می گوید و از  
احکام الهی خبر می دهد.

آگاه باشید! او وارث همه علوم و محیط به آنها است.

آگاه باشید! او است که راهنما به راه کمال و صاحب پایداری و  
استواری در انجام امور است.

آگاه باشید! او است که امور خلاق به او واگذار شده است.  
آگاه باشید! او است که انبیاء پیشین به آمدنش بشارت داده‌اند.  
آگاه باشید! او است که حجت باقی خداوند است و پس از او  
حجتی نخواهد بود، هیچ حقی نیست مگر آنکه با او است و هیچ  
نوری نیست مگر آنکه نزد او است.  
آگاه باشید! هیچ قدرتی بر او غالب نمی‌شود و هیچ کسی بر او  
پیروز نمی‌گردد.  
آگاه باشید! که او ولی خدا در روی زمین و داور او در میان مردم و  
امین او در پنهان و آشکار است»!<sup>(۱)</sup>

## ۷

### علامتها و نشانه‌های او علیه السلام

[۴۷] ۱- عبدالله بن عطا می‌گوید: محضر مقدس امام باقر علیه السلام شرفیاب شدم و عرض کردم: شیعیان شما در عراق بسیار فراوانند و در میان اهل بیت پیامبر کسی همانند شما نیست، امام علیه السلام فرمود:

ای عبدالله، سخنان اراذل و اوباش را در فکر خود راه مده، به خدا قسم! صاحب شما من نیستم.

پرسیدم، پس صاحب ما چه کسی است؟ فرمود:

«انظر من يخفي على الناس ولادته فهو صاحبكم»<sup>(۱)</sup>

«نگاه کن، کسی که ولادتش بر مردم پنهان است او صاحب

---

۱- در حدیث دیگری فرموده‌اند: «انظر من لا يدري الناس أنه ولد أم لا، فذلك صاحبكم» «نگاه کن، کسی که مردم نمی‌دانند متولد شده یا نه، او صاحب شما است».

بحار، ج ۱، ص ۳۶، ح ۸

شما است» (۱).

[۴۸] ۲- ریان بن صلت می گوید: به حضرت رضا علیه السلام عرض کردم: آیا شما صاحب الامر هستید؟ فرمود:

آری، من صاحب الامرم؛ ولی نه آن صاحب الامری که عالم را پراز عدل و داد می کند، همان طور که از ظلم و ستم پر شده باشد، و چگونه می توانم با این ضعف بدنی و ناتوانی جسمی که مشاهده می کنی، آن حضرت باشم.

امام قائم علیه السلام کسی است که در هنگام ظهور در سنین پیری است، ولی به شکل جوان ظاهر می گردد. او از نظر جسمانی به قدری قوی است که اگر به بزرگترین درختی که بر روی زمین است دست خود را دراز کند، آن را از ریشه می کند و اگر میان کوهها فریادی برآورد سنگها از هم می پاشند و فرو می ریزند... (۲)

[۴۹] ۳- امام مجتبی علیه السلام فرموده اند:

«نهمین فرزند برادرم امام حسین علیه السلام فرزند سرور کنیزان، خداوند عمرش را بسیار طولانی می کند و آنگاه او را به صورت جوانی کمتر از چهل سال ظاهر می سازد تا دانسته شود که خداوند به هر چیزی قادر است» (۳).

[۵۰] ۴- حکم بن ابی نعیم می گوید: در مدینه محضر مقدس امام

۱- اعلام الوری، ص ۴۰۲، و ط جدید، ج ۲، ص ۲۳۲، بحار، ج ۵۱، ص ۳۴، ح ۲.

۲- بحار، ج ۵۲، ص ۳۲۲، ح ۳۰. ۳- بحار، ج ۵۱، ص ۱۳۲، ح ۱.

باقر علیه السلام شرفیاب شدم و عرض کردم: من در میان رکن و مقام نذر کرده‌ام که هنگامی که شما را در مدینه ملاقات کردم، از مدینه بیرون نروم تا آنکه بدانم که آیا قائم آل محمد صلی الله علیه و آله شما هستید یا نه؟

و حدیث را ادامه داد تا آنکه گفت: سؤال کردم: آیا شما آن کسی هستید که دشمنان خدا را می‌کشد و دوستان خدا را عزت می‌بخشد و دین خدا را آشکار می‌سازد؟ فرمود:

«ای حکم، چگونه ممکن است من او باشم؟ در صورتی که من به ۴۵ سالگی رسیده‌ام، ولی صاحب این امر از من به سن کودکی نزدیکتر است و بر پشت مرکب از من چابکتر است»<sup>(۱)</sup>.

[۵۱] ۵- امام صادق علیه السلام در ضمن حدیثی فرموده‌اند:

«هنگامی که سه اسم پی در پی «محمد و علی و حسن» بیایند، چهارمین آنها قیام کننده ایشان است»<sup>(۲)</sup>.

[۵۲] ۶- حضرت رضا علیه السلام در ضمن حدیثی فرموده‌اند:

«وإن من علامته أن لا يهرم بمرور الأيام والليالي عليه حتى يأتيه أجله»

«از علامتها و نشانه‌های آن حضرت این است که گذشت زمان بر وجود پاک او اثر نمی‌گذارد و پیری بر او عارض نمی‌گردد»<sup>(۳)</sup>.

[۵۳] ۷- امام صادق علیه السلام فرموده‌اند:

۱- بحار، ج ۵۱، ص ۱۴۰، ح ۱۴.

۲- بحار، ج ۵۱، ص ۱۴۳، ح ۶.

۳- بحار، ج ۵۲، ص ۲۸۵.

«انّ ابي لبس درع رسول الله ﷺ و كانت تسحب على الأرض...»

«پدرم زره رسول خدا ﷺ را پوشید روی زمین کشیده می شد و من پوشیدم همان طور بود، ولی آن زره برای حضرت قائم ﷺ زینده می باشد؛ همان طور که برای پیامبر ﷺ زینده و اندازه بود». (۱)

در توضیح حدیث مذکور باید گفت: از اخبار استفاده می شود که رسول خدا ﷺ دو زره داشته اند. یکی از آن دو، زرهی است که بعد از آن بزرگوار نشان امامت بود و ویژگی اش آن است که فقط بر قامت امام هر زمان راست و درست می آید، زره دیگر زرهی است که حتی بر قامت مبارک ائمه نیز استوار نمی شد و مقداری از قامتشان بلندتر بود، این زره بعد از رسول خدا ﷺ مخصوص قامت رعناى آخرین ذخیره الهی حضرت مهدی موعود علیه السلام است.

[۵۴] ۸- امام باقر علیه السلام فرموده اند:

«الامر في أصغرنا سنأوأخملنا ذكراً»

«امر [امامت و قیام] در کمترین ما از جهت سنی و گمنام ترین ما است». (۲)

امام عصر علیه السلام هنگام شهادت پدر بزرگوارش پیش از پنج بهار از عمر شریفش نگذشته بود. یعنی در سن ۵ سالگی عهده دار امر امامت شده اند و

این کمترین سنی است که یکی از امامان ما در آن سن به امامت رسیده‌اند.

[۵۵] ۹- سید ابن طاووس گوید:

«علامة المهدي أن يكون شديداً على العمال، جواداً بالمال،

رحيماً بالمساكين»

«علامت و نشانه مهدی این است که نسبت به کارگزاران شدید و

سخت گیر، نسبت به مال جواد و بخشنده، و نسبت به مساکین

رحیم و مهربان است».<sup>(۱)</sup>





## معجزات و کرامات راهی برای شناخت امام علیه السلام

یکی از فرازهای زندگی آن حضرت پیش از وفات امام عسکری علیه السلام معجزات و کراماتی است که به وسیله آن حضرت انجام گرفته است.

### سخن گفتن آن حضرت در هنگام ولادت

حضرت مهدی علیه السلام همچون حضرت عیسی علیه السلام در هنگام ولادت و در گاهواره، بلکه پیش از ولادت نیز سخن گفته است.

[۵۶] ۱- حضرت حکیمه خاتون که شاهد ولادت آن سرور بوده و کیفیت ولادت او را بیان نموده، می گوید: پیش از ولادت آن حضرت به امر امام عسکری علیه السلام سوره قدر را می خواندم و متوجه می شدم که آن جنین در شکم مادرش با من همراهی می کند و آن را می خواند.

هنگامی که به دنیا آمد، دیدم که سر به سجده گذاشته و چون سر از

سجده برداشت روی دو زانو نشست شهادتین را بر زبان جاری ساخت و پس از آن ائمه طاهرین علیهم السلام را به ترتیب نام برد و چون به نام مبارک خود رسید فرمود:

«اللهم انجز لي وعدي، واتمم لي أمري وثبت وطأتي واملاً  
الأرض بي عدلاً وقسطاً»

«خداوندا آنچه به من وعده فرموده‌ای محقق ساز، امر مرا برابم کامل گردان، قدمهای مرا ثابت و استوار بدار و به وسیله من زمین را پر از عدل و داد فرما»<sup>(۱)</sup>

[۵۷] ۲- نسیم، خدمتگزار امام عسکری علیه السلام می‌گوید:

«یکی شب پس از تولد امام عصر علیه السلام خدمت آن حضرت شرفیاب شدم و چون در حضور حضرتش عطسه نمودم، به من فرمود:

«یرحمك الله»

سپس فرمود: آیا می‌خواهی در مورد عطسه، مزده‌ای به تو دهم؟

عرض کردم: آری، ای مولای من. فرمود:

«هو امان من الموت ثلاثة أيام».

«عطسه تا سه روز امان از مرگ است»<sup>(۲)</sup>

[۵۸] ۳- ابو نصر خادم گوید: خدمت صاحب الزمان علیه السلام شرفیاب شدم

در حالی که حضرت در گاهواره بود، به من فرمود:

۱- بحار، ج ۱، ص ۱۱، ح ۱۴. ۲- بحار، ج ۱، ص ۵، ح ۷.

صندل سرخ را بیاور. برایش بردم، آنگاه فرمود: آیا مرا می‌شناسی؟  
 عرض کردم: آری، شما آقای من و فرزند آقای من هستید.  
 فرمود: از تو این را نپرسیدم. عرض کردم: خودتان بیان کنید، فرمود:  
 «من آخرین وصی پیامبرم، و خداوند به سبب من بلا و گرفتاری  
 را از خانواده و شیعیانم برطرف می‌کند».<sup>(۱)</sup>

### خبر دادن از اسرار درونی

[۵۹] ۴- ابراهیم بن محمد می‌گوید: هنگامی که عمرو بن عوف حاکم  
 وقت تصمیم به قتل من گرفت، ترس فراوانی به من دست داد؛ با اهل و  
 عیال خود خدا حافظی کردم و به طرف خانه امام عسکری علیه السلام برای وداع  
 با آن حضرت رفتم. چون خدمت آن حضرت رسیدم کودکی را دیدم که در  
 کنار آن حضرت نشسته بود و چهره‌اش همچون ماه شب چهارده  
 می‌درخشید به گونه‌ای که از نور سیمای او حیران گشتم و نزدیک بود  
 آنچه را در خاطر داشتم فراموش کنم، رو به من کرد و فرمود:  
 ای ابراهیم، فرار نکن، زیرا خداوند شرّ او را از تو کفایت می‌کند.  
 حیرتم بیشتر شد، به امام عسکری علیه السلام عرض کردم: فدای شما شوم!  
 این کودک کیست که از باطن من و آنچه در خاطر داشتم خبر داد؟ فرمود:  
 «هو ابني و خلیفتي من بعدی»

«او فرزند من است و جانشین من پس از من خواهد بود».<sup>(۱)</sup>

### پاسخ به پرسشهای علمی

[۶۰] ۵- کامل بن ابراهیم می گوید: خدمت امام عسکری علیه السلام شرفیاب شدم تا از آن حضرت پرسشهایی بنمایم، کنار دربی نشستم که پرده‌ای آویزان بود، بادی وزید و پرده را کنار زد، کودک چهار ساله‌ای را دیدم که چهره مبارکش همچون ماه شب چهارده بود، تا مرا دید مرا به نام صدا کرد و فرمود: «ای کامل بن ابراهیم» بدون اراده گفتم: لبیک ای مولای من، فرمود: آمده‌ای از ولی خدا سؤال کنی، آیا کسانی که عقیده شما را ندارند وارد بهشت نخواهند شد؟

عرض کردم: آری، به خدا قسم! برای همین آمده‌ام، فرمود: در این صورت اهل بهشت کم خواهند بود، کسانی به نام «حقیه» وارد بهشت می‌شوند که تنها محبت امیرالمؤمنین علیه السلام را دارند و به حق او سوگند یاد می‌کنند، ولی حق او را نشناخته و مقام والای او را درک نکرده‌اند.

سپس فرمود: و آمده‌ای از گفتار مفوضه سؤال کنی، به خدا سوگند! آنها دروغ می‌گویند، بلکه دل‌های ما ظرف مشیت پروردگار است، هرگاه مشیت او بر چیزی تعلق گیرد ما نیز آن را اراده می‌کنیم؛ همان طور که خداوند تبارک و تعالی فرموده است:

۱- اثبات دارحقیه، ح ۱۲، (محموظ)، اثبات الهداة، ج ۳، ص ۷۰۰، ح ۱۳۶.

«آنها نمی خواهند جز آنچه را که خداوند بخواهد».<sup>(۱)</sup>

آنگاه امام عسکری علیه السلام به من فرمود: دیگر منتظر چه هستی؟ پاسخ پرسشهای خود را دریافت نمودی.<sup>(۲)</sup>

[۶۱] ۶- سعد بن عبدالله قمی برای حل مشکلات علمی خویش به همراه احمد بن اسحاق به محضر حضرت امام حسن عسکری علیه السلام شرفیاب شد، قصه این دیدار مفصل است و ما به بعضی از قسمتهای آن اشاره می کنیم.

سعد می گوید: وقتی خواستم سؤالات خود را مطرح کنم، امام علیه السلام به فرزندش اشاره نمود و فرمود: سؤالات خود را از نور چشمم بپرس، در این هنگام آن کودک عزیز رو به من کرد و فرمود: هر چه می خواهی سؤال کن...

پرسیدم مقصود از «کهیص» چیست؟ فرمود: این حروف از خبرهای غیب است، خداوند تبارک و تعالی بنده خویش زکریا را از آن آگاه نموده و سپس آن را برای حضرت محمد صلی الله علیه و آله بازگو نموده است و قصه چنین است که زکریا از پروردگارش درخواست نمود که نامهای مبارک پنج تن را به او تعلیم نماید، جبرئیل نزد او فرود آمد و آنها را به او آموخت

۱- امام هادی علیه السلام فرموده اند: «ان الله جعل قلوب الائمة مورداً لا رادته فاذا شاء الله شيئاً شاءوه وهو قول الله ﴿وما تشاءون الا ان يشاء الله﴾ همانا خداوند تبارک و تعالی دلهای ائمه طاهرین علیهم السلام را محلّ وارد شدن اراده خویش قرار داده است، لذا هرگاه خداوند چیزی را بخواهد آنها نیز می خواهند و این فرمایش خداوند است آنها نمی خواهند جز آنچه را که خداوند بخواهد. بحار، ج ۲۵، ص ۳۷۲، ح ۲۳.

۲- کمال الدین، ۴۹۹.

زکریا هر زمان نام مبارک پیامبر و أمير المؤمنين و فاطمه و حسن عليه السلام را بر زبان جاری می‌ساخت غم و اندوهش زایل می‌گشت و چون نام امام حسین عليه السلام را می‌برد، غصه گلویش را می‌گرفت و پریشان می‌شد.

روزی به درگاه الهی از این حال خودش خبر داد و عرض کرد: خدایا! چگونه است که وقتی نام آن چهار نفر را می‌برم از غم و غصه رهائی می‌یابم و آرامش پیدا می‌کنم، ولی نام پنجمین آنها را که می‌برم اشکم جاری می‌شود و دلم می‌سوزد؟ خداوند تبارک و تعالی پرده از این راز برداشت و او را از داستان امام حسین عليه السلام آگاه نمود و فرمود: «کهیصص» «کاف» رمز کربلا، «هائ» رمز هلاکت خاندان او است، «یاء» کنایه از نام یزید است و او ظالمی است که نسبت به امام حسین ظلم می‌کند، «عین» اشاره به عطش و تشنگی آن حضرت است «صاد» اشاره به صبر امام حسین عليه السلام است...

عرض کردم: مولای من، چرا مردم از انتخاب امام برای خود منع شده‌اند؟ فرمود: مقصود تو برگزیدن امام مصلح است یا مفسد؟  
عرض کردم: مصلح که صلاحیت اصلاح جامعه و مردم را داشته باشد، فرمود: وقتی کسی از درون دیگری با خبر نیست که آیا او واقعاً صالح است و یا مفسد، احتمال نمی‌دهی که گزینش مردم خطا و مفسد را به جای مصلح برگزینند؟ عرض کردم: امکان چنین چیزی هست، فرمود: و همین

علت آن است که مردم حق انتخاب امام را برای خویش ندارند...<sup>(۱)</sup>  
 عقیده شیعه در مورد امامت این است که امامت همانند نبوت یک منصب الهی است، امام باید دارای ویژگیها و خصائصی باشد که از جمله آنها عصمت و مصونیت از هر گونه خطا و لغزش و سهو و نسیان است و تشخیص چنین ویژگیهایی به وسیله مردم عادی ممکن نیست، تنها خداوندی که خالق بشر است و از اسرار درونی همه آگاه است می تواند او را معین کند و به وسیله پیامبرش به مردم ابلاغ نماید.

قرآن کریم در سوره قصص، آیه ۶۸ می فرماید:

﴿وَرَبُّكَ يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ وَيَخْتَارُ مَا كَانَ لَهُمُ الْخِيَرَةُ﴾

«پروردگارت آنچه بخواهد می آفریند و هر کس را خواسته باشد اختیار می نماید و برمی گزیند و هرگز برای مردم اختیاری نیست».  
 و نیز در سوره احزاب، آیه ۳۶ می فرماید:

﴿وَمَا كَانَ لِمُؤْمِنٍ وَلَا مُمِئِنَةٍ إِذَا قَضَى اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَمْرًا أَنْ يَكُونَ لَهُمُ الْخِيَرَةُ مِنْ أَمْرِهِمْ﴾

«هیچ مرد و زن مؤمنی حق ندارد وقتی خداوند و رسول او چیزی را فرمان دادند و لازم دانستند، اختیاری [در برابر فرمان خدا] داشته باشد».

زمانی که پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ رئیس قبیله بنی عامر را به اسلام دعوت کرد، گفت: من به شرطی دعوت شما را می پذیرم که پس از خودت



زمامداری مسلمانان را به من واگذار نمائی.

رسول خدا ﷺ فرمود:

«الأمر إلى الله يضعه حيث يشاء».

«امامت و زمامداری مسلمانان مربوط به خداوند است، آن را در

هر کس صلاح بداند قرار می‌دهد».<sup>(۱)</sup>

### جدا کردن حلال از حرام

[۶۲] ۷- احمد بن اسحاق وکیل امام عسکری عليه السلام می‌گوید: اموالی از

شیعیان را به محضر امام عسکری عليه السلام بردم تا به آن حضرت تقدیم کنم،

انبانی که در آن ۱۶۰ کیسه درهم و دینار بود و هر کیسه‌ای با مهر صاحب

آن بسته شده بود، انبان را که در برابر حضرت نهادم، امام عليه السلام نگاهی به

فرزند خردسال خود کرد که در کنار او همچون ماه شب چهارده

می‌درخشید و فرمود: فرزندم، هدایای شیعیان و دوستانت را باز کن،

کودک عزیز لب به سخن گشود و فرمود:

«يا مولاي يجوز لي أن امدّ يدي الطاهرة إلى هدايا نجسة

واموال رجسة، قد خلط حلّها بحرامها»

«ای مولای من، آیا روا است که من دست پاک خود را به این

هدایای ناپاک و اموال پلیدی که حلال و حرام آن با هم مخلوط

۱- ولایت و رهبری از دیدگاه علم و دین، ج ۳، ص ۷۲، به نقل از تاریخ طبری، ج ۲،

شده دراز کنم؟»

امام علیه السلام رو به احمد بن اسحاق نمود و فرمود: ای پسر اسحاق، آنچه در انبان است بیرون آور تا فرزندم حلال آن را از حرامش جدا کند.  
احمد بن اسحاق گوید: نخستین کیسه را که بیرون آوردم، آن کودک عزیز فرمود:

این کیسه از فلان شخص، پسر فلان شخص و از فلان محله است [و نام او و نام پدرش و نام محله‌اش را فرمود] در آن شصت و دو اشرفی است، چهل و پنج اشرفی آن بهای فروش زمینی است که صاحبش آن را از پدر خود ارث برده است و چهارده دینار آن بهای نه طاقه پارچه است که فروخته و سه دینارش از اجاره دکان‌ها است.

امام علیه السلام فرمود: پسرم راست گفتی، اکنون این مرد را راهنمایی کن که کدامیک از این اموال حرام است.

کودک عزیز با دقت تمام سکه‌های حرام را مشخص کرد و علت حرام بودن آنها را بیان کرد. احمد بن اسحاق که کیسه را باز کرد نامه‌ای در میان آنها یافت که در آن نام صاحب کیسه و مقدار سکه‌ها همان گونه که آن کودک عزیز فرموده بود نوشته شده بود.

آنگاه کیسه دیگری را بیرون آورد و در برابر کودک نهاد، و آن عزیز پس از ذکر نام و نشان و محل سکونت صاحب آن فرمود: در این کیسه پنجاه اشرفی است که دست زدن به آنها برای ما روا نیست.

می گوید: نامه ها را به مدائن بردم و جواب آنها را گرفتم و همان گونه که امام عسکری علیه السلام فرموده بود، بعد از پانزده روز وارد سامراء شدم، صدای ناله از خانه آن حضرت به گوش می رسید و بدن پاک حضرت را در محلّ غسل دیدم. جعفر برادر آن حضرت بر در خانه ایستاده بود، جمعی از شیعیان او را در مرگ برادر تسلیت و بر امامتش تبریک می گفتند، من نیز هنگام وارد شدن او را تبریک و تسلیت گفتم، ولی او هیچ سؤالی از من نپرسید و جواب نامه ها را نخواست. پس از مدتی عقید خادم بیرون آمد و به جعفر گفت: بدن مبارک امام علیه السلام را غسل داده و کفن کرده و به مصلّا آورده اند، برخیز و بر او نماز گزار.

می گوید: من به همراه جعفر و جمعی از شیعیان داخل خانه شدم و بدن امام علیه السلام را کفن شده در تابوت دیدم، جعفر پیش رفت تا بر امام علیه السلام نماز گزارد، ولی هنگامی که خواست تکبیر گوید کودکی پنجساله همچون قرص قمر ظاهر گردید چهره اش گندمگون با گیسوانی مجعّد در کنار جنازه قرار گرفت و به جعفر خطاب کرد و فرمود: ای عمو، عقب برو که من به نماز گزاردن بر پدرم سزاوارترم، جعفر با ترس و وحشت و رنگ پریده کنار رفت و او بر بدن امام علیه السلام نماز خواند.

آنگاه به من فرمود: جواب نامه هائی را که به همراه داری به من بده، من آنها را به او دادم و با خود گفتم: این دو نشانه از نشانه هائی که امام عسکری علیه السلام فرمود، جریان کیسه هنوز باقی مانده است.

در این بین قافله ای از قم به سامراء وارد شدند و از امام عسکری علیه السلام

سراغ گرفتند و چون از شهادت آن حضرت با خبر شدند از جانشین آن حضرت پرسیدند، جمعی جعفر را نشان دادند و او را معرفی کردند، آنها به حضور جعفر رسیدند و به او گفتند: همراه ما نامه‌ها و اموالی است، بگو نامه‌ها از کیست و اموال چه قدر است؟

جعفر با ناراحتی از جا برخاست و گفت: آیا از ما علم غیب می‌خواهید؟ در این حال خادمی از اندرون بیرون آمد و گفت: نامه‌های فلانی و فلانی همراه شما است و نیز کیسه‌ای با شما است که در آن هزار دینار است که نقش ده دینار آن محو شده است، آن‌ها نامه‌ها و اموال را به او دادند و گفتند: کسی که تو را برای گرفتن اینها فرستاده، او امام است و تمام علائمی که امام عسکری علیه السلام برای من فرموده بود ظاهر گردید. <sup>(۱)</sup>

### روی آب بر حصیری نماز می‌خواند

[۶۴] ۹- هنگامی که امام عسکری علیه السلام به شهادت رسیدند، معتمد عباسی سه نفر از مزدوران خود را برای جستجوی خانه امام علیه السلام فرستاد و دستور داد هر کسی را یافتند به قتل برسانند و سر او را با خود بیاورند. آن سه نفر طبق دستور وارد خانه امام علیه السلام شدند، ناگاه سردابی را دیدند که در آن آب بود، و شخصی روی آب بر حصیری نماز می‌خواند و توجهی به آنان نداشت.

یکی از آن سه نفر به نام احمد بن عبدالله، پا روی آب گذاشت تا نزد او

۱- کمال الدین، ج ۲، ص ۲۲۳، ح ۲۵، باب ۴۳.

رود، در آب فرو رفت و نزدیک بود غرق شود که رفقاییش او را نجات دادند؛ دیگری پا در میان آب نهاد، او نیز در آب فرو رفت و نزدیک بود غرق شود که نجاتش دادند و چون دیدند نمی توانند کاری انجام دهند پا به فرار گذاشته و نزد معتمد باز گشتند و قضیه را گزارش دادند، معتمد دستور داد که قصه را کتمان کنند.<sup>(۱)</sup>

### اموالی که به همراه دارید فلان مقدار است

[۶۵] ۱۰- بعد از شهادت امام عسکری علیه السلام گروهی از قم و نواحی آن برای دیدار امام علیه السلام به راه افتادند و طبق معمول اموالی را به همراه خود برداشته بودند و خبری از وفات امام علیه السلام نداشتند. هنگامی که به سامراء رسیدند، با خبر شدند که امام علیه السلام دار فانی را وداع کرده است و چون از جانشین حضرت سؤال کردند، جعفر را معرفی نمودند، آنها نزد جعفر آمدند، ولی چون نشانه‌ها و علامتهای امام را در او نیافتند اموال را به او ندادند و بیرون آمدند تا برگردند. از دروازه شهر که بیرون رفتند، متوجه شدند کسی آنها را به نامهایشان صدا می زند، مقداری توقف کردند تا او رسید و به آنها فرمود: مولای خود را اجابت کنید که او شما را فرا خوانده است. می گویند: بی درنگ همراه آن شخص آمدیم تا وارد خانه مولایمان امام عسکری علیه السلام شدیم، فرزندش حضرت حجت علیه السلام را دیدیم که روی تختی نشسته است، چهره

۱- القطره، ج ۲، ص ۵۰۲، ح ۱۱۶۵، به نقل از الصراط المستقیم، ج ۲، ص ۲۱۰، ح ۵.

مبارکش همچون ماه نورانی بود و لباس سبز رنگی به تن داشت سلام کردیم و او از روی محبت و لطف پاسخ داد، سپس فرمود:

«اموالی که به همراه دارید فلان مقدار دینار است، فلانی این مقدار، و آن یکی این مقدار داده است و یکایک آنها را نام برد و تمام مشخصات آنها را بیان نمود»

سجده شکر به جا آوردیم که به این فیض بزرگ نائل آمدیم و در پیشگاه حضرت، زمین را از روی ادب بوسیدیم، بعد از آن سؤالات خود را که در نظر داشتیم پرسیدیم و امام علیه السلام همه را جواب فرمود، و هنگام رفتن اموالی را که امانت‌های مردم نزد ما بود، به آن حضرت تقدیم نمودیم و تحویل دادیم.<sup>(۱)</sup>

## ۹

### معرفی امام پیشین راهی برای شناخت امام علیه السلام

[۶۶] ۱- ابو بصیر می گوید: روزی در محضر امام کاظم علیه السلام بودم، از آن بزرگوار سؤال کردم امام را با چه علائم و نشانه هائی باید شناخت. حضرت موسی بن جعفر علیه السلام چند راه برای شناخت امام بیان کرد؛ یکی از راه ها این بود که فرمود: امام قبل از او، به امامتش اشاره یا تصریح کرده باشد. <sup>(۱)</sup>

[۶۷] ۲- سلیمان بن مهران از امام صادق علیه السلام روایت کرده است که فرمود:

«عشر خصال من صفات الامام: العصمة والنصر وأن يكون  
أعلم الناس...»

---

۱- روضة الواعظین، ج ۱، ص ۲۱۳.

«امام دارای ده ویژگی است؛ یکی از آن ده ویژگی این است که منصوص باشد. یعنی نصی بر امامت او رسیده باشد.»

چون شیعه، عصمت را از شرایط امامت می‌داند و عصمت چیزی نیست که در ظاهر خلقت باشد، بلکه یک صفت باطنی و یک امتیاز درونی و یک نیروی ملکوتی و یک موهبت الهی است، لذا مردم نمی‌توانند او را تشخیص دهند و انتخاب کنند و تنها خداوند است که امام را معین می‌کند و به وسیله پیامبر معرفی می‌نماید، پس راه شناخت امام، این است که پیامبر خدا او را معرفی کرده باشد؛ و یا امام پیش از خودش به امامت او تصریح نموده باشد.

در مورد امام عصر علیه السلام نه تنها امام پیش از او، بلکه همه امامان به معرفی او پرداختند، پیامبر اکرم و قرآن کریم و سایر کتب آسمانی همه بشارت آمدن او را داده‌اند و اگر بخواهیم مجموعه این نصوص را بررسی کنیم کتاب قطوری می‌شود و چون بنا بر اختصار است، تنها به چند آیه از قرآن، و چند روایت از هر کدام از معصومین علیهم السلام بسنده می‌کنیم.

### امام عصر علیه السلام از دیدگاه قرآن

در قرآن که هیچ مطلبی فروگذار نشده آیات فراوانی از آن به حضرت بقیة الله - ارواحنا فداه - تفسیر و تأویل شده است.

علامه مجلسی رحمته الله در کتاب گرانسنگ بحار الأنوار ۶۵ آیه ذکر نموده که به استناد روایات وارده از اهل بیت علیهم السلام پیرامون وجود مقدس



حضرت حجّت و قیام و ظهور آن سرور است و ما به چند نمونه از آنها اشاره می‌نمائیم.

در سوره انبیاء آیه ۱۰۵ فرموده است:

﴿وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ  
الصَّالِحُونَ﴾

«ما در زبور پس از ذکر، یعنی تورات نوشتیم که زمین را بندگان شایسته‌ام به ارث خواهند برد».

[۶۸] ۱- امام باقر علیه السلام در تفسیر این آیه شریفه فرموده‌اند:

«مقصود از بندگان شایسته‌ای که زمین را به ارث می‌برند حضرت مهدی علیه السلام و یاران او هستند».<sup>(۱)</sup>

در سوره قصص آیه ۵ فرموده است:

﴿وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ  
أُمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ﴾

«و اراده کردیم که بر مستضعفان زمین منت گذاریم و آنها را پیشوایان و وارثان زمین قرار دهیم».

[۶۹] ۲- امیرالمؤمنین علیه السلام در تفسیر این آیه شریفه فرموده‌اند:

«مقصود از مستضعفان در این آیه شریفه، آل محمد علیهم السلام هستند، خداوند پس از تلاش و رنج آنان، مهدی این خاندان را برمی‌انگیزد و آنان را به اوج عزت می‌رساند و دشمنانشان را ذلیل

۱- بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۴۷، تأویل الآیات، ج ۱، ص ۳۳۲، ح ۲۲.

می‌سازد»<sup>(۱)</sup>.

در سوره صف آیه ۸ فرموده است:

﴿هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَىٰ  
الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ﴾

«او خداوندی است که پیامبرش را با هدایت و دین حق فرستاد تا آن را بر همه ادیان پیروز گرداند؛ اگر چه مشرکان را ناخوش آیند باشد».

[۷۰] ۳- امام صادق علیه السلام در تفسیر این آیه شریفه فرموده‌اند: به خدا

قسم تا وایل این آیه هنوز محقق نگشته است.

ابو بصیر عرض کرد: فدای شما شوم! چه زمانی محقق می‌شود؟

فرمود: زمانی که قیام‌کننده ما، یعنی حضرت مهدی علیه السلام ظهور

فرماید.<sup>(۲)</sup>

در سوره آل عمران آیه ۸۳ فرموده است:

﴿وَلَهُ أَسْلَمَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ طَوْعًا وَكَرْهًا وَإِلَيْهِ  
يُرْجَعُونَ﴾

«هر که در آسمانها و زمین است، خواه و ناخواه تسلیم او شده و اسلام آورد».

[۷۱] ۴- امام صادق علیه السلام در تفسیر این آیه شریفه فرموده‌اند:

«هنگامی که آن قیام‌کننده قیام کند، سرزمینی نمی‌ماند مگر

۲- بحار، ج ۵۱، ص ۶۰، ح ۵۸.

۱- بحار، ج ۵۱، ص ۵۴، ح ۳۵.

آنکه در آنجا ندای توحید بلند شود و شهادت به رسالت پیامبر

اکرم حضرت محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ دهند». (۱)

در سوره انفال آیه ۳۹ فرموده است:

﴿وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَيَكُونَ الدِّينُ كُلُّهُ لِلَّهِ﴾

«با آنها بجنگید تا دیگر فتنه‌ای نباشد و دین تماماً از آن خدا

باشد».

[۷۲] ۵- امام باقر عَلَيْهِ السَّلَام فرموده‌اند: هنوز زمان تأویل این آیه شریفه

نیامده است... (۲) زمان آن هنگامی است که قائم ما - ارواحنا فداه - قیام کند.

[۷۳] ۶- امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام فرموده‌اند: هر کس که زمان قیام قائم ما

- ارواحنا فداه - را درک کند، تأویل این آیه را می‌بیند؛ آن روز دین

حضرت محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ یعنی اسلام به هر نقطه‌ای که تاریکی شب رسیده

می‌رسد و دیگر شرک در روی زمین باقی نمی‌ماند. (۳)

۲- بحار، ج ۵۲، ص ۳۷۸، ح ۱۸۱.

۱- بحار، ج ۵۲، ص ۳۴۰، ح ۸۹.

۳- بحار، ج ۵۱، ص ۵۵، ح ۴۱.

## امام عصر علیه السلام از دیدگاه روایات

### حضرت مهدی علیه السلام در احادیث معراج

[۷۴] ۱- رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده‌اند: هنگامی که به آسمان هفتم برده شدم... پروردگارم مرا خواند و فرمود...

«به وسیله قیام کننده شما زمینم را با تسبیح و تقدیس و تهلیل و تکبیر و تمجیدم آباد می‌گردانم و به وسیله او زمین را از لوث وجود دشمنانم پاک می‌سازم و اولیائهم را وارث آن می‌نمایم...»<sup>(۱)</sup>

[۷۵] ۲- در ضمن حدیث دیگری فرموده است:

پروردگارم به من وحی فرمود: ... ای محمد، من تو را و علی و فاطمه و حسن و حسین و ائمه را از یک نور آفریدم...

۱- بحار، ج ۵۱، ص ۶۶، ح ۳.

سپس فرمود: ای محمد، آیا دوست داری آنان را ببینی؟ عرض کردم: آری، در این هنگام همه آنان را دیدم و حضرت حجت را در وسط آنان مشاهده نمودم که همانند ستاره درخشانی می درخشید و درباره او فرمود: «یحلّ حلالی و یحرّم حرامی و ینتقم من أعدائی، یا محمد، أ حبه، فانی أحبّه وأحبّ من یحبّه».

«او حلال مرا حلال و حرام مرا حرام می گرداند و از دشمنانم انتقام می گیرد؛ او را دوست بدار، زیرا من او را و دوستان او را دوست می دارم».<sup>(۱)</sup>

[۷۶] ۳- در ضمن حدیث دیگری فرموده است:

پروردگارم به من وحی فرمود: ... ای محمد، آیا دوست داری آنان را ببینی؟ عرض کردم: آری، فرمود: سر خود را بالا ببر، چون سرم را بالا بردم، انوار آنان را مشاهده کردم، در وسط آنان حجة بن الحسن را دیدم ایستاده است و همچون ستاره های درخشان می درخشد و درباره او فرمود: او حلال مرا حلال و حرام مرا حرام می گرداند و به وسیله او از دشمنانم انتقام می گیرم، او راحت جان اولیای من و مایه آرامش آنان است، او دلهای شیعیان را با انتقام از ظالمین شفا می بخشد و دو بت قریش را از قبر بیرون می آورد و به آتش می کشاند.<sup>(۲)</sup>

۲- بحار، ج ۳۶، ص ۲۴۵، ح ۵۸.

۱- بحار، ج ۳۶، ص ۲۲۲، ح ۲۱.

## حضرت مهدی $\text{عليه السلام}$ در حدیث لوح

[۷۷] ۱- در حدیث لوح که آن را جابر در دست مبارک حضرت صدیقه کبری  $\text{عليها السلام}$  مشاهده کرد، نام‌های مقدس ائمه طاهرین  $\text{عليهم السلام}$  برده شده و درباره هر یک توصیفی به میان آمده و در مورد حضرت حجّت - ارواحنا فداه - این عبارت آمده است.

«ثمّ أكمل ذلك بابنه رحمة للعالمين، عليه كمال موسى وبهاء عيسى وصبر أيّوب».

«سپس امامت را به فرزند امام عسکری  $\text{عليه السلام}$  کامل می‌گردانم، او که رحمت برای جهانیان است»<sup>(۱)</sup>.

## حضرت مهدی $\text{عليه السلام}$ در احادیث رسول خدا $\text{صلى الله عليه وآله}$

[۷۸] ۱- رسول خدا  $\text{صلى الله عليه وآله}$  فرموده است:

«من أنكر القائم من ولدي فقد أنكرني»<sup>(۲)</sup>.

«کسی که قائم  $\text{عليه السلام}$  از فرزندان مرا انکار کند در واقع مرا انکار کرده است»<sup>(۳)</sup>.

[۷۹] ۲- ابو سعید خدری گوید: از رسول خدا  $\text{صلى الله عليه وآله}$  شنیدم که فرمود:

۱- بحار، ج ۳۶، ص ۱۹۷، ح ۳.

۲- اهل سنت نیز از رسول خدا  $\text{صلى الله عليه وآله}$  روایت کرده‌اند که فرمود: «من كذب بالمهدي فقد كفر» کسی که مهدی  $\text{عليه السلام}$  را تکذیب کند کافر است (عقد الدرر، ص ۱۵۷) و در حدیث دیگری فرموده است: «من أنكر خروج المهدي فقد كفر» کسی که خروج حضرت مهدی  $\text{عليه السلام}$  را انکار کند کافر است. (فرائد السمطين، ج ۲، ص ۳۳۴).

۳- بحار، ج ۵۱، ص ۷۳، ح ۲۱.

«الأئمة بعدي اثنا عشر، تسعة من صلب الحسين والتاسع قائمهم».

«امامان بعد از من دوازده نفرند، نه نفر آنان از صلب امام حسین هستند و نهمین آنان قیام کننده ایشان است».<sup>(۱)</sup>

[۸۰] ۳- رسول خدا ﷺ به امام حسین عليه السلام فرمود:

«يا حسين، يخرج من صلبك تسعة أئمة، منهم مهدي هذه الأمة، فإذا استشهد ابوك فالحسن بعده، فإذا سمَّ الحسن فأنت.... فإذا مضى عليّ فالحسن ابنه، ثمَّ الحجة بعد الحسن، يملأ الأرض قسطاً وعدلاً كما ملئت ظلماً وجوراً»

«ای حسین، از صلب تو نه تن از امامان هستند که از آنان مهدی این امت خواهد بود، هنگامی که پدرت امیرالمؤمنین عليه السلام به شهادت رسد، امام حسن عليه السلام به امامت می‌رسد، و وقتی امام حسن عليه السلام را مسموم سازند، تو امام خواهی بود... و چون امام هادی از دنیا رود، فرزند او امام حسن به امامت می‌رسد، سپس حضرت حجت امام خواهد بود، و او زمین را پر از عدل و داد می‌کند، همان‌طور که پر از ظلم و ستم شده باشد».<sup>(۲)</sup>

[۸۱] ۴- رسول خدا ﷺ در بیماری خود به حضرت صدیقه کبری

فرمود:

«والذي نفسي بيده لا بدّ لهذه الأمة من مهديّ وهو والله من

۱- بحار، ج ۳۶، ص ۲۹۲، ح ۱۱۸. ۲- بحار، ج ۳۶، ص ۳۰۷، ح ۱۴۵.

ولذلك».

«قسم به کسی که جان من در قبضه قدرت او است این امت ناگزیر برایش مهدی خواهد بود و او به خدا قسم از فرزندان تو است»<sup>(۱)</sup>.

[۸۲] ۵- رسول خدا  $\text{صلی الله علیه و آله}$  در حدیث دیگری فرمود:

«ان خلفائي وأوصيائي و حجج الله على الخلق بعدي اثنا عشر»  
 «اوصیاء و جانشینان من و حجت‌های الهی بر خلق بعد از من دوازده نفرند، اول آنان برادرم و آخر آنان فرزندم می‌باشد، سؤال کردند: ای رسول خدا برادر شما کیست؟ فرمود: علی بن ابی طالب. عرض کردند: فرزند شما کیست؟ فرمود: مهدی  $\text{علیه السلام}$  و او زمین را پر از عدل و داد می‌کند، همان طور که پر از ظلم و ستم شده باشد»<sup>(۲)</sup>.

### حضرت مهدی $\text{علیه السلام}$ در احادیث امیرالمؤمنین $\text{علیه السلام}$

[۸۳] ۱- اصبغ بن نباته می‌گوید: خدمت حضرت امیرالمؤمنین  $\text{علیه السلام}$

رسیدم، دیدم که در فکر و اندیشه فرو رفته است و با انگشت مبارک به زمین می‌زند، عرض کردم: ای امیر مؤمنان، چه شده، شما را در اندیشه می‌بینم و به زمین اشاره می‌کنید، آیا میل و رغبتی در آن دارید؟ فرمود: نه، به خدا قسم! حتی یک روز به این خاک و به این دنیا متمایل

۲- بحار، ج ۵۱، ص ۷۱، ح ۱۲.

۱- بحار، ج ۵۱، ص ۶۷، ح ۶.



نشده‌ام؛ ولی فکر می‌کردم درباره مولودی که از نسل من است، و او یازدهمین فرزند من و نامش مهدی است، زمین را پر از عدل و داد می‌کند، همان طور که پر از ظلم و ستم شده باشد، برای او غیبت و حیرتی است که در آن گروهی دچار گمراهی و عده‌ای هدایت می‌شوند.<sup>(۱)</sup>

[۸۴] ۲- أبو اسحاق گوید: امیر المؤمنین علیه السلام نگاهی به فرزندش امام

حسین علیه السلام کرد و فرمود:

همانا این فرزندم سید و سرور است، همان طور که رسول خدا صلی الله علیه و آله او را اینگونه نام نهاده؛ و به زودی از صلب او فرزندی به دنیا می‌آید که نام او نام پیامبر است و بسیار به او شباهت دارد، او زمین را پر از عدل و داد خواهد کرد.<sup>(۲)</sup>

### حضرت مهدی علیه السلام در احادیث امام مجتبی علیه السلام

[۸۵] ۱- ابو سعید عقیصاء از آن حضرت روایت کرده است که فرمود:

«... ما منّا احد الا ويقع في عنقه بيعة لطاغية زمانه الا القائم الذي يصلي روح الله عيسى بن مريم خلفه، فان الله عز وجل يخفي ولادته ويغيب شخصه لئلا يكون لاحد في عنقه بيعة اذا خرج ذاك التاسع من ولد أخي الحسين».

«هیچ یک از ما نیست مگر آنکه در گردنش بیعتی برای طاغوت

۲- بحار، ج ۵۱، ص ۱۱۶، ح ۱۵.

۱- بحار، ج ۵۱، ص ۱۱۷، ح ۱۸.

زمانش می‌باشد [یعنی مجبور است به خاطر حفظ دین خدا و حراست از جان خود و شیعیانش به طور تقیه تحت فرمان حکومت جائری زندگی نماید] مگر قائم  $\text{علیه السلام}$  که حضرت عیسی از آسمان فرود می‌آید و پشت سر آن حضرت نماز می‌گزارد، همانا خداوند تبارک و تعالی ولادتش را مخفی و او را در پشت پرده غیبت نگه داشت تا هنگام قیام، بیعت هیچ کس در گردنش نباشد». (۱)

### حضرت مهدی $\text{علیه السلام}$ در احادیث امام حسین $\text{علیه السلام}$

[۸۶] ۱- امام حسین  $\text{علیه السلام}$  فرموده است:

«فی التاسع من ولدی سنّة من یوسف و سنّة من موسی بن عمران وهو قائمنا اهل البیت»

«در نهمین فرزند من سنتی از حضرت یوسف و سنتی از حضرت موسی بن عمران است و او قیام کننده ما اهل بیت است». (۲)

[۸۷] ۲- در حدیث دیگری فرموده است:

«منا اثنا عشر مهدیاً اولهم امیر المؤمنین علی بن ابی طالب و آخرهم التاسع من ولدی»

«از ما خاندان، دوازده مهدی است؛ اول آنان امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب است و آخر آنان نهمین فرزند من می‌باشد او امامی است که قیام به حق می‌کند. خداوند زمین را به وسیله او بعد از

۲- بحار، ج ۵۱، ص ۱۳۳، ح ۲.

۱- بحار، ج ۵۱، ص ۱۳۲، ح ۱.

مرگ آن زنده می‌گرداند و دین حق را به وسیله او بر همه ادیان پیروز می‌نماید، اگر چه مشرکین را خوش آیند نباشد»<sup>(۱)</sup>.

### حضرت مهدی علیه السلام در احادیث امام سجّاد علیه السلام

[۸۸] ۱- یکی از فرزندان حضرت می‌فرماید: پدرم همواره از برادرم

محمد به باقر تعبیر می‌فرمود، مثلاً می‌گفت «ادعوا لی ابني الباقر» پسرم باقر را برای من فرا خوانید؛ «قلت لابني الباقر» به پسرم باقر گفتم.

روزی به آن حضرت عرض کردم: «یا اَبه و لَمْ سَمَّیْتَهُ الباقِر» پدر جان،

علت اینکه او را باقر نامیده‌اند چیست؟ فرمود:

«یا بنی، انّ الامامة فی ولده الی ان یقوم قائمنا علیه السلام فیملأها قسطاً وعدلاً»

«پسر جان، همانا امامت در فرزندان او است تا قائم ما که درود

خدا بر او باد قیام کند و زمین را پر از عدل و داد فرماید...»

پرسیدم امامان بعد از او چند نفرند؟ فرمود:

«هفت نفرند که یکی از آنها مهدی علیه السلام است که دین را در آخر

الزمان به پا می‌دارد»<sup>(۲)</sup>.

[۸۹] ۲- زهری می‌گوید: به امام سجّاد علیه السلام عرض کردم: بعد از شما

جانشین شما و امام ما کیست و به چه کسی مراجعه کنیم؟

حضرت در حالی که به فرزندشان امام باقر علیه السلام اشاره می‌کرد، فرمود:

۲- کفایة الأثر، ص ۲۳۷.

۱- بحار، ج ۵۱، ص ۱۳۳، ح ۴.

به این پسر، او وصی و وارث من و مخزن علم من و مدد من و مددگار من و شاکاوند علم من است...

عزیز کردم، چه را به فرزند بزرگتر خود وصیت نمی فرمائید؟ فرمود: امامت رهبری به کوچک و یا بزرگ من ندارد، رسول خدا ﷺ این چنین با ما پیمان بسته، و در لوح این گونه نوشته شده است... سپس فرمود:

«يُخْرِجُ مِنْ صُلْبِ مُحَمَّدٍ ابْنِي مُحَمَّدٍ مِنَ الْأَرْضِ بِأَكْفَرِ يَوْمِ  
الْمُؤْتَى عَلَيْهِ»

«از صلب محمد فرزندی هفت نفر از امامان به دنیا می آید که  
مهدی علیه السلام از آنها خواهد بود» (۱)

مفسر (مهدی علیه السلام) در احادیث امام باقر علیه السلام

[۱] امام باقر علیه السلام به ابو حمزه ثمالی فرمود:

«يا أبا حمزة من المصنوع الذي حتمه الله قيام قائمنا فمن شك  
فيها أقول اقرب الله وهو بد كافر»

«ای ابا حمزه از امور حتمیای که خداوند حتمی فرموده، قیام  
قائم ما است، هر کس در آنچه می گویم شک کند، خدا را ملاقات  
می کند در حالی که بد او کافر است».

سپس فرمود: پدر و مادرم فدای کسی که همنام و هم کنیه من است! او  
هفتمین فرزند من و کسی است که زهرا را بر از دل و داد می کند،

هنگامی که پیر از ظلم و ستم شده باشد. (۱)

[۹۱] ۲- امام باقر علیه السلام به عبدالله بن عطا فرمود:

«انظروا من غیب عن الناس ولادته فذلك صاحبکم»

«نگاه کنید آنکه ولادتش مخفی از مردم است، او صاحب شما

یعنی حضرت صاحب الأمر است». (۲)

[۹۲] ۳- ابو بصیر می گوید: مولایم امام باقر علیه السلام فرمودند:

«یکون منّا بعد الحسین علیه السلام تسعة، تاسعهم قائمهم وهو

أفضلهم»

«پس از امام حسین، نه نفر امام از ما خاندان هستند که نهمین

آنها قائم آنها است و او برترین آنان می باشد». (۳)

### حضرت مهدی علیه السلام در احادیث امام صادق علیه السلام

[۹۳] ۱- امام صادق علیه السلام فرموده است:

«من أقرّ بجميع الأئمة عليهم السلام و جحد المهدی عليه السلام كان كمن أقرّ

بجميع الأنبياء و جحد محمداً صلی الله علیه و آله نبوته».

«کسی که به همه امامان اقرار نماید؛ ولی مهدی علیه السلام را انکار

کند، مانند کسی است که به همه پیامبران اقرار نموده و نبوت

خاتم پیامبران حضرت محمد صلی الله علیه و آله را انکار نماید».

سؤال کردند: ای فرزند رسول خدا، مهدی علیه السلام از کدام فرزند شما

۲- بحار، ج ۵۱، ص ۱۳۸، ح ۸.

۱- بحار، ج ۵۱، ص ۱۳۹، ح ۱۳.

۳- القطره، ج ۲، ص ۸۱۰، ح ۱۱۷۴.

است؟ فرمود:

«پنجمین فرزند از فرزندان هفتمین امام، از ویژگی‌های او این است که شخص او از شما غایب می‌گردد»<sup>(۱)</sup>.

[۹۴] ۲- ابو بصیر در ضمن حدیثی از آن حضرت سؤال کرد: قائم از شما

اهل بیت چه کسی است؟ فرمود:

«یا ابابصیر، هو الخامس من ولد ابني موسى»

«او فرزند پنجم از فرزندان پسر موسی  $\text{علیه السلام}$  است»<sup>(۲)</sup>.

[۹۵] ۳- خالد بن قصاب می‌گوید: از امام صادق  $\text{علیه السلام}$  سؤال شد، آیا

قائم  $\text{علیه السلام}$  تولد یافته است؟ امام  $\text{علیه السلام}$  فرمود:

«لا، ولو ادركته لخدمته أيام حياتي».

«نه، او هنوز متولد نشده است و من اگر او را درک کنم، تمام عمر

در خدمت او خواهم بود»<sup>(۳)</sup>.

### حضرت مهدی $\text{علیه السلام}$ در احادیث امام کاظم $\text{علیه السلام}$

[۹۶] ۱- حضرت موسی بن جعفر  $\text{علیه السلام}$  در ضمن حدیثی فرموده‌اند:

«... القائم الذي يطهر الأرض من أعداء الله ويملاها عدلاً كما

ملئت جوراً هو الخامس من ولدي...»

«آن امام قائم که زمین را از لوث وجود دشمنان خدا پاک می‌کند و

آن را پر از عدل و داد می‌نماید، همان طور که از ظلم و ستم پر

۲- بحار، ج ۵۱، ص ۱۴۶، ح ۱۴.

۴- بحار، ج ۵۱، ص ۱۵۱، ح ۶.

۱- بحار، ج ۵۱، ص ۱۴۳، ح ۴.

۳- بحار، ج ۵۱، ص ۱۴۸، ح ۲۲.

شده باشد، پنجمین فرزند من می باشد...»<sup>(۴)</sup>

[۹۷] ۲- و نیز فرموده است:

«اذا فقد الخامس من ولد السابع فالله الله في أديانكم لا يزيلنكم  
احد عنها»

هنگامی که پنجمین فرزند وصی هفتم از دیدگان ناپدید شود، خدا  
را در مورد دینتان در نظر داشته باشید و به او پناه ببرید، مبادا  
کسی شما را دچار لغزش نماید»<sup>(۱)</sup>

### حضرت مهدی علیه السلام در احادیث امام رضا علیه السلام

[۹۸] ۱- حضرت رضا علیه السلام در ضمن حدیثی به دعبل فرمودند:

«یا دعبل، الامام بعدي محمد ابني وبعد محمد ابنة عليّ وبعد  
عليّ ابنة الحسن وبعد الحسن ابنة الحجة القائم عليه السلام...»  
«ای دعبل، امام بعد از من پسر محمد است و بعد از محمد  
پسرش علی است و بعد از علی پسرش حسن است و بعد از حسن  
پسرش حضرت حجّت امام قائم است - درود خدا بر همه آنان باد...»<sup>(۲)</sup>

[۹۹] ۲- و در حدیث دیگری فرموده اند:

«الرابع من ولدي ابن سيّدة الاماء، يطهر الله به الأرض من كلّ  
جور...»

«چهارمین فرزند من پسر بهترین کنیزان است، خداوند به وسیله

او زمین را از هر ستمی پاک می گردانند...»<sup>(۱)</sup>

### حضرت مهدی علیه السلام در احادیث امام جواد علیه السلام

[۱۰۰] ۱- حضرت جواد الأئمه علیه السلام فرموده اند:

«انّ الامام بعدي عليّ عليه السلام أمره أمري وقوله قولي وطاعته طاعتي، والامام بعده ابنه الحسن العسكري عليه السلام أمره أمر أبيه وقوله قول أبيه وطاعته طاعة أبيه»

امام پس از من فرزندم علی علیه السلام است که فرمان او فرمان من، گفتار او گفتار من، و اطاعت او اطاعت من است. و امام بعد از او فرزندش امام حسن عسکری علیه السلام است. فرمان او فرمان پدرش، گفتار او گفتار پدرش، و اطاعت او اطاعت پدرش می باشد.

آنگاه امام علیه السلام ساکت شد. راوی عرض کرد: امام بعد از امام حسن عسکری علیه السلام کیست؟ حضرت به شدت گریست و سپس فرمود:

«الامام من بعد الحسن ابنه القائم بالحق المنتظر»

«امام بعد از امام حسن عسکری علیه السلام فرزندش آن قیام کننده به حق است که انتظارش کشیده می شود.»<sup>(۲)</sup>

[۱۰۱] ۲- عبدالعظیم حسنی می فرماید: محضر امام جواد علیه السلام شرفیاب

شدم و می خواستم از آن حضرت درباره حضرت مهدی علیه السلام سؤال کنم، پیش از آنکه سؤالم را مطرح کنم، جواب پرسشم را داد و فرمود:

۱- اثبات الهداة، ج ۳، ص ۴۷۸. ۲- بحار، ۵۱، ص ۱۵۷، ح ۵.



«یا ابا القاسم، قائم ما مهدی علیه السلام است که واجب است در دوران غیبت انتظار او را کشید و در زمان ظهور از او اطاعت نمود، او سوّمین فرزند من است...»<sup>(۱)</sup>

### حضرت مهدی علیه السلام در احادیث امام هادی علیه السلام

[۱۰۲] ۱- ابو هاشم جعفری می گوید: از امام هادی علیه السلام شنیدم که فرمود:  
«الخلف من بعدي ابني الحسن، فكيف لكم بالخلف من بعد الخلف».

«جانشین من و امام بعد از من، پسر امام حسن علیه السلام است؛ چگونه است حال شما نسبت به جانشین او و امام بعد از او؟»<sup>(۲)</sup>

[۱۰۳] ۲- و نیز آن حضرت علیه السلام در حدیث دیگری فرمودند:

«الامام بعدي الحسن ابني، وبعد الحسن ابنه القائم الذي يملأ الأرض قسطاً وعدلاً...»

«امام بعد از من، پسر امام حسن علیه السلام است و بعد از او پسرش امام قائم علیه السلام است که زمین را پر از عدل و داد خواهد کرد، همان طور که پر از ظلم و ستم شده باشد.»<sup>(۳)</sup>

### حضرت مهدی علیه السلام در احادیث امام عسکری علیه السلام

[۱۰۴] ۱- امام عسکری علیه السلام فرمود:

۲- بحار، ج ۵۱، ص ۱۵۸، ح ۱.

۱- بحار، ج ۵۱، ص ۱۵۶، ح ۱.

۳- کفایة الأثر، ص ۲۸۸.

«كأني بكم و قد اختلفتم بعدي في الخلف مني، أما ان المقرّ بالأئمة بعد رسول الله المنكر لولدي كمن أقرّ بجميع انبياء الله ورسله ثم أنكر نبوة محمد رسول الله ﷺ...»

«گویا شما را می بینم که بعد از من درباره جانشین من دچار اختلاف شده‌اید، بدانید و آگاه باشید کسی که به همه امامان بعد از رسول خدا اقرار داشته باشد، ولی منکر فرزند من باشد، همانند کسی است که به همه پیامبران و رسولان اقرار نموده باشد، ولی نبوت رسول خدا حضرت محمد ﷺ را انکار نماید»<sup>(۱)</sup>.

[۱۰۵] ۲- و نیز در ضمن حدیثی فرمود:

«ابني محمد هو الإمام والحجة بعدي، من مات ولم يعرفه مات ميتة جاهلية»

«پسرم بعد از من امام و حجت است، کسی که بمیرد در حالی که او را نشناخته باشد، به مرگ جاهلیت مرده است»<sup>(۲)</sup>.

### حضرت مهدی عليه السلام در حدیث دیگران

ضرورت وجود یک مصلح برای اصلاح جهان، امری است که همه اندیشمندان جهان به آن اعتراف دارند. هیچ صاحب عقل و خردی باورش نمی آید که جهان پیوسته و تا پایان کارش همین وضع نابسامان را داشته باشد و در ستم و بیداد و بی عدالتی و هرج و مرج غوطه ور باشد.

۱- بحار، ج ۵۱، ص ۱۶۰، ح ۶. ۲- اثبات الهداة، ج ۳، ص ۴۸۲، ضمن ح ۱۸۹.

اعتقاد به ظهور منجی و مصلح جهانی، تنها به مسلمانها اختصاص ندارد؛ بلکه پیروان همه ادیان توحیدی بر این باورند. انبیاء همگی نوید آمدن منجی و مصلح کل را به پیروان خود داده‌اند.

کتاب‌های مقدس زبور، تورات، انجیل و نیز کتابهای هندوها و زرتشتیان و برهمنیان هیچ یک خالی از این بشارت نیست.

این اعتقاد تنها اعتقاد شیعه نیست، فرقه‌های اسلامی نوعاً به وجود حضرت مهدی علیه السلام اعتراف دارند، روایات عامه در خصوص حضرت مهدی علیه السلام بسیار فراوان است، به حدی که بعضی از دانشمندان آنان ادعای تواتر آن را دارند؛ عسقلانی در تهذیب می‌نویسد:

«وقد تواترت الأخبار واستفاضت بكثرة رواياتها عن

المصطفى صلی الله علیه و آله في المهدي» (۱).

شبلنجی در نور الأبصار می‌نویسد:

«تواترت الأخبار عن النبي صلی الله علیه و آله انه من أهل بيته وانه يملأ

الأرض عدلاً» (۲).

قرطبی در تفسیرش در ذیل این آیه شریفه: ﴿لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ﴾

می‌نویسد:

«الأخبار الصحاح قد تواترت على أن المهدي من عترة

رسول الله صلی الله علیه و آله».

مفسران عامه در کتابهای تفسیری خود، آیاتی را که به ظهور حضرت

مهدی علیه السلام اشاره دارد یادآور شده‌اند. محدثان آنها احادیث فراوانی را در رابطه با حضرت مهدی علیه السلام در کتابهای خود جمع آوری نموده‌اند.

مؤلفان شیعه برای اثبات مطلب و اتمام حجت، روایات فراوانی را از کتب آنها در کتابهای خویش ذکر کرده‌اند.

مرحوم شیخ حر عاملی در کتاب «اثبات الهداة» فصلی را به عنوان «ذکر جملة من الأحادیث فی النصّ علی المهدی علیه السلام مرویة من طرق العامة وکتبهم المعتمدة عندهم لتکون حجة علیهم» اختصاص داده‌اند.

و در آن بیش از دویست حدیث از کتابهای معتبر اهل سنت آورده‌اند که از طرق عامه روایت شده و در آنها تصریح به وجود مقدّس حضرت مهدی و حسب و نسب و قیام و غیبت ایشان شده است. و ما به خاطر اختصار تنها به ذکر یک روایت اکتفا می‌کنیم.

[۱۰۶] ۱- رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده‌اند:

«اگر از عمر دنیا جز یک روز باقی نماند، خداوند آن روز را طولانی

فرماید و مردی از خاندان مرا برانگیزد که زمین را پر از عدل و داد

کند، همان طور که پر از ظلم و ستم شده باشد»<sup>(۱)</sup>.

گر ظلم و ستم شود بسی عالم سوز      وز عمر جهان اگر بماند یک روز

آن قدر خداوند بر آن افزاید      تا صاحب ما شود به عالم پیروز

۱- اثبات الهداة، ج ۳، ص ۶۰۸، ح ۱۲۳.

بخش دوم

دوران غیبت امام عصر علیه السلام

۱- غیبت صغری ۲- غیبت کبری

# ۱

## غیبت امام عصر علیه السلام

یکی از بخش‌های مهم زندگی امام عصر علیه السلام دوران غیبت آن حضرت است. در باب غیبت مطالب فراوانی مورد بحث قرار می‌گیرد که به ترتیب به آنها می‌پردازیم:

### ۱- معنا و مفهوم غیبت

آیا غیبت به این معنا است که امام در جایی پنهان شده، یا در گوشه سرداب به سر می‌برد، یا ساکن شهرهای جابلقا و جابلسا است و هیچگونه رفت و آمدی ندارد؟ و یا معنای دیگری دارد؟

آنچه از روایات استفاده می‌شود، این است که امام علیه السلام در عین ناشناس بودن، در میان مردم رفت و آمد دارد. مردم را می‌بینند و می‌شناسد، ولی مردم آن حضرت را می‌بینند، ولی نمی‌شناسند.

امام صادق علیه السلام در ضمن حدیثی فرموده‌اند:

«يتردد بينهم ويمشي في أسواقهم ويطأ فرشهم ولا يعرفونه»  
 «میان مردم رفت و آمد می‌کند، در بازارهای ایشان راه می‌رود و  
 بر فرشهایشان قدم می‌گذارد، اما او را نمی‌شناسند».<sup>(۱)</sup>  
 اساساً غیبت در مقابل ظهور قرار گرفته است، به این روایت که مشابه  
 زیادی دارد دقت کنید.

حضرت علی بن الحسین علیه السلام در ضمن حدیثی فرموده‌اند:

«ولم تخل الأرض منذ خلق الله آدم من حجة لله فيها، ظاهر  
 مشهور أو غایب مستور».

«از روزی که خداوند حضرت آدم علیه السلام را آفرید تاکنون هیچ گاه  
 زمین از حجت خدا خالی نبوده است. آن حجت گاهی ظاهر و  
 آشکار و شناخته شده و گاهی غایب و پنهان و ناشناس بوده  
 است».<sup>(۲)</sup>

امام عصر علیه السلام غایب است، یعنی ظاهر نیست. غیبت معنایش عدم  
 ظهور است و نباید آن را عدم حضور معنا کرد. زیرا با بسیاری از روایات  
 ما منافات دارد. مانند روایاتی که حضور حضرتش را در مراسم حج  
 اثبات می‌کند.

محمد بن عثمان عمري نایب دوم امام عصر علیه السلام می‌فرماید:

«والله انّ صاحب هذا الأمر ليحضر الموسم كل سنة، يرى الناس

۱- غیبت نعمانی، ص ۱۶۳، ح ۴، باب دهم. بحار، ج ۵۲، ص ۱۵۴، ح ۹.

۲- بحار الانوار، ج ۲۳، ص ۵، ضمن ح ۱۰. وج ۵۲، ص ۹۲، ح ۶، از امام صادق علیه السلام.

ويعرفهم ويرونه ولا يعرفونه»<sup>(۱)</sup>.

«به خدا قسم! امام زمان همه ساله در موسم حج حضور دارد، مردم را می بیند و می شناسد، ولی مردم او را می بینند و نمی شناسند».  
و روایاتی که آن حضرت را به یوسف پیامبر تشبیه نموده اند.

امیرالمؤمنین  $\text{علیه السلام}$  بر فراز منبر کوفه فرمود:

«ولو خلت الأرض ساعة واحدة من حجة لله لساخت بأهلها  
ولكن الحجة يعرف الناس ولا يعرفونه كما كان يوسف يعرف  
الناس وهم له منكرون».

«اگر لحظه ای زمین از حجت خدا خالی بماند، ساکنانش را در خود  
فرو می برد؛ اما حجت خدا مردم را می شناسد و آنها او را  
نمی شناسند، همان طور که یوسف  $\text{علیه السلام}$  مردم را می شناخت، اما  
آنان او را نمی شناختند»<sup>(۲)</sup>.

شاهد این فرمایش، قضیه مرحوم حاج محمد علی فشنندی است، او که  
سفرهای متعددی را به مکه به قصد تشریف خدمت امام عصر نموده بود، در  
سال ۱۳۵۳ به عنوان کمکی کاروان رفته بود، می گوید: در شب هشتم  
برای اینکه مقدمات کار را برای زوار فراهم کنم از مکه به عرفات رفتم تا  
شب بعد که حاجی ها به عرفات می آیند از نظر جا و مکان نگرانی نداشته

۱- کمال الدین، ج ۳، ص ۴۴۰. اثبات الهداة، ج ۳، ص ۴۵۲. بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۳۵۰.

و ج ۵۲، ص ۱۵۲، ح ۴. ۲- بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۱۱۳، ح ۸.



باشند؛ من شب را در آنجا بیدار ماندم و به بیتوته پرداختم، بعد از نماز شب، شخصی آمد درب چادر و بعد از سلام وارد شد و مرا به نام صدا زد، جایی برای او آماده کردم و نشست، در بین صحبت‌ها به من فرمود: خوشا به حالت حاج محمد علی! شبی را در این بیابان بیتوته می‌کنی که جدم امام حسین علیه السلام در این بیابان آمده است، از پرسشهایی که از آن شخص کردم، این بود که وقتی حاجی‌ها در عرفات می‌آیند، امام زمان علیه السلام هم در این بیابان حضور دارد؟ فرمود: آری، عرض کردم: کجا تشریف دارند؟ فرمود: جبل الرحمة. عرض کردم: اگر رفقا بروند او را می‌بینند؟ فرمود: می‌بینند ولی نمی‌شناسند.<sup>(۱)</sup>

امام صادق علیه السلام فرموده‌اند:

«در حضرت قائم علیه السلام سنتی از موسی و سنتی از یوسف و سنتی از عیسی و سنتی از حضرت محمد صلی الله علیه و آله می‌باشد... سنتی که از یوسف در وجود مبارک حضرت مهدی علیه السلام است، ناشناس بودن او است، برادران یوسف با او داد و ستد می‌کردند و گفتگو می‌نمودند، ولی او را نمی‌شناختند».<sup>(۲)</sup>

در حدیث دیگری که از سدید صیرفی نقل شده است، امام علیه السلام فرمودند:

«ان اخوة يوسف كانوا عقلاء الباء أسباطاً أولاد انبياء ودخلوا

۱- شیفتگان حضرت مهدی علیه السلام، ج ۱، ص ۱۴۹.

۲- اثبات الهداة، ج ۳، ص ۴۵۸.

علیه فکلموه و خاطبوه و تاجروه و راودوه و کانوا إخوته وهو  
أخوهم، لم يعرفوه حتی عرفهم نفسه وقال لهم: أنا یوسف.»  
«برادران حضرت یوسف، افرادی عاقل و خردمند بودند، آنها  
فرزندان پیامبر بودند، بر یوسف وارد شدند با او سخن گفتند، با  
وی داد و ستد و رفت و آمد نمودند، برادران یوسف بودند و یوسف  
برادر ایشان بود، ولی با همه این اوصاف او را نشناختند تا  
هنگامی که خود را معرفی کرد و به آنان گفت که من یوسف  
هستم، آنگاه او را شناختند.»<sup>(۱)</sup>

و در حدیثی که از ابوبصیر نقل شده است، امام الشیخ فرموده‌اند:  
«در صاحب این امر، سنت‌هایی از بعضی از پیامبران است...  
سنتی که از حضرت یوسف در آن حضرت می‌باشد، ستر و پوشش  
است، خداوند بین او و مردم حجاب و پوششی قرار می‌دهد که آن  
حضرت را می‌بینند، ولی نمی‌شناسند.»<sup>(۲)</sup>

ای در درون جانم و جان از تو بی‌خبر  
از تو جهان پر است، جهان از تو بی‌خبر  
در دعای ندبه که صبح هر جمعه دوستان حضرتش می‌خوانند، عرضه  
می‌دارند:

---

۱- غیبت نعمانی، ص ۱۶۳. بحار، ج ۵۲، ص ۱۵۴، ضمن ح ۹.  
۲- کمال الدین، ج ۲، ص ۳۵۱، ح ۴۶. بحار، ج ۵۱، ص ۲۲۴، ح ۱۰.

«بِنَفْسِي أَنْتَ مِنْ مَغِيَّبٍ لَمْ يَخْلُ مَنَّا، بِنَفْسِي أَنْتَ مِنْ نَازِحٍ مَا  
نَزَحَ عَنَّا».

«جانم به فدایت! تو آن غایبی هستی که از میان ما بیرون نیستی  
جانم به فدایت! تو آن دور شده از وطنی هستی که از ما دور  
نیستی».

## غیبت امام عصر علیه السلام در قرآن و روایات

غیبت از ویژگی‌هایی است که تمام پیشوایان اسلام علیهم السلام درباره آخرین امام، حضرت ولی عصر علیه السلام یاد آور شده‌اند، آنها به مردم خبر داده‌اند که حجت دوازدهم از دیدگان پنهان خواهد شد، اینک به بررسی کوتاه آن در قرآن و روایات می‌پردازیم.

### الف - غیبت، در قرآن کریم

در اولین آیات قرآن، صحبت از غیب به میان آمده است.

﴿الْم \* ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ \* الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ﴾

یحیی بن ابی القاسم از امام صادق علیه السلام در مورد این آیات سؤال کرد،

حضرت فرمودند:

«المتّقون شیعة علی السلام وأما الغیب فهو الحجة الغائب»<sup>(۱)</sup>.  
 «مقصود از متقین در این آیه، شیعیان امیرالمؤمنین السلام و غیبت  
 حضرت حجت امام غایب است».

در سوره لقمان آیه ۲۰ می فرماید:

﴿وَأَسْبَغَ عَلَيْكُمْ نِعْمَهُ ظَاهِرَةً وَبَاطِنَةً﴾

«خداوند نعمت‌های ظاهری و باطنی خود را بر شما مرحمت  
 فرموده و ارزانی داشته است».

حقّاد بن زیاد می گوید: از مولای خود امام موسی بن جعفر علیهما السلام در

مورد آیه مذکور سؤال کردم، حضرت فرمودند:

«النعمة الظاهرة الامام الظاهر، والباطنة الامام الغائب».

«مقصود از نعمت ظاهر، امام ظاهر، و منظور از نعمت باطن، امام  
 غائب است».

عرض کردم: آیا در میان ائمه علیهم السلام کسی غایب خواهد شد؟ فرمودند:

«نعم، یغیب عن أبصار الناس شخصه ولا یغیب عن قلوب  
 المؤمنین ذکره وهو الثانی عشر منّا»<sup>(۲)</sup>.

«آری، شخص او از دیدگان مردم غایب می شود، اما یاد او از

دل‌های مؤمنین غایب نمی گردد، او دوازدهمین امام از ما است».

در سوره ملک آیه ۳۰ می فرماید:

﴿قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَصْبَحَ مَاؤُكُمْ غَوْرًا فَمَنْ يَأْتِيكُمْ بِمَاءٍ مَّعِينٍ﴾

۲- بحار، ج ۵۱، ص ۶۴، ح ۶۶ و ص ۱۵۰، ح ۲.

۱- بحار، ج ۵۱، ص ۵۲، ح ۲۹.

«بگو اگر آب گوارا را از دست دادید و دیدید که فروکش کرده، چه کسی برای شما آب گوارا باز آورد؟»

علی بن جعفر از برادر بزرگوارش حضرت موسی بن جعفر  $\text{علیه السلام}$  از تفسیر آیه مذکور سؤال کرد، امام  $\text{علیه السلام}$  فرمودند:

«إن فقدتم امامکم فلم تروه فما أنتم صانعون». (۱)

«اگر امام شما از دیدگان ناپدید شد و نتوانستید او را بینید، چه خواهید کرد؟»

### ب - غیبت در احادیث معصومین $\text{علیهم السلام}$

#### غیبت در احادیث رسول خدا $\text{صلی الله علیه و آله}$

۱ - «... التاسع منهم قائم أهل بيتي ومهدي أمّتي، أشبه الناس بي

في شمائله وأقواله وأفعاله يظهر بعد غيبة طويلة». (۲)

«نهمین آنها [از فرزندان امام حسین  $\text{علیه السلام}$ ] قیام کننده اهل بیت من و مهدی امت من است. او در شکل و شمایل و گفتار و رفتار، شبیه ترین مردم به من می باشد و بعد از غیبتی طولانی ظاهر می شود».

۲ - «من أنكر القائم من ولدي في زمان غيبته مات ميتة جاهليّة». (۳)

«کسی که قائم  $\text{علیه السلام}$  از فرزندان مرا در زمان غیبتش انکار کند، به

۲ - کمال الدین، ص ۲۵۷.

۱ - بحار، ج ۲۴، ص ۱۰۰، ح ۲.

۳ - بحار، ج ۵۱، ص ۷۳، ح ۲۱.

مرگ جاهلیت بمیرد».

۳ - «... ومن أنكره في غيبته فقد أنكرني»<sup>(۱)</sup>.

«کسی که آن حضرت را در دوران غیبتش انکار کند، در حقیقت مرا انکار کرده است».

۴ - «والَّذِي بَعَثَنِي بِالْحَقِّ بَشِيرًا لِيُغَيِّبَنَّ الْقَائِمَ مِنْ وَلَدِي بَعْدَ مَعْهُودٍ إِلَيْهِ مِنِّي»<sup>(۲)</sup>.

«سوگند به آن کسی که مرا به حق مبعوث نمود تا بشارت دهنده باشم! قائم عليه السلام از فرزندان من به عهدی که با او نموده‌ام، غیبتی خواهد نمود».

### غیبت در احادیث امیرالمؤمنین عليه السلام

۱ - «الحادي عشر من ولدي هو المهدي يملأها عدلاً كما ملئت ظلماً وجوراً، تكون له حيرة وغيبة»<sup>(۳)</sup>.

«یازدهمین فرزند من مهدی عليه السلام است، او زمین را پر از عدل و داد کند، همان طور که پر از ظلم و ستم شده باشد، برای او حیرت و غیبتی است».

۲ - «اي والذي بعث محمداً صلى الله عليه وآله بالنبوة واصطفاه على جميع البرية ولكن بعد غيبته وحيرة»<sup>(۴)</sup>.

«سوگند به خدائی که حضرت محمد صلى الله عليه وآله را به حق پیامبری

۱- بحار، ج ۵۱، ص ۷۳، ضمن ح ۱۹. ۲- بحار، ج ۵۱، ص ۶۸، ح ۱۰.

۳- بحار، ج ۵۱، ص ۱۱۸، ح ۱۸. ۴- بحار، ج ۵۱، ص ۱۱۰، ح ۲.

برانگیخت و بر همه مخلوقات برگزید [او قیام به حق می‌کند]  
ولی پس از یک دوران غیبت و سرگردانی».

### غیبت در احادیث امام مجتبی $\text{علیه السلام}$

۱ - «التاسع من ولد أخى الحسين ابن سيدة الاماء، يطيل الله عمره  
في غيبته»<sup>(۱)</sup>.

«نهمین فرزند برادرم امام حسین  $\text{علیه السلام}$  فرزند سرور کنیزان است،  
خداوند عمر او را در دوران غیبتش طولانی می‌گرداند».

۲ - «... يصلّي روح الله عيسى بن مريم خلفه، فانّ الله عزّوجلّ  
يخفي ولادته ويغيّب شخصه»<sup>(۲)</sup>.

«حضرت عیسی در پشت سر او نماز می‌خواند، خداوند تبارک و  
تعالی ولادتش را مخفی و خودش را از دیدگان پنهان می‌نماید».

### غیبت در احادیث امام حسین $\text{علیه السلام}$

۱ - «له غيبة يرتدّ فيها أقوام ويثبت على الدين فيها آخرون»<sup>(۳)</sup>.

«برای آن حضرت غیبتی است که در آن گروهی مرتد می‌شوند و  
گروهی بر دین خود ثابت می‌مانند».

۲ - «قائم هذه الامّة هو التاسع من ولدي وهو صاحب الغيبة»<sup>(۴)</sup>.

«قیام کننده این امت، نهمین فرزند من و او دارای غیبتی است».

۲- بحار، ج ۵۱، ص ۱۳۲، ح ۱.

۱- بحار، ج ۵۲، ص ۲۷۹، ح ۳.

۴- بحار، ج ۵۱، ص ۱۳۳، ح ۳.

۳- بحار، ج ۵۱، ص ۱۳۳، ح ۴.



### غیبت در احادیث امام سجاد علیه السلام

- ۱ - «وإنَّ للقاءِ مَنْ غيبتين، إحداهما أطول من الأخرى». (۱)
- «همانا برای قائم علیه السلام دو غیبت است که یکی از آن دو طولانی تر از دیگری می باشد».
- ۲ - «من ثبت على موالاتنا في غيبة قائمنا أعطاه الله عزوجل أجر ألف شهيد من شهداء بدر وأحد». (۲)
- «هر کس در دوران غیبت قائم ما بر موالات ما ثابت بماند، خداوند پاداش هزار شهید از شهدای بدر و احد به او مرحمت فرماید».

### غیبت در احادیث امام باقر علیه السلام

- ۱ - «في القائم علیه السلام شبه من يوسف، قلت: وما هو؟ قال: الحيرة والغيبة». (۳)
- «در قائم علیه السلام شباهتی از حضرت یوسف است. ابو بصیر می گوید: عرض کردم: آن شباهت چیست؟ فرمود: حیرت و غیبت».
- ۲ - «امامٌ يخنس... سنة ستين ومائتين ثم يظهر كالشهاب». (۴)
- «مقصود از «خُنس» در آیه شریفه، امامی است که در سال ۲۶۰ از دیدگان پنهان می گردد، سپس مانند شهاب ظاهر می شود».

۲- بحار، ج ۵۲، ص ۱۲۵، ح ۱۳.

۱- بحار، ج ۵۱، ص ۱۳۴، ح ۱.

۴- بحار، ج ۵۱، ص ۵۱، ح ۲۶؛ وص ۱۳۷، ح ۶.

۳- بحار، ج ۵۱، ص ۲۲۴، ح ۱۲.

### غیبت در احادیث امام صادق علیه السلام

- ۱ - «إِنَّ لِلْقَائِمِ مَنَّا غِيْبَةً يَطْوِلُ أَمْدُهَا»<sup>(۱)</sup>  
«همانا برای قائم ما غیبتی است که مدت آن طولانی خواهد شد».
- ۲ - «الْخَامِسُ مِنْ وَلَدِ السَّابِعِ يَغِيْبُ عَنْكُمْ شَخْصَةً»<sup>(۲)</sup>  
«پنجمین فرزند از فرزندان امام هفتم، شخص او از دیدگان شما پنهان می‌گردد».
- ۳ - «الْاِئِمَّةُ مِنْ وَلَدِ الْحُسَيْنِ آخِرُهُمُ الْقَائِمُ الَّذِي يَقُومُ بَعْدَ غِيْبَتِهِ»<sup>(۳)</sup>  
«ائمه از فرزندان حسین علیه السلام هستند، آخر آنان قائم است که بعد از دوران غیبتش قیام می‌کند».

### غیبت در احادیث امام کاظم علیه السلام

- ۱ - «لَا بَدَّ لِمَنْ هَذَا الْأَمْرَ علیه السلام مِنْ غِيْبَةٍ»<sup>(۴)</sup>  
«حضرت صاحب الامر ناگزیر غیبتی دارد».
- ۲ - «هُوَ الْخَامِسُ مِنْ وَلَدِي، لَهُ غِيْبَةٌ يَطْوِلُ أَمْدُهَا»<sup>(۵)</sup>  
«قائم علیه السلام پنجمین فرزند من است، برای او غیبتی است که مدت آن طولانی می‌شود».

۱- بحار، ج ۵۱، ص ۱۴۲، ح ۲.

۲- بحار، ج ۵۱، ص ۳۲، ح ۴، و ص ۱۴۳، ح ۴ و ص ۱۴۵، ح ۱۱.

۳- بحار، ج ۵۱، ص ۲۳، ح ۴۰، ص ۱۴۴، ح ۹.

۴- بحار، ج ۵۱، ص ۱۵۰، ح ۱. ۵- بحار، ج ۵۱، ص ۱۵۱، ح ۶.

### غیبت در احادیث امام رضا علیه السلام

- ۱ - «وبعد الحسن ابنه الحجة القائم، المنتظر في غيبته»<sup>(۱)</sup>
- «و بعد از امام حسن عسکری علیه السلام فرزند او حضرت حجّت علیه السلام است که در دوران غیبتش انتظار او را می کشند».
- ۲ - «... امامهم یغیب عنهم»<sup>(۲)</sup>
- «امام ایشان از دیدگان ایشان غایب می گردد».

### غیبت در احادیث امام جواد علیه السلام

- ۱ - «له غیبة یكثر أيامها و يطول أمدها»<sup>(۳)</sup>
- «برای آن حضرت غیبتی است که دوران آن زیاد و مدتش طولانی خواهد بود».
- ۲ - «هو الذي يخفي على الناس ولادته و يغیب عنهم شخصه»<sup>(۴)</sup>
- «او کسی است که ولادتش بر مردم مخفی و شخص او از دیدگان ایشان پنهان خواهد بود».

### غیبت در احادیث امام هادی علیه السلام

- ۱ - «اذا غاب صاحبکم عن دار الظالمین فتوقّعوا الفرج»<sup>(۵)</sup>
- «هنگامی که صاحب شما از سرای ستمگران غایب گردید، منتظر

۲- بحار، ج ۵۱، ص ۱۵۲، ح ۱.

۴- بحار، ج ۵۱، ص ۱۵۷، ح ۴.

۱- بحار، ج ۵۱، ص ۱۵۴، ح ۴.

۳- بحار، ج ۵۱، ص ۱۵۷، ح ۵.

۵- بحار، ج ۵۱، ص ۱۵۹، ح ۲.

فرج باشید».

۲ - «لولا من یبقی بعد غیبة قائمکم من العلماء الداعین الیه والدالین علیہ والذابین عن دینہ... لما بقی احد الا ارتدّ عن دین الله...»<sup>(۱)</sup>.

«در دوران غیبت قائم علیه السلام اگر نبودند دانشمندانی که به سوی او دعوت می‌کنند و به طرف او رهنمون می‌شوند و از آئین او دفاع می‌کنند... کسی باقی نمی‌ماند جز آنکه از دین خدا خارج می‌شد».

### غیبت در احادیث امام عسکری علیه السلام

۱ - «أما انّ لولدي غیبة یرتاب فیها الناس الا من عصمه الله عزّوجلّ»<sup>(۲)</sup>.

«همانا برای فرزندم غیبتی است که در آن مردم دچار شک و تردید می‌شوند، مگر کسی که خداوند او را در پناه خود حفظ کند».

۲ - «أما انّ له غیبة یحار فیها الجاهلون ویهلك فیها المبطلون»<sup>(۳)</sup>.

«همانا برای آن حضرت غیبتی است که جاهلان در آن دچار سرگردانی و اهل باطل دچار هلاکت می‌شوند».

۳ - «والله لیغیبنّ غیبة لا ینجو فیها من الهلکة الا من ثبتّه الله عزّوجلّ علی القول بامامته...»<sup>(۴)</sup>.

«به خدا قسم! غیبتی خواهد نمود که در آن از هلاکت نجات پیدا

۱- بحار، ج ۲، ص ۶.

۲- بحار، ج ۵۱، ص ۱۶۰، ح ۶.

۳- بحار، ج ۵۲، ص ۲۳، ح ۱۶.

۴- بحار، ج ۵۱، ص ۱۶۰، ح ۷.

نمی‌کند مگر کسی که خدا او را بر اعتقاد به امامت آن حضرت  
ثابت قدم بدارد و توفیق دعا کردن برای تعجیل فرج به او  
مرحمت فرماید».

## ۳

### علت غیبت

ممکن است سؤال شود: چرا حجت خدا در پس پرده غیبت قرار گرفته و چه چیزی باعث شده که مردم از برکات ظهور او محروم باشند؟ در پاسخ این سؤال در بعضی از روایات فرموده‌اند: غیبت امری الهی و سرّی از اسرار او است و بر کسی معلوم نیست؛ خداوند چنین اراده نموده و این امر را برای آخرین حجت خویش مقدر فرموده است.

رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ به جابر فرمودند:

«یا جابر، انّ هذا أمر من أمر الله عزّوجلّ و سرّ من سرّ الله، علمه مطویّ عن عباد الله.»<sup>(۱)</sup>

«ای جابر، این امری از امور الهی و سرّی از اسرار او است و علم آن از بندگان خدا پوشیده و پنهان است و نمی‌توانند از حقیقت آن

آگاه شوند...».

امام عسکری علیه السلام به احمد بن اسحاق فرمودند:

«یا احمد بن اسحاق، هذا أمر من أمر الله وسر من سر الله وغیب من غیب الله»<sup>(۱)</sup>.

«ای احمد بن اسحاق، غیبت، امری از امر خدا، سرّی از اسرار او و غیبی از غیب‌های او است».

در بعضی از روایات فرموده‌اند: این امر الهی و این راز بزرگ پس از ظهور حجت خدا برای خلق ظاهر می‌شود و معلوم می‌گردد.  
عبد الله بن فضل هاشمی می‌گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که فرمودند:

«برای صاحب این امر غیبتی است... عرض کردم: چرا باید غایب شود؟ فرمودند: به خاطر امری که به ما اجازه داده نشده آن را برای شما افشا کنیم».

عرض کردم: حکمت در غیبت آن حضرت چیست؟ فرمودند:

«حکمت در غیبت آن حضرت همان حکمت در غیبت پیشینیان او از حجج الهی است. و آن کشف نمی‌شود مگر بعد از ظهور آن حضرت، همان طور که حکمت کارهای خضر برای حضرت موسی علیه السلام کشف نشد و معلوم نگردید مگر در هنگام مفارقت».  
«یا بن الفضل، انّ هذا الأمر من أمر الله وسر من أسرار الله وغیب

من غيب الله، ومتى علمنا أنه عزوجل حكيم صدقنا بأن أفعاله  
كلها حكمة وإن كان وجهها غير فكشف لنا»<sup>(۱)</sup>

«ای پسر فضل، همانا این امر، امر خداوند و سرّی از اسرار او و  
غیبتی از امور غیبیه او است و هنگامی که ما دانستیم که خداوند  
تبارک و تعالی حکیم است، تصدیق می‌کنیم که کارهای او  
حکیمانه و همه از روی حکمت است؛ گرچه وجه آن برای ما  
روشن نباشد».

ولی در بعضی از روایات گوشه‌هائی از حکمت‌های آن را بیان کرده‌اند  
و ما ذیلاً به بعضی از آنها اشاره می‌کنیم:

### ۱- ناسپاسی مردم

غیبت، مصیبت و ابتلا و محرومیت است؛ اما محرومیتی است که ناشی  
از اعمال خود ما است.

حضور امام در میان جامعه به گونه‌ای که او را بشناسند و به او  
دسترسی داشته باشند نعمتی است بزرگ؛ چون مردم قدر این نعمت را  
ندانستند و شکر آن را به جا نیاوردند، باعث سلب این نعمت از خود  
شدند.

امام صادق علیه السلام فرموده‌اند:

«ان الله قضی قضاءً حتماً الا العبد بنعمة فيسلبها اياه حتى



يُحَدِّثُ الْعَبْدَ ذَنْبًا يَسْتَحِقُّ بِذَلِكَ النِّقْمَةَ»<sup>(۱)</sup>.

«قضای حتمی پروردگار این است که اگر به بنده اش نعمتی مرحمت فرمود، آن نعمت را از او نگیرد تا آنکه گناهی مرتکب شود که استحقاق سلب آن نعمت را پیدا کند».

قرآن کریم می فرماید:

﴿ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ لَمْ يَكُ مُغَيِّرًا نِعْمَةً أَنْعَمَهَا عَلَىٰ قَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ﴾<sup>(۲)</sup>.

«این بدان جهت است که خدا نعمتی را که به ملتی داد تغییر نمی دهد تا وقتی که آن ملت حال خود را تغییر دهند».

جامعه و امتی که نسبت به پیشوای خود تغییر روش دهد و از دستورات او سرپیچی نماید و نافرمانی کند، خداوند آنها را از این فیض محروم گرداند، و این یک سنت الهی است، قرآن کریم می فرماید:

﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ﴾<sup>(۳)</sup>.

«خداوند وضع یک گروه را تغییر نمی دهد تا آنکه آنها وضع خود را تغییر دهند».

امت به دلیل ناسپاسی در برابر نعمت حضور ائمه عليهم السلام خشم و غضب پروردگار را فراهم نمودند و باعث سلب این نعمت شدند.

امام باقر عليه السلام فرموده اند:

۱- بحار، ج ۷۳، ص ۳۳۴، ح ۱۹.

۲- سوره انفال، آیه ۵۳.

۳- سوره رعد، آیه ۱۱.

«إِذَا غَضِبَ اللهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى عَلَى خَلْقِهِ نَحَانَا عَنْ جَوَارِهِمْ»<sup>(۱)</sup>  
«هنگامی که خداوند تبارک و تعالی بر خلق خویش غضب نماید،  
ما را از جوار آنها و مجاورت با آنان دور می‌سازد».

و در حدیث دیگری فرموده‌اند:

«إِنَّ اللهُ إِذَا كَرِهَ لَنَا جَوَارَ قَوْمٍ نَزَعْنَا مِنْ بَيْنِ أَظْهَرِهِمْ»<sup>(۲)</sup>  
«وقتی خداوند همنشینی و مجاورت ما را برای قومی نپسندد، ما  
را از میان آنها دور گرداند و از ایشان جدا نماید».

## ۲- امتحان مردم

یکی از حکمت‌های غیبت، امتحان خلق است.

حضرت موسی بن جعفر علیه السلام فرموده‌اند:

«أَنَّه لَا بَدَّ لِصَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ مِنْ غِيْبَةٍ حَتَّى يَرْجِعَ عَنْ هَذَا الْأَمْرِ  
مَنْ كَانَ يَقُولُ بِهِ، إِنَّمَا هِيَ مَحْنَةٌ مِنَ اللهِ عَزَّوَجَلَّ اِمْتَحَنَ اللهُ بِهَا  
خَلْقَهُ»<sup>(۳)</sup>.

«صاحب این امر غیبتی دارد که در آن قائلین به امامت او، از  
اعتقاد خود بر می‌گردند. این امتحانی از جانب خداوند است که  
خلق خود را به وسیله آن می‌آزماید».

دیده‌اید معلّمی کلاس درسش را برای مدتی ترک کند، از کلاس بیرون

۱- کافی، ج ۱، ص ۳۴۳، ح ۳۱. ۲- بحار، ج ۵۲، ص ۹۰، ح ۲.

۳- کافی، ج ۲، ص ۱۳۲، ح ۲، بحار، ج ۵۲، ص ۱۱۳، ح ۲۶.

آید و در جایی خود را پنهان سازد و از دور نظاره گر شاگردانش باشد و بخواهد با این عمل آنها را بیازماید تا افراد وظیفه شناس را از وظیفه ناشناسان تشخیص دهد.

غیبت امام عصر علیه السلام به همین منظور است، با این تفاوت که نتیجه امتحان از پیش برای امام عصر علیه السلام معلوم است؛ ولی هدف این است که برای خود مردم روشن شود، هر کسی خود را بشناسد و به میزان پای بندی خود به مقررات پی برد.

غیبت امام علیه السلام امتحان است، مردم در دوران غیبت امتحان می شوند تا معلوم شود چه کسانی از دوری امام علیه السلام سوء استفاده می کنند و فرصت را برای تاخت و تاز خویش آماده می بینند، و مردم را به سوی خود فرا می خوانند، در مقابل چه کسانی به یاد آن حضرت هستند و او را فراموش نمی کنند و کاملاً مراقب اعمال و رفتار خود می باشند و مردم را به سوی آن حضرت دعوت می کنند.

چه کسانی در راه دین و مذهب خویش استوار و ثابت قدم می مانند و چه کسانی اعتقاد خود را از دست می دهند و نشان می دهند که سست و ضعیف اند.

چه کسانی جای خالی او را احساس می کنند و از فقدان او رنج می برند و چه کسانی نسبت به این مسأله مهم بی تفاوتند.

چه کسانی در فراق او می سوزند و اشک و آه دارند و چه کسانی به عیش و نوش مشغولند و سرگرم دنیای خویش می باشند.

نتیجه امتحان، جدا شدن مؤمن از کافر، خالص از ناخالص، پاک از ناپاک و اهل دین از اهل دنیا است.

امام صادق علیه السلام فرموده‌اند:

«لَا بَدَّ لِلنَّاسِ مِنْ أَنْ يَمَحَّصُوا وَيَمَيِّزُوا وَيَغْرِبَلُوا، وَيَسْتَخْرِجُ فِي الْغُرْبَالِ خَلْقَ كَثِيرٍ».

«به ناگزیر مردم باید امتحان شوند، جدا شوند، غربال شوند، و از غربال افراد زیادی می‌افتند».<sup>(۱)</sup>

حضرت رضا علیه السلام فرموده‌اند:

«لَا يَكُونُ مَا تَمَدَّنَ إِلَيْهِ أَعْنَاقُكُمْ حَتَّى تَمَيِّزُوا وَتَمَحَّصُوا، فَلَا يَبْقَى مِنْكُمْ إِلَّا الْقَلِيلُ».

«آنچه در راه او چشم دوخته و انتظار می‌کشید تحقق پیدا نمی‌کند تا آنکه در بوته آزمایش قرار گیرید، خالص از ناخالص جدا شود، و از شما جز تعدادی اندک باقی نمی‌ماند».

آنگاه این آیه شریفه را قرائت فرمود:

﴿الْمُ \* أَحْسِبَ النَّاسُ أَنْ يُتْرَكُوا أَنْ يَقُولُوا آمَنَّا وَهُمْ لَا يُفْتَنُونَ﴾<sup>(۲)</sup>

«ایا مردم می‌پندارند که اگر گفتند: ایمان آوردیم آنها را وا می‌گذاریم و مورد امتحان قرار نمی‌گیرند».<sup>(۳)</sup>

۱- کافی، ج ۱، ص ۳۰۲، بحار، ج ۵۲، ص ۱۱۴، ح ۳۱.

۲- سوره عنکبوت، آیه او ۲.

۳- ارشاد مفید، ج ۲، ص ۳۷۵. إلزام الناصب، ج ۲، ص ۱۲۹.

امام باقر علیه السلام فرموده‌اند:

«هیئات هیئات، لا یكون فرجنا حتی تغربلوا ثم تغربلوا ثم تغربلوا - یقولها ثلاثاً - حتی یذهب الكدر ویبقى الصفو».

«هیئات، فرج ما نمی‌رسد تا آنکه غربال شوید، دوباره غربال شوید، بار دیگر غربال شوید، تا آنکه ناخالص برود و خالص بماند».<sup>(۱)</sup>

امام صادق علیه السلام فرموده‌اند:

«لا والله لا یكون ما تمدون الیه أعینکم حتی یشقی من شقی ویسعد من سعد».

«نه، به خدا قسم! آنچه چشم به راه آن دوخته‌اید تحقق پیدا نمی‌کند تا آنکه شقی به شقاوت و سعید به سعادت برسد».<sup>(۲)</sup>

### ۳- کامل نبودن یاران آن حضرت علیه السلام

یکی از حکمت‌های غیبت رامی‌توان کامل شدن اصحاب آن حضرت برشمرد؛ زیرا از شرایط ظهور، اجتماع سیصد و سیزده نفر است که یاران آن حضرتند.

حضرت جواد الائمه علیه السلام در ضمن حدیثی فرموده‌اند:

«ویجتمع الیه من أصحابه عدّة أهل بدر ثلاثمائة وثلاثة عشر رجلاً...».

۲- بحار، ج ۵۲، ص ۱۱۲، ح ۲۳.

۱- بحار، ج ۵۲، ص ۱۱۳، ح ۲۸.

«گرد او اصحاب و یارانش که به تعداد اهل بدر یعنی سیصد و سیزده نفرند جمع می‌شوند».

«فاذا اجتمعت له هذه العدة من اهل الاخلاص، أظهر الله أمره».  
«هر گاه این تعداد از اهل اخلاص برای آن حضرت آماده گردید، خداوند فرمان ظهور را صادر فرماید».<sup>(۱)</sup>

امام باقر علیه السلام در این زمینه فرموده‌اند:

«إذا اجتمع للامام عده اهل بدر ثلاثمائة وثلاثة عشر و جب القيام...».<sup>(۲)</sup>

«هنگامی که برای امام علیه السلام به عدد اهل بدر یعنی سیصد و سیزده نفر یار فراهم گردد، قیام نمودن بر او واجب است».

آنچه باعث شده مولای ما در غیبت و تنهایی به سر برد، آماده نشدن این تعداد یار و یاور است. و این بزرگترین دلیل بر غربت و مظلومیت او می‌باشد. چگونه در این سالهای طولانی این عده قلیل با وجود این همه مسلمان فراهم نشده‌اند، چگونه حجت خدا را تنها رها کرده‌اند، چگونه به فکر یاری او نیستند، چرا از عهد و پیمانی که با او بسته‌اند فراموش کرده‌اند؟!

در توقیع مبارک آن حضرت علیه السلام برای شیخ مفید چنین آمده است:

«ولو أن أشياعنا - وفقهم الله لطاعته - على اجتماع من القلوب في الوفاء بالعهد عليهم، لما تأخر عنهم اليمن بلقائنا ولتعجّلت

۱- بحار، ج ۵۲، ص ۲۸۳، ح ۱۰.

۲- بحار، ج ۱۰۰، ص ۴۹.

لهم السعادة بمشاهدتنا».

«اگر شیعیان ما - که خداوند به آنها توفیق مرحمت فرماید - دل‌هایشان در وفا به عهد و پیمانی که با ما دارند مجتمع می‌شد، از فیض دیدار ما محروم نمی‌شدند و سعادت دیدار ما زودتر نصیب آنها می‌شد».<sup>(۱)</sup>

اما افسوس که پیمان‌ها را شکستند، همان طور که نسبت به جدّ مظلومش امیرالمؤمنین علیه السلام پیمان شکنی نمودند و او را در میان دشمنان تنها گذاشتند و هر چه از آنها استمداد نمود و آنها را به یاری خویش دعوت کرد سر باز زدند، ایستادند و تماشا کردند، اوّل مظلوم عالم را یکه و تنها به سوی مسجد بردند، خانه‌اش را به آتش کشیدند و غنچه نشکفته او را بدون هیچ جرمی پرپر نمودند.

و نیز به فریاد مظلومانه جدّش امام حسین علیه السلام و به استغاثه او پاسخ مناسب ندادند و آن عزیز زهرا را در میان آن همه گرگ‌های بیابان و وحشی‌های صحرا بی یاور رها نمودند.

و امروز صدای غربت آن آخرین ذخیره الهی بلند است و از من و شما که ادعای دوستی و محبت او را داریم یاری می‌طلبید، آیا از وظایف شیعه این نیست که امام خود را یاری نماید؟

امیرالمؤمنین علیه السلام فرموده است:

«خداوند از میان خلقش ما اهل بیت را اختیار فرمود و برای ما

شیعیانی برگزید، اولین ویژگی آنها این است که ما را یاری می‌کنند»<sup>(۱)</sup>.

این یکی از حقوق ائمه طاهرین علیهم‌السلام بر شیعیانشان می‌باشد که همواره در مقام یاری آنان باشند، البته یاری آنان در هر زمانی به شکلی تحقق پیدا می‌کند، روزی که لازم باشد باید شمشیر به دست گرفت و از شخص امام علیه‌السلام دفاع کرد. اصحاب امام حسین علیه‌السلام چنین موقعیتی داشتند. و وظیفه خود را بخوبی انجام دادند و از عالی‌ترین مرتبه یاری، یعنی یاری امام علیه‌السلام به قلب و دست و زبان برخوردار بودند. آنها قلوبشان سرشار از عشق و محبت امامشان بود و آنها را بی‌قرار ساخته بود و برای جانفشانی در رکاب محبوب خود لحظه شماری می‌نمودند و با تمام وجود در برابر دشمن ایستادند و گوی سبقت را از همگان ربودند.

اگر موقعیت برای دفاع از آنان با شمشیر نبود، البته به شکل‌های دیگری می‌تواند امام خویش را یاری نماید. با اطاعت از دستورات امام، تحقق بخشیدن به خواسته‌های او، اجرا کردن برنامه‌های او، تعلیم جاهلان، هدایت گمراهان، دعوت مردم به امام زمان علیه‌السلام، کمک کردن به فقیران و تهیدستان، مساعدت ضعیفان و ناتوانان، صبر و پایداری در راه حق، انتظار فرج، دعا کردن برای تعجیل فرج، و شوق و اشتیاق و آمادگی و آرزوی درک ظهور و یاری آن حضرت. منتظر با چنین نیتی و با چنین عزم و اراده‌ای در ردیف یاران امام زمان علیه‌السلام و اصحاب آن حضرت قرار



می‌گیرد و مشمول دعای پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌گردد که فرمود:

«اللَّهُمَّ وَالِ مِنْ وَالَاهِ، وَعَادَ مِنْ عَادَاهِ، وَانصَرَ مِنْ نصره، وَاخذَلْ مِنْ خذله».

«و رحمت پروردگار شامل حال او می‌شود که امیرالمؤمنین علیه السلام

فرمود:

«ناصرنا ومحبتنا ينتظر الرحمة»<sup>(۱)</sup>

#### ۴- بیعت هیچ حاکمی را برگردن نداشته باشد

یکی از حکمت‌های غیبت این است که در هنگام ظهور تحت فرمان هیچ حکومتی نباشد.

و این از ویژگی‌های امام عصر علیه السلام است. پدران بزرگوارش همگی به خاطر حفظ دین خدا و حفظ جان خود و شیعیان‌شان مجبور شدند به طور تقیّه تحت فرمان حکومت جائر وقت زندگی نمایند؛ اما امام عصر علیه السلام چون بنا است با همه طاغوت‌های زمان مبارزه کند و همه قدرتمندان را از اریکه قدرت پائین آورد و تخت و تاج ستمگران را در هم بکوبد و به دوران ننگین حکومت‌های فاسد خاتمه دهد، ولادتش مخفی بوده و در غیبت به سر می‌برد تا روزی که شرائط ظهورش فراهم گردد و به اذن خداوند تبارک و تعالی قیام کند.

امام مجتبی علیه السلام فرموده‌اند:

۱- نهج البلاغه، خطبه ۱۰۸.

«ان الله عزوجل يخفي ولادته ويغيب شخصه لئلا يكون لأحد في عنقه بيعة اذا خرج».

«خداوند تبارک و تعالی ولادت آن حضرت را مخفی، و وجود مقدسش را در پس پرده غیبت نگه داشته است تا هنگام قیامش بیعت کسی در گردن مبارک او نباشد».<sup>(۱)</sup>

از حضرت رضا عليه السلام وقتی سؤال کردند چرا آن حضرت از دیدگان پنهان می شود؟ فرمودند:

«لئلا يكون لأحد في عنقه بيعة إذا قام بالسيف».

«برای اینکه آن زمان که با شمشیر قیام می کند، بیعت کسی بر گردن او نباشد».<sup>(۲)</sup>

## ۵- جاری شدن سنن انبیاء عليهم السلام در مورد آن حضرت عليه السلام

امام صادق عليه السلام فرمودند:

«إنَّ للقاءم منا غيبة يطول أمدها».

«برای قائم ما غیبتی است که مدتش طولانی خواهد بود».

راوی حدیث یعنی سدید می گوید: عرض کردم: چرا چنین می شود؟

فرمودند:

«ان الله عزوجل أبى إلا أن يعرجي فيه سنن الأنبياء عليهم السلام في

۱- بحار، ج ۵۱، ص ۱۳۲، ح ۱.

۲- بحار، ج ۵۱، ص ۱۵۲، ح ۱؛ وج ۵۲، ص ۹۶، ح ۱۴.

غیباتهم، وانه لا بد له یا سدير من استيفاء مدد غیباتهم». «خداوند تبارک و تعالی نمی پذیرد جز اینکه سنتهای پیامبران علیهم السلام در رابطه با غیبت‌های ایشان در مورد آن حضرت نیز جاری گردد، ای سدير، او به ناگزیر باید به مدت غیبت‌های پیامبران علیهم السلام در غیبت بماند». (۱)

## ۶- خارج شدن مؤمنانی که در اصلاب کفارند

امام صادق علیه السلام فرموده‌اند:

«كان لله ودایع مؤمنون في أصلاب كافرين و منافقين، فلم یكن علی علیه السلام یقتل الآباء حتى تخرج الودایع...»

«خداوند در اصلاب کافران و منافقان نطفه مؤمنان را به ودیعه نهاده است. امیرالمؤمنین علیه السلام چنین پدرانی را نمی‌کشت تا آن چه در صلب آنها به ودیعه نهاده شده خارج شوند و آنگاه از کشتن آنها باکی نداشت. قائم ما اهل بیت نیز چنین است تا هنگامی که آن ودایع الهی خارج نشده‌اند، ظاهر نمی‌شود». (۲)

## ۷- به حکومت رسیدن همه اصناف

امام صادق علیه السلام فرموده‌اند:

«ما یكون هذا الأمر حتى لا یبقی صنف من الناس الا وقد ولّوا

۲- بحار، ج ۵۲، ص ۹۷، ح ۱۹.

۱- بحار، ج ۵۱، ص ۱۴۲، ح ۲.

على الناس حتى لا يقول قائل: انا لو ولينا لعدلنا، ثم يقوم القائم بالحق والعدل».

«ظهور، تحقق پیدا نمی‌کند تا آنکه هیچ صنف و گروهی از مردمان باقی نخواهند ماند مگر آنکه بر مردم فرمانروائی کنند؛ تا آنکه کسی نگوید اگر ما حکومت می‌کردیم به عدل و داد رفتار می‌نمودیم. در آن هنگام حضرت مهدی عليه السلام به حق و عدل قیام خواهد نمود».<sup>(۱)</sup>

در حدیث دیگری فرموده‌اند:

«انّ دولتنا آخر الدول، ولم يبق اهل بيت لهم دولة الا ملكوا قبلنا، لئلا يقولوا اذا رأوا سيرتنا: لو ملكنا سرنا مثل سيرة هولاء، وهو قول الله عزوجل ﴿والعاقبة للمتقين﴾»<sup>(۲)</sup>،<sup>(۳)</sup>

«همانا دولت ما آخرین دولت‌ها است و هیچ خاندانی که داعیه حکومت دارند باقی نخواهند ماند مگر آنکه پیش از ما به حکومت رسند تا چون روش و شیوه ما را دیدند نگویند که اگر ما هم به حکومت می‌رسیدیم بسان اینان عمل می‌کردیم. و این مضمون سخن خداوند متعال است که می‌فرماید: و سرانجام کار از آن پرهیزکاران می‌باشد».

قشرها و گروه‌ها و یا افرادی ممکن است خیال کنند که از آنها کاری ساخته است، می‌توانند ظلمتی که سر تا سر جهان را گرفته به نور و روشنائی

۱- بحار، ج ۵۲، ص ۲۴۴، ح ۱۱۹. ۲- سورة أعراف، آیه ۱۲۷.

۳- بحار، ج ۵۲، ص ۳۳۹، ح ۸۳؛ و ص ۳۳۲، ح ۵۸.

تبدیل کنند، می توانند ظلم و ستم را از بین ببرند و عدالت را در صحنه گیتی گسترش دهند، می توانند مستضعفین را از یوغ ستمگران و مستکبران رهائی بخشند و لذا می پندارند که اگر آنها حکومت را به دست آورند و زمام امور را در اختیار بگیرند به این مقصود می رسند. خداوند تبارک و تعالی به آنها میدان می دهد زمینه را برای روی کار آمدن آنها فراهم می نماید تا غلط بودن پندارشان را برای خودشان و دیگران ثابت نماید.

### ۸- حفظ جان امام علیه السلام

یکی از علل غیبت این است که وجود آخرین حجت خدا از شر دشمنانش محفوظ بماند. رفتاری را که مردم با پدران بزرگوارش پیش از او نمودند باعث شد که خداوند آخرین ذخیره خویش را از دیدگان مردم پنهان نماید تا زمینه برای ظهورش فراهم گردد.

امام صادق علیه السلام فرموده اند:

«انَّ لِلْقَائِمِ غَيْبَةً قَبْلَ أَنْ يَقُومَ، قُلْتُ: وَلِمَ ذَلِكَ؟ قَالَ: يَخَافُ وَأَوْ مَا بَيَّدَهُ إِلَى بَطْنِهِ وَعَنْقَهُ يَعْنِي الْقَتْلَ».

«همانا برای قائم علیه السلام پیش از قیامش غیبتی است، راوی حدیث یعنی زراره، از علت آن سؤال کرد؟ امام علیه السلام فرمود: چون بر جان خویش بیمناک است»<sup>(۱)</sup>.

۱- کمال الدین، ج ۲، ص ۲۳۳، ح ۷، باب ۴۴. کافی، ج ۱، ص ۳۳۸، ح ۹. بحار، ج ۵۲، ص ۹۵، ح ۱۰. ۲- کمال الدین، ج ۲، ص ۳۶۱، ح ۵. بحار، ج ۵۱، ص ۱۵۱، ح ۶.

حضرت موسی بن جعفر الثالث فرموده‌اند:

«الخامس من ولدي، له غيبة يطول أمدها خوفاً على نفسه».

«پنجمین فرزند من برایش غیبتی است که مدّتش طولانی

خواهد شد، زیرا بر جان خود بیمناک است».<sup>(۲)</sup>

## پرسشهای پیرامون غیبت

سؤال: آیا غیبت با لطفی که موجب اظهار امام علیه السلام است منافات ندارد؟  
 جواب: نه، زیرا مردم یا مجرمند که خود آنها سبب مخفی بودن امام علیه السلام هستند و یا صالحند که اولاً غیبت برای آنها مشکلی ایجاد نمی‌کند، و به فرمایش امام سجاده علیه السلام:

«إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى ذَكَرَهُ أَعْطَاهُمْ مِنَ الْعُقُولِ وَالْأَفْهَامِ وَالْمَعْرِفَةِ مَا صَارَتْ بِهِ الْغَيْبَةُ عِنْدَهُمْ بِمَنْزِلَةِ الْمَشَاهِدَةِ».

«خداوند تبارک و تعالی به آنها عقل و فهم و معرفت آن قدر عنایت فرموده که غیبت نزد آنان به منزله مشاهده است».<sup>(۱)</sup>

امام صادق علیه السلام در این زمینه فرموده‌اند:

«وَقَدْ عَلِمَ أَنَّ أَوْلِيَاءَهُ لَا يَرْتَابُونَ، وَلَوْ عَلِمَ أَنَّهُمْ يَرْتَابُونَ مَا

أفقدهم حجّته طرفة عين».

«خداوند می‌داند که اولیاء او دچار شک و تردید نمی‌شوند و اگر بدانند که شک و تردید به آنها راه پیدا می‌کند، چشم به هم زدنی امام علیه السلام را پنهان نمی‌سازد».<sup>(۱)</sup>

ثانیاً مشاهده امام علیه السلام نسبت به افراد شایسته و لایق غیر ممکن نیست و بهترین دلیل برای امکان آن وقوع آن است. کم نیستند افراد صالحی که به این فیض بزرگ نائل آمده‌اند و قصه آنها در کتب مربوطه ثبت گردیده است.

سید بن طاووس رحمته الله به فرزندش می‌گوید:

«والطریق مفتوحة إلى امامك عليه السلام لمن يريد الله جلّ شأنه عناية به وتمام احسانه إليه».

«راه به سوی امامت مفتوح است، برای کسی که خداوند بخواهد به او عنایت کند و احسانش را به او کامل گرداند».<sup>(۲)</sup>

سؤال: چه فرقی است بین بودن او در حال غیبت که کسی به او دسترسی ندارد و بین نبودن او؟

جواب: اولاً: ما غیبت او را به شکلی نمی‌دانیم که احدی به او دسترسی نداشته باشد، بلکه می‌گوئیم بسیاری از اولیاء آن حضرت به خدمتش شرفیاب شده‌اند.

۱- بحار، ج ۵۲، ص ۱۴۵، ح ۶۷؛ وص ۹۴ ح ۹.

۲- کشف المحجّة، ص ۱۵۴، فصل ۱۵۰.



ثانیاً: کسانی که این سعادت نصیب آنان نگردیده، از شیعیانی که معتقد به امامت آن حضرت هستند، می‌دانند که امامشان در میان آنها زندگی می‌کند و ناظر بر اعمال آنان است و یقین دارند که اطاعت او بر آنها واجب است، و این مقدار از علم و معرفت کافی است که مانع آنها شود از ارتکاب اعمال زشت و باعث آنها شود بر انجام تکالیف.

سؤال: وجود امام غائب چه فایده‌ای دارد؟

جواب: در احادیث فراوانی با تعبیری کوتاه و بسیار جالب پاسخ این سؤال داده شده است.

جابر بن عبدالله أنصاری از رسول خدا ﷺ پرسید: آیا شیعیان از وجود امام غائب در زمان غیبتش بهره‌ای می‌برند؟ حضرت فرمودند:

«اي والذي بعثني بالنبوة انهم ليتفعلون به ويستضيئون بنور ولايته في غيبته كانتفاع الناس بالشمس وان جلتها السحاب».

«آری، به خداوندی که مرا به پیامبری مبعوث فرموده! آنها از وجود او بهره‌مند می‌شوند و از نور ولایتش در طول غیبت استضائه می‌کنند، همان گونه که از خورشید استفاده می‌کنند، گرچه ابرها مانع تابش آن باشند».<sup>(۱)</sup>

اعمش از امام صادق علیه السلام روایت کرده است که فرمودند:

«از روزی که خداوند آدم را آفرید، زمین از حجت او ظاهر یا

پنهان خالی نبوده و نیز تا قیامت خالی نخواهد بود و اگر جز این  
بود خداوند پرستش نمی شد.»

سؤال کرد: چهگونه مردم از بدبختی غائب بپوشیده می شوند؟ امام علیه السلام  
فرمودند:

«كَمَا يَنْقُضُونَ بِالشَّمْسِ إِذَا سَرَّهَا السَّحَابُ» (۱)

همان طوری که از خورشید پشت ابر بپوشیده می شوند.»

در ترازوی از توفیق شریعی که از ناحیه مقدسه توسط محمد بن عثمان  
شعری (دومین نائب خاص) صادر گشته، آمده است:

«وَأَمَّا وَجْهُ الْإِنْفَاحِ بِي نِي فَخِشِي ذَكَالْإِنْفَاحِ بِالشَّمْسِ إِذَا خُشِّيَا  
فِي الْأَبْصَارِ السَّحَابُ».

«و اما کیفیت بپوشیده شدن مردم از من در دوران غیبت، همانند  
استفاده آنها از خورشید است هنگامی که در پشت ابرها پنهان  
باشند.» (۲)

در روایات، وجود مقدس حضرت ولی عصر علیه السلام را در دوران غیبت  
تشبیه فرموده اند به خورشیدی که پشت ابر باشد. در این تشبیه زیبا نکات  
جالب و مطالب ارزنده ای است که به بدنی از آنها اشاره می کنیم:  
۱. همانگونه که خورشید را در هنگامی که در پشت ابر باشد نمی توان  
وجودش را انکار کرد، وجود حضرت بقیة الله را اگر چه از نظرهای  
است، نمی توان انکار کرد.

۲. هنگامی که خورشید در پشت ابر قرار می‌گیرد، مخصوصاً اگر مدّتش طولانی شود، مردم چشم به آسمان می‌افکنند که چه وقت ابرها کنار می‌روند و خورشید ظاهر می‌شود، در ایّام غیبت امام زمان نیز کسانی که مشتاق جمال دلربای آن حضرتند، چشم به راه دوخته‌اند که چه وقت ابرهای غیبت کنار می‌روند و چهره نورانی آن حضرت ظاهر می‌گردد.

۳. خورشید اگر چه پشت ابر باشد هرگز از حرکت نمی‌ایستد، بلکه به فعالیت خود ادامه می‌دهد، در بین افلاک گردش می‌کند و گردش او و حرکت او منشأ آثار مهم در رشد و تکامل مادی موجودات است، امام زمان علیه السلام هم اگر چه از نظرها غائب است، ولی وجودش منشأ خیرات و برکات برای اهل عالم است<sup>(۱)</sup>. او واسطه فیض الهی است. فیض خداوندی به وسیله او به مردم می‌رسد. او رابط بین خلایق و خالق است. برقراری زمین و آسمان به وجود او است. زندگی و بقای موجودات به طفیل وجود او است.

در دعای عدیله می‌خوانیم:

«ببقائه بقیت الدنيا وبیمنه رزق الوری، وبوجوده ثبتت الأرض  
والسما».

«با بقای آن حضرت، دنیا باقی، و به یمن و برکت او، همه خلق

۱- مدارک و شواهد تاریخی نشان می‌دهد که رئیس یک جمعیت یا یک کشور مادامی که زنده است هر چند در سفر یا تبعید و یا زندان باشد مایه حیات و حرکت و انسجام و نظم آن جامعه است ولی شنیدن خبر از دست رفتنش باعث پراکندگی و از هم پاشیدگی و ایجاد یأس و نومیدی در روحیه طرفداران او است.

«(وزی داده می‌شوند؛ و با وجود او آسمان و زمین پابرجا است)»<sup>(۱)</sup>  
امام زمان علیه السلام اگر چه غائب است، ولی ولایتش در عالم جاری و جاری و نافذ است، او صاحب ولایت کلیه مطلقه الوجود است، عالم تکوین بدون قید و شرط تحت فرمان او و مطیع فرامین او است، خداوند او را بر انجام هر گونه تصرفی در کائنات قدرت بخشیده است، دست پر توان او مشکلات را حل می‌کند.

او ملاذ و مایه‌ها و پناه شیعیان است و بر همین اساس است که شیعه در گرفتاری‌های خود به ایشان متوسل می‌شود، و به درگاه آن حضرت استغاثه می‌نماید.

امام نور خدا است، در ظلمات زمین، نوری است که هدایت چوینان در پرتو آن راه را پیدا می‌کنند.

در زیارت روز جمعه، امام زمان علیه السلام را مشارف قرار داده و عرض می‌کنند:

«السلام خلیفک یا نور الله الذی یومئدی به الیومئذون»<sup>(۲)</sup>

«سلام بر تو ای نور خدا که در پرتو نور تو چوینندگان راه هدایت آن را می‌جویند و هدایت شوند».

امام سجاد علیه السلام به ابو خالد کابلی فرمودند:

«... وهم والله نور الله فی السموات والأرض، والله یا أبا خالد

نور الإمام فی قلوب المؤمنین أنور من الشمس المشرقة

بالنهار، وهم والله ينورون قلوب المؤمنين».

«به خدا سوگند! ای ابو خالد، نور امام در دل‌های مؤمنان تابناکتر از خورشید فروزان در روز است. به خدا سوگند! آنها دل‌های مؤمنان را روشنی می‌بخشند».<sup>(۱)</sup>

امام زمان در دوران غیبت، افرادی را که بخواهد از طریق باطنی هدایت می‌نماید و دل‌های آنها را به نور خویش منور می‌سازد.

مانند آفتاب فروزنده زیر ابر

پنهان و آشکار، امام زمان ما است

در گلشن هدایت و گلزار معرفت

جان بخش چون بهار، امام زمان ما است

امام زمان علیه السلام در دوران غیبت، برای شیعیانش دعا می‌کند و بر اثر دعای آن حضرت است که دل‌های آنها اطمینان و آرامش پیدا می‌کند، او به دعای شیعیانش آمین می‌گوید و به برکت آمین آن حضرت، دعای آنها به اجابت می‌رسد. او قطب عالم امکان است. محور هستی و سرّ خلقت است. پرتوی از عظمت و جلال کبریائی است. او ولی خدا است. ولایت او همان ولایت خداوند است. با دست با برکت او روزی خلق داده می‌شود، ملائکه و روح به محضر مقدّس او شرفیاب می‌شوند و مقدرات عالم را تقدیم می‌نمایند، در آسمان فرشته‌ای نیست که قدم از قدم بردارد، مگر به اذن و فرمان او می‌باشد، بر زمین و زمان و جن و انس و کرات و کهکشانها و همه

موجودات عالم و بر همه عوالم وجود ولایت دارد. و اینها همه از مقامات باطنیه آن حضرت است و هیچگونه منافاتی با غیبت او ندارد.

ولایت تکوینی امام در هیچ شرایطی از او سلب نمی‌شود، ممکن است مقام ظاهری امیرالمؤمنین علیه السلام را که امامت بر خلق است از آن حضرت غاصبانه و ظالمانه بگیرند و او را خانه‌نشین نمایند، ولی او در همان حال صاحب ولایت است، و بر تمام هستی امیر و فرمانروا است.

۴. فیض خورشید عام است و بر همه عالم می‌تابد؛ حتی در داخل خانه‌ها می‌تابد، ولی به اندازه‌ای که پنجره برای آن باز کرده‌اند، انسانی که بخواهد نور امام علیه السلام در قلب او بتابد، باید پنجره‌های قلب خود را به سوی امام علیه السلام بگشاید، کسی که قلب خویش را وارونه ساخته و یا مانع ایجاد کرده، روشن است که نور در آن نمی‌تابد، به اندازه‌ای که رفع مانع نموده باشیم می‌توانیم از انوار هدایت امام علیه السلام بهره‌مند شویم.

۵. خورشید گاهی از پشت ابر بیرون می‌آید ولی همه متوجه آن نمی‌شوند و تنها عده‌ای او را می‌بینند، امام غائب علیه السلام ممکن است گاهی از پشت ابر غیبت بیرون آید و تنها برای بعضی تجلی کند و ظاهر شود و دیگران او را نبینند.

سؤال: آیا غیبت در مورد اولیاء خدا سابقه نیز داشته است و برایش پیشینه‌ای می‌باشد؟

پاسخ: آری، بعضی از پیامبران و اولیاء الهی، دارای غیبت‌های طولانی و یا کوتاه بوده‌اند و در قرآن از آنها یاد شده است.

حضرت موسی بن عمران علیه السلام سالها از نظر بنی اسرائیل غایب بود و آنها در چنگال فرعون اسیر بودند تا آنکه خداوند دعای آن بیچارگان را مستجاب نمود و حضرت موسی را برای نجات آنان به وطن بازگردانید. قرآن کریم قصه فرار او را از وطنش و پنهان شدن او را از ترس فرعون بیان کرده است.

حضرت خضر علیه السلام مدتها پیش از موسی بن عمران پنهان شده و تا این زمان به زندگی پنهانی خود ادامه می‌دهد. قرآن کریم قصه برخورد او را با حضرت موسی بن عمران بیان فرموده است.

حضرت یوسف علیه السلام سالها به صورت پنهانی زندگی کرده است و پدر و برادرانش خبری از او نداشتند و در حالی که او پادشاه مصر شده بود برادرانش چندین مرتبه با او ملاقات کرده و با او صحبت نموده‌اند، ولی نمی‌دانستند که او یوسف گم‌گشته است تا آنکه خودش را برای آنان معرفی نمود. قرآن کریم سوره کاملی را به نام یوسف اختصاص داده و در آن سرگذشت او و قصه مفقود شدنش را بیان کرده است.

حضرت یونس علیه السلام پس از مدتها تبلیغ در میان قومش که به دعوت او اعتنائی نکردند، آنها را ترک کرد و از انظار آنها پنهان گردید خداوند تبارک و تعالی مدتها او را زنده در شکم نهنگ در دریا حفظ کرد تا آنکه او را از شکم نهنگ رهائی بخشید و به میان قوم خود باز گردانید.

اینها نمونه‌هایی بود از پیامبرانی که دارای غیبت بوده‌اند. و در بعضی از روایات فرموده‌اند، غیبت امام زمان علیه السلام سنتی است که از بعضی از پیامبران دارد.

ابوبصیر از امام صادق علیه السلام روایت کرده است که فرمودند:

«إِنَّ سُنَنَ الْأَنْبِيَاءِ بِمَا وَقَعَ بِهِمْ مِنَ الْغِيَابَاتِ حَادِثَةٌ فِي الْقَائِمِ مِمَّا أَهْلَ الْبَيْتِ حَذُو النَّعْلِ بِالنَّعْلِ».

«همانا سنت‌های پیامبران با آنچه از غایب شدن‌ها که نسبت به آنها صورت گرفته، در قیام کننده ما اهل بیت جاری خواهد شد، بدون هیچگونه کم و زیاد»<sup>(۱)</sup>.

عبدالله بن سنان می‌گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که فرمود:

«فِي الْقَائِمِ سُنَّةٌ مِنْ مُوسَى بْنِ عِمْرَانَ عليه السلام فَقُلْتُ: وَمَا سُنَّةُ

مُوسَى بْنِ عِمْرَانَ؟ فَقَالَ: خِفَاءٌ مَوْلَدِهِ وَغَيْبَتُهُ عَنْ قَوْمِهِ»

«در قائم علیه السلام سنتی از موسی بن عمران علیه السلام است، عرض

کردم: سنت موسی بن عمران چیست؟ فرمود: مخفی بودن

ولادت و غایب شدن از قومش»<sup>(۲)</sup>.

پس غیبت امام عصر علیه السلام مطلب تازه‌ای نیست که هیچگونه سابقه‌ای

نداشته باشد؛ بلکه در پیامبران گذشته، واقع شده و پیامبر اکرم و ائمه

طاهرین از آن خبر داده‌اند، و لذا جای هیچگونه استبعادی نیست. و چون

غیبت، حادثه‌ای نا مأنوس بوده و شیعیان به آن عادت نداشته‌اند، از

پیشوای هفتم به بعد مخصوصاً امام دهم و یازدهم برای آن زمینه

سازی‌های لازم را فرموده‌اند. آنها کمتر در میان جمع ظاهر می‌شدند و

ارتباط آنان بیشتر با خواص شیعه و وکلای منتخب، آن هم در موارد

خاص بود.

۱- بحار، ج ۵۱، ص ۱۴۶، ح ۱۴. ۲- بحار، ج ۵۱، ص ۲۱۶، ح ۲.



## ۵

### زمینه‌سازی و آماده‌سازی مردم برای ورود به عصر غیبت

مسعودی در اثبات الوصیة می‌نویسد:

«روي أنّ أبا الحسن صاحب العسكر عليه السلام احتجب عن كثير من الشيعة إلا عن عدد يسير من خواصّه فلما أفضى الأمر إلى أبي محمد عليه السلام كان يكلم شيعته الخواص وغيرهم من وراء الستر، إلا في الأوقات التي يركب فيها إلى دار السلطان، وأنّ ذلك إنّما كان منه ومن أبيه قبله مقدّمة لغيبة صاحب الزمان عليه السلام لتألف الشيعة ذلك ولا تنكر الغيبة، وتجري العادة بالاحتجاب والاستتار».

«روایت شده است که امام هادی عليه السلام از بسیاری از شیعیانش جز عده‌ای خاص و محدود خود را پنهان می‌نمود و چون امامت به

امام عسکری علیه السلام رسید، آن حضرت با شیعیان خود از پشت پرده صحبت می‌کرد و اینگونه رفتار از این دو امام بزرگوار، مقدمه برای غیبت امام زمان علیه السلام بود تا شیعیان با مسأله غیبت مأنوس شوند و تحمل آن برای آنها دشوار نباشد.<sup>(۱)</sup>

در دوران امام هادی و امام عسکری علیهما السلام سؤالات و اشکالات مردم بیشتر از طریق نامه‌ها و مکاتبات به وسیله اصحاب برجسته ایشان جواب داده می‌شد.

عثمان بن سعید که یکی از خواص اصحاب امام عسکری علیه السلام بود، در لباس روغن فروشی و در پوشش آن، نامه‌ها و امانات مردم را به امام علیه السلام می‌رسانید، او از وکلای خاص امام عسکری علیه السلام بود و بعدها از نواب اربعه حضرت مهدی علیه السلام در دوران غیبت صغری گردید. وکلا نقش مهم و ارزنده‌ای را در این برهه از زمان ایفا می‌نمودند، آنها پل ارتباطی میان شیعیان و امام علیه السلام بودند و احتیاج مردم را از مراجعه مستقیم با امام علیه السلام برطرف می‌نمودند.

دوران غیبت امام عصر علیه السلام را می‌توان به دو دوران کوتاه مدت و دراز مدت تقسیم نمود که به غیبت صغری و کبری معروفند و در روایات ما نیز به آن اشاره شده است.<sup>(۲)</sup>

۱- اثبات الوصیة، ص ۲۶۲.

۲- برای نمونه از حضرت سید الساجدین علیه السلام روایت شده است که فرمودند: «للقائم منا غیبتین، احدهما أطول من الاخری»؛ «برای قائم ما علیه السلام دو غیبت است که یکی از آن دو و زمانش و دورانش طولانی‌تر خواهد بود». بحار، ج ۵، ص ۱۳۵.

## ۶

### غیبت صغری ومعرفی اجمالی نواب اربعه

همان گونه که گفته شد غیبت امام عصر علیه السلام با برنامه ریزی های دقیق و زمینه سازی های جالب شروع شد تا مبادا شیعیان از این جهت دچار آسیبی از نظر دینی و اعتقادی شوند.

با شهادت امام عسکری علیه السلام در سال ۲۶۰ هجری قمری، غیبت صغری آغاز شد، در این دوران رابطه امام و امت به کلی قطع نشد، بلکه مردم به وسیله نائبان خاص با امام خویش در ارتباط بودند، به وسیله آنها پیام امام علیه السلام را دریافت می نمودند و پاسخ سؤالات خود را می گرفتند. نائبان خاص امام علیه السلام چهار تن بودند که به ترتیب عبارتند از:

عثمان بن سعید عمری، محمد بن عثمان عمری، حسین بن روح نوبختی، علی بن محمد سمری، اینها هر کدام مورد وثوق و اطمینان کامل

وامین بودند، امام معصوم علیه السلام آنها را برای این مسئولیت مهم برگزیده و آنها مسئولیت خویش را به خوبی انجام داده‌اند، و اینک معرفی اجمالی هر یک از آنها:

### ۱ - عثمان بن سعید

اولین نائب خاص امام عصر علیه السلام در دوران غیبت صغری، عثمان بن سعید عمری است؛ ایشان وکیل امام هادی و امام عسکری علیهما السلام نیز بوده‌اند:

احمد بن اسحاق که از بزرگان شیعه است، می‌گوید: روزی محضر مقدس امام هادی علیه السلام شرفیاب شدم و به آن حضرت عرض کردم: ای مولای من، برای من همیشه میسر نیست که خدمت شما برسم، آیا کسی هست که من کلام او را بشنوم و امر او را اطاعت کنم؟ امام علیه السلام فرمود: ابو عمرو مردی است ثقه و امین، آنچه به شما می‌گوید، از جانب من می‌گوید. می‌گوید: بعد از وفات امام هادی علیه السلام محضر مقدس امام عسکری علیه السلام شرفیاب شدم و همان مطلب را عرض کردم، امام عسکری علیه السلام فرمود: ابو عمرو مردی ثقه و امین است، او مورد اطمینان امام گذشته و مورد اطمینان من است، هم در حال حیات من و هم بعد از وفات من، و آنچه به شما می‌گوید گفته من است، از او شنوایی و اطاعت داشته باشید. <sup>(۱)</sup>

شیخ طوسی در کتاب غیبت روایت کرده است که روزی چهل نفر از شیعیان به همراه عثمان بن سعید به محضر امام عسکری علیه السلام شرفیاب شدند، امام علیه السلام فرزند خود را به آنها نشان داد و فرمود:

«پس از من، این فرزندم امام شما است، از او اطاعت کنید... بدانید پس از امروز او را نخواهید دید، در غیبت او آنچه عثمان بن سعید می‌گوید بپذیرید و او را اطاعت کنید، زیرا او جانشین امام شما است و کارها به دست او است.»<sup>(۱)</sup>

و نیز در همان کتاب می‌نویسد:

«عثمان بن سعید به دستور امام عسکری علیه السلام اموالی را که جمعی از شیعیان یمن آورده بودند، تحویل گرفت؛ گروهی که شاهد این جریان بودند عرض کردند: به خدا قسم! عثمان بن سعید از بهترین شیعیان شما است، ولی با این کار جایگاه او نزد شما، برای ما روشن‌تر شد.

امام عسکری علیه السلام فرمود: آری، گواه باشید که او وکیل من و پسرش محمد، وکیل پسر مهدی خواهد بود.»<sup>(۲)</sup>

عثمان بن سعید در سال ۲۶۵ هجری قمری دار فانی را وداع گفت.

۱- غیبت طوسی، ص ۳۵۷، ح ۳۱۹، فصل ۶، بحار، ج ۵۱، ص ۳۴۶.

۲- غیبت طوسی، ص ۳۵۵، ح ۳۱۷، فصل ۶، بحار، ج ۵۱، ص ۳۴۵.

## ۲- محمد بن عثمان عمری

دومین نائب خاص از نواب اربعه محمد بن عثمان، فرزند عثمان بن سعید بود که امام عسکری علیه السلام در حدیثی که گذشت به وکالت او برای فرزندشان حضرت مهدی علیه السلام تصریح فرمودند، چون پدرش وفات یافت، توقیعی از ناحیه مبارک امام عصر علیه السلام به عنوان تسلیت برای او صادر گردید که در آن ضمن تجلیل از مقام والای عثمان بن سعید و طلب رحمت برای او و آرزوی اجر و پاداش برای فرزندش، او را به مقام وکالت و نیابت منصوب فرمودند.

در قسمتی از آن توقیع شریف آمده است:

«وکان من کمال سعادتہ أن رزقہ اللہ ولدًا مثلك، یخلفہ من بعدہ  
ویقوم مقامہ بامرہ...».

«از کمال سعادت پدرت این بود که خداوند فرزندی مثل تو را به  
او روزی نمود که جانشین او و قائم مقام او باشی...»<sup>(۱)</sup>

در توقیع دیگری که بعد از وفات عثمان بن سعید از ناحیه مقدسه صادر  
گردید، چنین آمده است:

«والا بن وقاه اللہ لم یزل ثقتنا فی حیاة الأب رضی اللہ عنہ  
وأرضاه ونضر وجهه، یجری عندنا مجراه ویسد مسدہ...».

«و فرزند که خداوند او را حفظ فرماید، همواره در حیات پدر مورد  
اطمینان ما بوده است، او جایگاهش نزد ما همان جایگاه پدرش

می باشد و با وجود خود جای خالی پدر را پر نموده است...»<sup>(۱)</sup>  
 و به خاطر این نصوص، شیعیان همگی اجماع بر عدالت و وثاقت و امانت او داشتند و تا مادامی که در قید حیات بود توقیعات مبارک امام علیه السلام به وسیله او به شیعیان می رسید، به همان خطی که در زمان پدرش عثمان بن سعید به آنان می رسید و معجزات امام بدست او ظاهر می شد که باعث بصیرت بیشتر آنان می گردید.

و روایت شده است که کتابهای فراوانی ایشان در فقه جمع آوری نمود که همه مطالبش را از امام عسکری و امام زمان و پدرش عثمان بن سعید شنیده و نقل کرده بود و در هنگام وفات خویش همه آنها را به نایب بعدی یعنی حسین بن روح واگذار نمود.<sup>(۲)</sup>

این بزرگوار در آخر ماه جمادی الاولی سال ۳۰۵ بعد از حدود چهل سال انجام وظیفه در امر نیابت، دار فانی را وداع گفت.

### ۳- حسین بن روح

سومین وکیل و نایب خاص امام عصر علیه السلام حسین بن روح نوبختی بود که محمد بن عثمان ایشان را در اواخر عمر با برکت خویش به شیعیان معرفی می نمود و گاهی آنها را به وی ارجاع می داد.

جعفر بن محمد مدائنی می گوید: اموالی را که برای امام عصر علیه السلام نزد آن بزرگوار در آخرین دیدارم بردم ۴۰۰ دینار بود، به من فرمود: آنها را

۱- بحار، ج ۵۱، ص ۳۴۹.

۲- بحار، ج ۵۱، ص ۳۵۰.

نزد حسین بن روح بیر. و هنگامی که مشاهده کرد این مطلب برایم سنگین آمده است، فرمود:

«فقد أقيمت ابا القاسم الحسين بن روح مقامي ونصبته منصبي».  
«من ابا القاسم حسين بن روح را قائم مقام خویش قرار دادم و در جایگاه خودم نصب نمودم».<sup>(۱)</sup>

جعفر بن احمد بن متیل که درباره اش گمان می کردند سومین نایب باشد، می گوید:

«محمد بن عثمان در حال احتضار به سر می برد، من در بالای سر او و حسین بن روح در پائین پای او نشسته بودیم، محمد بن عثمان نگاهی به من کرد و فرمود: مأمور شده ام که حسین بن روح را به جای خود نصب نمایم و به او وصیت کنم؛ من از جای خود برخاستم و دست حسین بن روح را گرفتم و در بالای سر محمد بن عثمان قرار دادم و خود به پائین پا منتقل شدم».

این بزرگوار چنان تقیه شدیدی می نمود و به گونه ای با مخالفین رفتار می کرد که هر یک از مذاهب اربعه، مدعی بودند که او از ما است و سرانجام در شعبان سال ۳۲۶ پس از بیست و یکسال نیابت بدرود حیات گفت.

#### ۴- علی بن محمد سمری

چهارمین وکیل و نایب خاص امام عصر علیه السلام علی بن محمد سمری بود



که حسین بن روح به امر امام علیه السلام او را در هنگام وفاتش جانشین خود قرار داد، و او به این امر مهم قیام کرد و شیعیان را در غیبت امامشان سرپرستی نمود و چون از او خواستند که جانشین خود را معرفی کند، در پاسخ آنها فرمود: مأمور نشده‌ام که به کسی بعد از خودم در این باره وصیت کنم.

در آخرین روزهای عمر با برکتش، از ناحیه مقدسه امام عصر علیه السلام توقیعی برای ایشان شرف صدور یافت و در آن آمده است:

«بسم الله الرحمن الرحيم، يا علي بن محمد السمری أعظم الله اجراخوانك فيك، فانك ميت ما بينك وبين ستة أيام، فاجمع أمرك ولا توص إلى أحد فيقوم مقامك بعد وفاتك فقد وقعت الغيبة التامة، فلا ظهور إلا بعد اذن الله تعالى ذكره وذلك بعد طول الأمد وقسوة القلوب وامتلاء الارض جوراً».

«به نام خداوند بخشنده مهربان..ای علی بن محمد سمری، خداوند پاداش برادرانت را در مصیبت وفاتت زیاد گرداند! همانا تو تا شش روز دیگر از دنیا خواهی رفت، به کارهایت رسیدگی کن و به کسی وصیت نکن که بعد از وفاتت جانشین تو باشد؛ زیرا که دوران غیبت کامل فرا رسیده است، و ظهوری نیست مگر بعد از اذن پروردگار؛ و آن پس از طولانی شدن مدت غیبت و قساوت دلها و پر شدن زمین از ظلم و بی داد خواهد بود».<sup>(۱)</sup>

غیبت صغری ۱۵۳

با وفات آخرین نایب خاص امام عصر علیه السلام در سال ۳۲۹ هجری  
قمری غیبت صغری پس از حدود ۷۰ سال به انتها رسید و غیبت کبری  
آغاز شد.

## بخش هایی از توقیعات مبارک امام عصر علیه السلام

یکی از آثار وجودی حضرت بقیة الله - ارواحنا له الفداه - توقیعاتی<sup>(۱)</sup> است که از ناحیه مقدسه آن ولی دوران و حجت عصر و زمان و جان جانان صادر گشته و آن گوهرهایی است بسیار ارزنده که از دریای بی کران علم امام علیه السلام در پاسخ به سؤالات شیعیان صادر گشته و یا بعضی از اشخاص را به فرمان های ملوکانه خویش مخاطب ساخته است. این کلمات نورانی جمع آوری شده و به صورت مجموعه نفیسی درآمده است.<sup>(۲)</sup> و ما در اینجا به بخشی از آنها اشاره می کنیم:

توقیعی از آن حضرت در مورد افرادی که دچار شک و تردید در دین

۱ - به نوشتن چیزی در ذیل نامه، و به امضا کردن نامه و فرمان و به دست خط پادشاه توقیع گفته می شود.

۲ - جامع ترین کتاب در این زمینه کتاب گرانقدر کلمة الامام المهدي تألیف عالم بزرگوار آیه الله سید حسن شیرازی رحمة الله علیه می باشد.

شده‌اند به شرح زیر صادر گردید:

بسم الله الرحمن الرحيم

«عافانا الله واياكم من الفتن، ووهب لنا ولكم روح اليقين  
وأجارنا واياكم من سوء المنقلب، انه أنهى اليّ ارتياب جماعة  
منكم في الدين، وما دخلهم من الشكّ والحيرة في ولاة  
أمرهم، فغمنا ذلك لكم لا لنا وسأونا فيكم لا فينا...».

«به نام خداوند بخشنده مهربان، خداوند ما و شما را از فتنه‌ها  
عافیت بخشد و به ما و شما روح یقین مرحمت فرماید و از بدی  
عاقبت و بازگشت پناه دهد، به من خبر رسیده که جماعتی از شما  
در دین دچار تردید شده و نسبت به صاحبان امر به شک و حیرت  
افتاده‌اند، این مطلب ما را غمگین ساخته...»

البته از جهت شما، و ناراحت نموده، باز هم به خاطر شما و نه  
به خاطر خودمان؛ زیرا خداوند تبارک و تعالی با ما است و به غیر  
او هیچگونه نیازی نداریم، و چون حق با ما است، از اینکه کسی  
از ما روی گرداند وحشتی نداریم.»

«ونحن صنائع ربنا والخلق بعد صنائعنا.»

«و ما ساخته و پرداخته و تربیت شده بی واسطه پروردگاریم و خلق  
همه ساخته و پرداخته ما هستند»<sup>(۱)</sup>

---

۱- امیرالمؤمنین علیه السلام نظیر این فرمایش را با این عبارت فرموده‌اند: «انا صنائع ربنا  
والناس بعد صنائع لنا» باید اعتراف کرد که نمی‌توانیم به عمق معنای این عبارت

يا هؤلاء ما لكم في الريب تردّدون وفي الحيرة تنعكسون، أو ما سمعتم الله عزّ وجلّ يقول: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ...﴾

«ای مردم، چه شده به شک دچار شده و در حیرت افتاده‌اید؟ آیا نشنیده‌اید که خداوند عزوجل می‌فرماید: ای کسانی که ایمان آورده‌اید، خدا را اطاعت کنید، رسول خدا و صاحبان امر را نیز اطاعت کنید؟ آیا نمی‌دانید آنچه در آثار آمده که نسبت به گذشتگان تحقق یافته و در مورد امامان شما رخ می‌دهد؟ بر گذشتگان آنها و باقی ماندگانشان درود باد! آیا ندیدید چگونه خداوند برای شما پناهگاه هایی قرار داد که به آنها پناهنده شوید و نشانه هایی که به وسیله آنها هدایت شوید از زمان آدم تا عصر امام عسکری علیه السلام، هر گاه پرچمی و نشانه‌ای ناپدید گردید، پرچم و نشانه دیگری ظاهر شد هر گاه ستاره‌ای افول کرد ستاره دیگری طلوع کرد؟

هنگامی که امام عسکری علیه السلام از دنیا رفت خیال کردید خداوند دینش را باطل کرد و آن وسیله و واسطه بین خودش و خلق را از بین برد و این رشته را قطع نمود، نه هرگز چنین نبوده و نخواهد بود تا آنکه قیامت برپا شود و امر او آشکار گردد، در حالی که آنان

❶ پی‌بیریم و شاید از آن استفاده شود که آنها از همه مستغنی و بی‌نیازند و مردم همه بلکه خلق همه محتاج عنایت آنها هستند. (بحار، ج ۲۵، ص ۲۴، ح ۴۲).

را خوش آیند نباشد.

امام قبلی یعنی امام عسکری  $\text{علیه السلام}$  بر همان راه روش پدرانش بدون هیچ کم و کاست طی طریق نمود و سعادت‌مندانۀ دار فانی را وداع گفت، وصیت او و علم او در ما است و جانشین او و کسی که جای خالی او را پر کند و قائم مقام او باشد از او است.

و جز ستمگر گنهکار کسی با ما در این موضع و در این موضوع نزاع ندارد و غیر از ما کسی جز کافر منکر مدعی این مقام نیست. و اگر نبود که امر خداوند نباید مغلوب شود و سرّ او نباید آشکار شود، هر آینه برای شما حق ما ظاهر می‌شد، آنگونه که عقل شما را شگفت زده می‌ساخت و تردیدهای شما را برطرف می‌نمود؛ ولی آنچه خداوند بخواهد می‌شود و برای هر اجل نوشته‌ای است. پس تقوا پیشه کنید و تسلیم ما شوید و امری را که نمی‌فهمید به سوی ما بازگردانید. ما قادریم به حلّ مشکل، و آن بر عهده ما است همان طور که آن را خود ما ایراد نموده‌ایم

آنچه از شما پوشیده شده، تلاش نکنید که پوشش آن را کنار بزنید، به چپ و راست گرایش پیدا نکنید. قصد خود را با مؤدّت و محبت بر اساس سنت واضح و روشن به سوی ما قرار دهید. من از روی خیر خواهی شما را نصیحت نمودم و خدا بر حال من و شما گواه است»<sup>(۱)</sup>

در ضمن توقیع دیگری که در پاسخ سؤالات اسحاق بن یعقوب برای محمد بن عثمان عمری صادر گردید چنین آمده است:

«وَأَمَّا عَلَّةٌ مَا وَقَعَ مِنَ الْغَيْبَةِ فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ يَقُولُ: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَسْأَلُوا عَنَ أَشْيَاءٍ إِن تَبَدَّلَ لَكُمْ تَسْوِكُمْ﴾  
 انه لم يكن أحد من آبائي الا وقد وقعت في عنقه بيعة لطاغية  
 زمانه، واني أخرج حين أخرج ولا بيعة لأحد من الطواغيت  
 في عنقي»

«اما در مورد علت غیبت، خداوند تبارک و تعالی فرموده است:  
 «ای کسانی که ایمان آورده‌اید از چیزهایی که وقتی آشکار شود  
 شما را ناراحت می‌نماید سؤال نکنید».

هیچ کدام از پدرانم نبودند مگر آنکه در گردن ایشان بیعتی  
 تحمیلی برای طاغوت زمانش بود، من خروج می‌کنم زمانی که  
 خروج می‌کنم و بیعت هیچ طاغوتی در گردنم نیست.

اما کیفیت بهره‌مند شدن از من در دوران غیبتم همانند بهره‌مند  
 شدن از خورشید است در حالی که ابر آن را از دیدگان بیوشاند.

و همانا من برای اهل زمین مایهٔ امن و امانم، همان طور که  
 ستارگان برای اهل آسمان مایه امن و امانند. درهای سؤال و  
 پرسش را از آنچه به شما مربوط نمی‌شود و به درد شما نمی‌خورد  
 ببندید و خود را در مورد علمی که از شما نخواسته‌اند به تکلف و  
 زحمت نیندازید».

«واكثرُوا الدعاء بتعجيل الفرج، فان ذلك فرجكم».

«و برای تعجیل فرج بسیار دعا کنید، که این خود، فرج شما است»<sup>(۱)</sup>.

در ضمن توقیع دیگری که در پاسخ سؤالات محمد بن جعفر أسدی برای محمد بن عثمان عمری صادر گردید چنین آمده است:

«وَأَمَّا مَا سَأَلْتَ عَنْهُ مِنْ أَمْرٍ مِنْ يَسْتَحِلُّ مَا فِي يَدِهِ مِنْ أَمْوَالِنَا أَوْ يَتَصَرَّفُ فِيهِ تَصَرَّفَهُ فِي مَالِهِ مِنْ غَيْرِ أَمْرِنَا فَمَنْ فَعَلَ ذَلِكَ فَهُوَ مَلْعُونٌ وَنَحْنُ خِصْمَاؤُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ».

«و اما آنچه پرسیده‌ای در مورد کسی که حلال می‌شمارد آنچه را که از اموال ما در دست او است، یا در آنها تصرف می‌کند بدون امر ما و اذن ما، همان طور که در مال خودش تصرف می‌کند، کسی که چنین فکری داشته و چنین کاری انجام دهد، ملعون است و ما در روز قیامت خصم او خواهیم بود»<sup>(۲)</sup>.

---

۱- بحار، ج ۵۳، ص ۱۸۱، ضمن ح ۱. ۲- بحار، ج ۵۳، ص ۱۸۲، ضمن ح ۱۱.



## ۸

### غیبت کبری

با شروع غیبت کبری رابطه‌ای که امام علیه السلام و شیعیان به وسیله نائبان خاص داشتند قطع گردید و مردم برای حل مشکلات دینی و مذهبی خود باید به نائبان عام آن حضرت مراجعه کنند.

امام عصر علیّه در فرازی از توقیع شریف خود که در پاسخ سؤالات اسحاق بن یعقوب برای دومین نائب خاص صادر شد فرمودند:

«وَأَمَّا الْحَوَادِثُ الْوَاقِعَةُ فَارْجِعُوا فِيهَا إِلَى رِوَاةِ حَدِيثِنَا فَإِنَّهُمْ

حَبَّتِي عَلَيْكُمْ وَأَنَا حُجَّةُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ»<sup>(۱)</sup>

«در مورد رویدادهایی که رخ می‌دهد و مسائل مستحدثه به

راویان حدیث ما مراجعه کنید؛ زیرا آنان حجت بر شما هستند و

من حجت خدا بر آنان می‌باشم».

---

۱- بحار، ج ۵۳، ص ۱۸۱، ضمن ح ۱۰.

و در حدیثی حضرت سید الشهداء علیه السلام فرموده‌اند:

«مجاری الامور والاحکام علی ایدی العلماء بالله الامناء علی حلاله و حرامه»<sup>(۱)</sup>

«اداره امور باید در دست کسانی باشد که علم و معرفت به خداوند دارند و بر حلال و حرام او امین هستند»<sup>(۲)</sup>

در این مرحله از غیبت هم مردم بدون پناهگاه و سرپرست رها نشده‌اند، اشخاص خاصی با اسم و نسب معرفی نشده‌اند، ولی شرایط و خصوصیات و اوصافی را ذکر کرده‌اند، و فرموده‌اند از عالمان دینی و کسانی که آشنایی کامل با مکتب اهل بیت علیهم السلام دارند، هر کدام واجد آن شرایط و اوصافند شایستگی دارند که به عنوان نایب عام امام زمان زعامت و رهبری و هدایت مردم را عهده دار شوند.

امام صادق علیه السلام فرموده‌اند:

«واما من کان من الفقهاء صائناً لنفسه حافظاً لدينه مخالفاً علی هواه مطيعاً لامر مولاه فللعوام أن یقلدوه».

«هر کدام از فقها که بر نفس خود مسلط باشد<sup>(۳)</sup> و دین خود را

---

۱- لازمه‌اش این است که اولاً تفقه در دین داشته و کاملاً به حلال و حرام آشنا باشند، ثانیاً مقید به حلال و حرام باشند و آن را کاملاً رعایت کنند، حلال الهی را حلال و حرام او را حرام اعلام کنند و هیچگونه تغییری در آن ندهند، اگر این گونه بودند می‌توانند دین را آن گونه که شارع مقدس می‌پسندد حفظ کنند و مانع رسیدن آفت و آسیبی به آن شوند.

۲- بحار، ج ۹۷، ص ۷۹.

۳- تسلط بر نفس داشته باشد؛ یعنی نفس را تابع عقل و دین و مولای خویش قرار داده

نگهدارد، با هوای نفس مخالفت کند و مطیع فرمان مولایش باشد، بر عموم مردم است که از او پیروی نمایند»<sup>(۱)</sup>.  
 البته این اوصاف، اوصافی نیست که در هر عالم دینی و هر فقیهی یافت شود، ولذا در آخر حدیث، امام صادق علیه السلام فرموده‌اند:  
 «وذلك لا يكون الا بعض فقهاء الشيعة لا كلهم».

«و تنها بعضی از فقهاء شیعه این چنین هستند، نه همه آنها».  
 و از این طریق مردم در دوران غیبت کبری با دین و پیشوایان دین مرتبط می‌باشند و ارتباط خود را حفظ می‌کنند.  
 و البته پشت پرده امام عصر علیه السلام کاملاً مراقب اوضاع و احوال ما می‌باشد؛ در توقیع مبارک خویش فرموده‌اند:

«اگر چه ما در مکانی دور از جایگاه ستمگران سکنی گزیده‌ایم - و آن بر اساس مصلحت ما و شیعیان ما است که تا حکومت دنیا در دست تبه کاران است از آنها دوری گزینیم و از دیدگان مردم پنهان باشیم - ولی از تمام حوادث و جریان هائی که بر شما می‌گذرد کاملاً مطلع هستیم و هیچ چیز از اخبار شما بر ما پوشیده

➤ باشد، بر نفس خود امارت و فرمانروایی داشته باشد، نه آنکه نفس امیر او باشد، زمام نفس را در اختیار داشته باشد، نه آنکه زمام او در اختیار نفس باشد، اگر چنین شد می‌تواند خواست خدا و فرمان او را بر خواسته خودش ترجیح دهد، رضا و خوشنودی پروردگار را بر خوشنودی خودش ترجیح دهد، به خاطر خواسته مولایش و امام زمانش از خواسته خود صرف نظر کند. خودش را نخواهد، بلکه او را نخواهد.

۱- وسائل الشیعه، ج ۲۷، ص ۱۳۱، ح ۲۰، بحار، ج ۲، ص ۸۸، ح ۱۲.

نیست».

و در قسمتی از این توقیع مبارک فرموده‌اند:

«أنا غير مهملين لمراعاتكم ولا ناسين لذكركم ولولا ذلك لنزل بكم اللأواء واصطلمكم الأعداء».

«ما نسبت به رعایت حال شما کوتاهی نکرده‌ایم و هرگز شما را از یاد نبرده‌ایم و اگر غیر از این بود سختی‌ها و بلاها به شما فرود می‌آمد و دشمنان، شما را نابود می‌کردند».

در اینجا به مناسبت این فراز از پیام امام علیه السلام مناسب دیدیم جریانی را که حاکی از عنایت خاص امام علیه السلام به شیعیان است یادآور شویم:

در دوران جنگ جهانی اول و اشغال ایران توسط قوای انگلیس و روس که حملات به ملت شیعه اوج گرفته بود، مرحوم آیه الله نائینی رحمه الله خیلی پریشان بودند و نگران از اینکه این وضع به کجا خواهد انجامید، نکند این کشور محبّ و دوستدار امام زمان علیه السلام سقوط کند و از بین برود، شبی شدیداً به امام عصر علیه السلام متوسل می‌شود و در حال توسل و گریه و ناراحتی به خواب می‌رود، در خواب می‌بیند که دیواری است به شکل نقشه ایران و این دیوار شکست برداشته و خم شده و در حال افتادن است، در زیر این دیوار یک عده زن و بچه نشسته‌اند و دیوار نزدیک است که روی سر آنها خراب شود، مرحوم میرزا با دیدن این صحنه به قدری نگران می‌شود که فریاد می‌زند و عرض می‌کند: خدایا این وضع به کجا خواهد انجامید! در همین حال می‌بیند حضرت ولی عصر - ارواحنا له الفداء -

تشریف آوردند و با انگشت مبارکشان به طرف دیوار شکست برداشته و خم شده اشاره نمودند و آن را بلند کردند و سر جایش قرار دادند و فرمودند:

«اینجا خانه شیعیه خانه ما است، می شکند، خم می شود، خطر

هست، ولی نمی گذاریم سقوط کند؛ ما نگهش می داریم».<sup>(۱)</sup>

نمونه دیگری از عنایات امام عصر علیه السلام نجات شیعیان بحرین است.

زمانی که کشور بحرین تحت سلطه بیگانگان بود، حاکمی ناصبی را بر آن گماشته بودند و او وزیری داشت که عداوتش به اهل بیت بیشتر از حاکم بود و با مردم بحرین به خاطر محبتی که به خاندان رسالت علیهم السلام داشتند اظهار عداوت می نمود و دائماً در اندیشه ضرر رساندن به آنها و بلکه هلاکت آنها بود.

روزی وزیر نزد حاکم آمد در حالی که با خود اناری داشت و آن را به حاکم نشان داد و گفت: ببین چگونه به صورت طبیعی بر روی آن نوشته شده «لا اله الا الله، محمد رسول الله و ابوبکر و عمر و عثمان و علی خلفاء رسول الله». حاکم قدری در آن تأمل کرد و هرگز باورش نیامد که ساختگی باشد، لذا به وزیر گفت: این آیتی روشن و دلیلی محکم بر بطلان مذهب تشیع است، نظر تو درباره شیعیان بحرین چیست؟

وزیر گفت: آنها گروهی متعصب هستند و دلیلی را نمی پذیرند، به نظر من شایسته است که آنها را حاضر کنی و این انار را به آنها نشان دهی، اگر

۱- فرازهایی از تجلیات امام عصر علیه السلام، ص ۵۴.

پذیرفتند و به مذهب ما بازگشتند، ثواب بزرگی نصیب شما خواهد شد، ولی اگر نپذیرفتند و حاضر نشدند دست از گمراهی خود بردارند آنها را بین سه چیز مخیر کن: پاسخی قانع کننده بیاورند، یا با خواری و ذلت جزیه دهند<sup>(۱)</sup>، و یا آنها را می‌کشیم و زن و بچه آنها را اسیر می‌کنیم و اموالشان را به غارت می‌بریم.

حاکم رأی او را پسندید و به دنبال علماء و دانشمندان شیعه فرستاد و آنها را نزد خود فرا خواند؛ آنگاه انار را به آنها نشان داد و به آنها گفت: اگر جواب قانع کننده‌ای نیاورید، باید خود را برای قتل و غارت و یا پرداخت جزیه مانند کفار آماده کنید. دانشمندان شیعه سه روز از او مهلت خواستند و از نزد او خارج شدند، در حالی که ترس و وحشت وجود آنها را فرا گرفته بود، آنها پس از تبادل افکار و گفت و گوی فراوان به این نتیجه رسیدند که ده نفر از بهترین پرهیزکاران خود را انتخاب کنند و سپس از میان آن ده نفر، سه نفر را برگزینند، بعد از آنکه سه نفر انتخاب شدند، به یکی از آن سه گفتند: تو امشب به صحرا برو و به امام زمان علیه السلام استغاثه کن، شاید دری به رویت باز شود و از این گرفتاری نجات پیدا کنیم، او آن شب را به عبادت خدا و راز و نیاز با او پرداخت و تا صبح گریه کرد و به امام زمان علیه السلام استغاثه نمود، ولی اثری ندید، شب دوم نفر دوم را برای این کار به صحرا فرستادند، او هم مانند اولی بدون جواب برگشت. شب سوم

۱ - جزیه پولی است که غیر مسلمانها که در پناه حکومت اسلامی به سر می‌برند از جهت استفاده از امکانات شهری و تأمین امنیت به دولت می‌پردازند.

در حالی که ترس و دلهره و اضطراب آنها زیادتر شده بود، نفر سوّم را که نامش محمد بن عیسی بود فرستادند، او با سر و پای برهنه به صحرا رفت و آن شب، شب تاریکی بود، تا توانست گریه کرد، دعا کرد و به درگاه پروردگار التماس نمود و از امام زمان علیه السلام کمک خواست، اواخر شب صدائی به گوشش رسید، گویا کسی او را صدا می زد، محمد بن عیسی چه شده، این چه حالی است، چرا بیابان آمده ای؟ در پاسخ این سؤالات گفت: خواهش می کنم مرا به حال خودم واگذاری، گرفتارم و گرفتاری ام را جز به امام زمانم نخواهم گفت، به او شکوه می کنم که می تواند آن را برطرف کند، فرمود: محمد بن عیسی، من صاحب الأمر، خواسته ات را بگو، گفت: اگر شما امام زمان من هستید، می دانید خواسته من چیست و نیازی به ذکر حاجت نیست. فرمود: آری، مشکل شما قصه انار و آن نوشته روی آن است و تهدیدی که امیر شما را نموده، وقتی شنیدم از جریان ما خبر می دهد، به او روی آوردم و عرض کردم، آری، ای مولای من، تو از گرفتاری ما خبر داری و تو امام ما و پناه ما هستی و می توانی مشکل ما را حل کنی و این گرفتاری را برطرف نمائی.

فرمود: ای محمد بن عیسی، وزیر ملعون در خانه اش درخت اناری است، هنگامی که این درخت، تازه انار برآورده بود، از گِل قالبی به شکل انار ساخت، آن را نصف کرد و در میان آن، این جملات را نوشت، سپس قالب را بر روی آن انار گذاشته و بسته و چون انار رشد کرده، این نوشته ها بر روی آن حک شده است، فردا نزد حاکم می روی و به او می گوئی جواب آورده ام، امّا جواب را در خانه وزیر به تو می گویم، چون به خانه وزیر

رفتید به طرف راست نگاه کن، آنجا اطاقی است، به حاکم بگو: جواب در آن اطاق است، و اجازه ندهید وزیر زودتر از شما برود و بگو: اگر وزیر زودتر برود، جواب نداریم؛ وقتی وارد آن اطاق شدی، در آنجا کیسه سفید رنگی است و آن قالب گلی در آن است، آن را به حاکم نشان بده تا نقشه خائنه او افشا شود، به حاکم بگو: نشانه دیگر این است که در این انار جز دود و خاکستر چیزی نیست و اگر می خواهی یقین کنی و به صحت گفتار ما پی ببری به وزیر دستور بده تا انار را بشکند، وقتی وزیر انار را شکست دود و خاکستر به سر و صورت او و ریش او می نشیند.

محمد بن عیسی از شنیدن سخنان امام و یافتن راه حل بسیار شادمان گردید، دست مبارک حضرت را بوسید و با بشارت و خوشحالی به سوی اهلش بازگشت، صبح به سوی حاکم رفتند و محمد بن عیسی به دستوراتی که امام علیه السلام فرموده بودند عمل کرد و آنچه را خبر داده بودند مشاهده کرد. حاکم با مشاهده این جریان رو کرد به محمد بن عیسی و پرسید: چه کسی به تو خبر داد و پرده از این حيله مزورانه برداشت؟

محمد بن عیسی گفت: امام زمان ما و حجت خداوند بر ما، پرسید امام زمان شما کیست؟ امامان معصوم را به ترتیب تا امام زمان علیه السلام نام برد و معرفی کرد. حاکم به یکتایی خدا و رسالت پیامبر و خلافت بلافصل امیرالمؤمنین علیه السلام گواهی داد و به امامان معصوم اقرار و اعتراف نمود و آنگاه دستور قتل وزیر ملعون را صادر کرد و از مردم بحرین عذر خواهی نمود. (۱)



بخش سوم

تشریفات شیعیان خدمت  
امام عصر علیه السلام

## آیا تشرّف در دوران غیبت ممکن است؟

یکی از مطالبی که زیاد مورد پرسش قرار گرفته، این است که آیا در دوران غیبت می توان حجّت خدا علیه السلام را دید؟

در بحث معنا و مفهوم غیبت عرض کردیم غیبت به معنای ندیدن امام غایب علیه السلام نیست، بلکه به معنای نشناختن او است.

امام صادق علیه السلام در ضمن روایتی فرموده اند: «یرونه ولا یعرفونه» امام عصر علیه السلام را می بینند و نمی شناسند. پس در امکان رؤیت آن حضرت هیچگونه بحثی نیست و در روایت به این مطلب تصریح شده است.

سؤال بعدی این است که آیا دیدن آن حضرت به همراه شناخت او امکان دارد یا نه؟ پاسخ این است که اگر او بخواهد ممکن است، برادران حضرت یوسف او را نمی شناختند ولی هنگامی که خواست او را بشناسند خود را معرفی کرد و آنها او را شناختند.

سؤال دیگر این است که آیا توفیق مبارک امام عصر علیه السلام که فرموده اند:

«وسیاتی الی شیعتی من یدعی المشاهدة، ألا فمن ادعی المشاهدة قبل خروج السفیانی والصیحة فهو کذاب مفتر».<sup>(۱)</sup>  
 «و به زودی بعضی از افراد به سوی شیعیان آمده و ادعای مشاهده خواهند داشت، آگاه باشید کسی که چنین ادعایی پیش از خروج سفیانی و صیحه آسمانی نماید، دروغگو و افترا زننده است».

این توقیع مبارک که ادعای مشاهده را رد می‌کند، همان طور که بزرگان ما مانند علامه مجلسی رحمته الله و مرحوم شیخ حرّ عاملی و دیگران گفته‌اند مشاهده‌ای را رد می‌کند که با ادعای نیابت باشد؛ یعنی کسی که ادعا کند من نایب خاص امام زمانم و می‌توانم مانند نوّاب اربعه حضرت ولی عصر علیه السلام را ببینم، او کذاب است. زیرا این توقیع مبارک در چنین موردی صادر شده است، امام زمان علیه السلام به چهارمین نایب خاص یعنی علی بن محمد سمری در صدر این توقیع دستور می‌دهند که کسی را به عنوان قائم مقام و جانشین خودت معرفی نکن؛ باب نیابت خاصه بسته شد، بعد از این مطلب می‌فرماید: هر کس پیش از خروج سفیانی، ادعای مشاهده کند دروغگو است، روشن است که این مشاهده به همان مشاهده‌ای که در صدر توقیع و در مورد علی بن محمد سمری است اشاره دارد و آن مشاهده با ادعای نیابت خاصه است.

۱- بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۳۶۱، ح ۷ و ج ۵۲، ص ۱۵۱، ح ۱ و در آن «وسیاتی من شیعتی» آمده است.

پس این روایت، مشاهده بدون ادعای نیابت را شامل نمی‌شود و دلیلی بر رد آن نمی‌ماند.

ثانیاً: اگر دیدار آن حضرت ممکن نبود، دستور نمی‌دادند که برای دیدارش دعا کنیم،

ثالثاً: اگر تشریف امری محال بود، راه تشریف را به ما نمی‌آموختند.

امام صادق علیه السلام فرموده‌اند:

«من قرأ بعد كل فريضة هذا الدعاء فإنه يرى الامام م ح م د بن

الحسن عليه وعلى آبائه السلام في اليقظة أو في المنام:

بسم الله الرحمن الرحيم، اللهم بلغ مولانا...»<sup>(۱)</sup>

«هر کس بعد از هر فريضه این دعا را بخواند، حضرت حجة ابن

الحسن علیه السلام را در خواب یا بیداری ملاقات نماید.

و دعا این است: بسم الله الرحمن الرحيم، اللهم بلغ مولانا...».

و نیز روایت شده است هر کسی این دعا را بعد از هر فريضه بخواند،

عمر او طولانی شود و به لقاء حضرت صاحب الامر تشرّف پیدا کند و دعا

این است:

«اللهم صلّ على محمد وآل محمد، اللهم انّ رسولك الصادق

المصدق»<sup>(۲)</sup>

۱- بحار الأنوار، ج ۸۶ ص ۶۱، ح ۶۹، مکیال المکارم، ج ۲، ص ۸، ح ۱۰۴۴.

۲- بحار، ج ۸۶ ص ۷، ح ۷، مکیال المکارم، ج ۲، ص ۱۰، ح ۱۰۴۵.

مرحوم صاحب مکیال فرموده‌اند: من بر خواندن این دعای شریف از ابتدای تکلیف

رابعاً: بهترین دلیل و روشن ترین دلیل برای امکان چیزی، وقوع آن است. از ابتدای غیبت تا کنون، بسیاری کسانی که به این فیض بزرگ نائل آمده اند و شرح دیدار آنان در کتب مربوطه ثبت گردیده و به ما رسیده است.

برخی از بزرگان کتابهایی را در این زمینه تألیف نموده اند، مانند کتاب تبصرة الولي فيمن رأى المهدي تأليف علامه سيد هاشم بحراني رحمته الله و كتاب جنّة المأوى تأليف علامه حاج ميرزا حسين نوري.

این قضایا در حد تواتر است و هرگز قابل انکار نمی باشد.

خامساً: باید گفت ارتباط داشتن با امام عصر عليه السلام در دوران غیبت آن حضرت، یکی از تکالیف و وظائف ما است.

در تفسیر این آیه شریفه

﴿ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا ﴾

«ای کسانی که ایمان آورده اید، شکیبا باشید و یکدیگر را به

شکیبائی و پایداری سفارش کنید و رابطه داشته باشید».

شیخ مفید رحمته الله از امیرالمؤمنین عليه السلام روایت کرده است که فرمودند: در

مصیبت ها و حوادث ناگوار، صبر و شکیبائی پیشه کنید و یکدیگر را به

پایداری و استقامت در دین سفارش کنید و با امام زمان خود رابطه داشته

➤ مواظبت می نمودم و بر اثر آن، فیض ملاقات آن حضرت در خواب برایم حاصل

شد و برکات فراوانی از این طریق نصیبم گردید. برای اطلاع از کیفیت این ملاقات

به مکالمات المکارم، ج ۱، ص ۴۵۸، مراجعه نمایید.

باشید.<sup>(۱)</sup>

ارتباط، مراتبی دارد که عبارتند از:

۱- ارتباط قلبی که قلب و روح منتظر، توجه به امام زمان علیه السلام داشته باشد و حضور او در اندیشه اش باشد.

۲- ارتباط دیداری که منتظر در این مرحله موفق به دیدار مولایش شود.

۳- ارتباطی که به پیوستن و وصال او منتهی شود.

در اینجا ممکن است این سؤال مطرح شود که چه چیزی باعث تقویت ارتباط منتظر با امام زمانش می شود.

پاسخ این مطلب را خود آن حضرت در فرازی از توقیع مبارکش به شیخ مفید فرموده است:

«فلیعمل کلّ امری منکم بما یقرب به من محبتنا ویتجنب ما یدینه من کراهتنا وسخطنا»

«هر یک از شما باید عمل کند به آنچه باعث می شود به محبت ما نزدیک شود، و دوری کند از آنچه باعث می شود به خشم و غضب و اکراه ما نزدیک گردد».

برای اینکه انسان بتواند با پاکترین و مقدس ترین شخص عالم وجود ارتباط داشته باشد، باید قلب و روح خود را تطهیر نماید و خود را به صفت تقوا متّصف سازد. کسی می تواند از آن منبع نور بهره مند گردد که تقوا، پیشه خود نموده باشد و قلب خود را به نور تقوا منور ساخته باشد، او

۱- اختصاص، ص ۱۴۲، معانی الاخبار، ص ۳۶۹، ح ۱.

کتاب الله ناطق است، همان طور که بهره‌مند شدن از کتاب الله صامت  
لازمه‌اش داشتن تقوا است، فیض بردن از کتاب الله ناطق هم نیاز به تقوا  
دارد.

ابتدای سوره بقره می‌فرماید:

﴿ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ﴾

«این کتاب هدایتگر مردم با تقوا است».

با آنکه قرآن کتاب هدایت است و برای هدایت همه انسان‌ها نازل  
گشته است، ولی همه چنین قابلیتی ندارند؛ اهل تقوا هستند که خود را  
شایسته برخوردار شدن از نور قرآن و هدایت او نموده‌اند، زمینه هدایت را  
در خود ایجاد کرده‌اند. آنها به خاطر داشتن تقوا آماده پذیرش کلام حق  
تعالی هستند، گوش شنوا و قلبی فرمانبردار پیدا کرده‌اند و قرآن صامت و  
ناطق آنها را به راحتی هدایت می‌کند.

رسیدن به مقام تشریف، اصلاح نفس و طهارت قلب و روح لازم دارد،  
دل که پاک شد، محل تابش انوار الهی می‌گردد.

جمال پاک محبوب در آن جلوه‌گر می‌شود. آینه دل را باید صیقلی  
نمود تا عکس رخ یار در آن منعکس گردد.

حاج میرزا حسن حکیم باشی نقل می‌کند: عازم تشریف به ارض اقدس  
یعنی مشهد مقدس شدم، و برای وداع، خدمت حجة الاسلام حاج ملا  
محمد علی، معروف به حاجی اشرفی رسیدم، ایشان عریضه‌ای به من داد  
و فرمود: در بازگشت جوابش را از حضرت رضا علیه السلام گرفته و برایم بیاور.

در آخرین زیارتی که به حرم مبارک ثامن الائمه علیه السلام شرفیاب شدم، پرده از مقابل چشم کنار رفت، در قسمت بالای سر در حالت مکاشفه بزرگواری را در نهایت عظمت و جلالت مشاهده کردم، به من فرمود: سلام مرا به حاجی اشرفی برسان و بگو:

آئینه شو جمال پری طلعتان طلب

جاروب کن خانه و پس میهمان طلب

می گوید: در بازگشت وقتی به درب خانه حاجی رسیدم، پیش از آنکه مرا ببیند، از میان خانه فریاد زد: حاج میرزا حسن قبول باشد، آری:

آئینه شو جمال پری طلعتان طلب

جاروب کن خانه و پس میهمان طلب

می خواهیم کسی را در خانه دل میهمان کنیم که پاک است و پاکی را دوست دارد و خودش امر به پاکی و طهارت نموده است. چگونه ممکن است ولی خدا که به تمام معنی پاک و طاهر است، در قلب ناپاک منزل کند؟!

دل را باید از آلودگی ها تطهیر نمود، باید از پلیدی ها شستشو داد، باید از آنچه با محبت محبوب سازش ندارد خالی کرد.

باید اغیار را از حریم دل بیرون نمود، باید حجاب ها و موانع را کنار زد، باید پنجره های دل را تنها به سوی محبوب گشود و از نفوذ بیگانگان جلوگیری کرد. باید ظلمتها را از صفحه دل زدود و زمینه را برای ورود نور و روشنائی و رحمت فراهم نمود.



قلب، نقش عمده‌ای در وجود انسان دارد، قلب سلطان بدن است و در وجود انسان جنبه فرمانروائی دارد.

رسول خدا ﷺ فرموده‌اند:

«اذا طاب قلب المرء طاب جسده واذا خبث قلب المرء خبث

جسده»

«اعضاء و جوارح تابع فرمان قلب‌اند، هنگامی که قلب و روح آدمی پاک باشد، کردار او که از اعضاء و جوارحش صادر می‌گردد پاک، و وقتی روح و روان آدمی آلوده باشد، کردار و رفتارش که از اعضاء و جوارح او صادر می‌گردد ناپاک است».

کردار ناپاک و رفتار نادرست و اعمال ناشایسته باعث محرومیت انسان از فیض پروردگار و سلب توفیق از انسان می‌شود. اعمال ناشایسته، ارتباط و اتصال روحی ما را با امام زمانمان ضعیف و چه بسا قطع می‌کند و سبب دوری ما از آن وجود مقدس می‌گردد.

پسر مهزیار پس از توسلات بسیار در یکی از سفرهایش که در جستجوی آن امام عزیز به مکه مشرف می‌شود، شبی در مسجد الحرام مقابل درب کعبه، شخص با عظمتی را می‌بیند، از پسر مهزیار می‌پرسد:

«ما الذي تريد؟» «چه کسی را می‌جویی؟»

می‌گوید: «الامام المحجوب عن العالم»، امامی که محجوب و پنهان از عالم است، آن بزرگوار می‌فرماید:

«وما هو محجوب عنكم ولكن حجه سوء اعمالكم».

است»<sup>(۱)</sup>.

پسر مهزیار عرض کرد: التوبة، التوبة.

در توقیع مبارک آن حضرت به شیخ مفید رحمته الله به این مطلب اشاره شده است، امام زمان علیه السلام در ضمن مطالب ارزشمند خویش فرموده‌اند:

«فما يحبسنا عنهم إلا ما يتصل بنا مما نكرهه ولا نؤثره منهم»  
«چیزی ما را از شیعیان محبوس نساخته، جز آنچه از کارهای ناپسند آنان به ما می‌رسد که خلاف توقع ما است».

گفتم که روی ماهت از ما چرانهان است

گفتا تو خود حجابی ورنه رخم عیان است

باید این حجاب را کنار زد. حجاب گاهی عدم معرفت است، گاهی نداشتن یقین و باور است، گاهی عدم انقطاع است. یعنی کارد به استخوانش نرسیده و هنوز از دیگران نبریده و علاقه‌ها و علقه‌هایش کاملاً قطع نگردیده. گاهی عدم اصلاح نفس است، رذائل اخلاقی همانند غل و زنجیر دست و پای او را بسته و بال و پرش را شکسته و اجازه پرواز به سوی دیار محبوب به او نمی‌دهد. گاهی خالص نشدن محبت است، هنوز نتوانسته محبت‌های غیر را از دل بیرون کند، حب دنیا و یا شاخ و برگ‌های آن مانع او گشته است.

آنها که توانسته‌اند این حجابهای ظلمانی را کنار بزنند، راه به سوی معدن نور برده‌اند و توفیق تشریف به محضر نورانی آن نور الهی در

۱- دلایل الامامة، ص ۵۴۱، تبصرة الولي، قصه چهل و ششم.

ظلمت‌های زمین را پیدا کرده‌اند. نقل این تشرفات که بزرگان ما به آن مبادرت ورزیده‌اند، بسیار جنبه سازندگی دارد و اثر تربیتی مهمی را می‌تواند داشته باشد. این حکایات حاوی الطاف و عنایات حضرت بقیه الله اعظم و بیانگر لطف و محبت آن امام مهر و مهربانی نسبت به دوستان و شیعیانش می‌باشد. باعث ازدیاد مهر و محبت ما و ایجاد شوق و اشتیاق و شور و نشاط در قلب و روح ما می‌گردد. این قضایا این مطلب را اثبات می‌کند که چگونه امام زمان  $\text{علیه السلام}$  همواره به یاد دوستانش می‌باشد و آنها را از یاد نبرده است. گفتن و شنیدن و نقل این تشرفات به امید ما و امیدواری ما می‌افزاید. عقیده ما را نسبت به وجود مقدس امام عصر  $\text{علیه السلام}$  محکم‌تر می‌نماید. این تشرفات به انسان راز و رمز تشریف را می‌آموزد. نکات مهم و اسراری که باعث گشایش این باب فیض و رحمت می‌شود یادآوری می‌کند، و کمترین فایده‌اش این است که یاد آن حضرت را در دل زنده نگه می‌دارد. و یاد آن حجت خدا منشأ خیرات و برکات و یکی از بهترین عبادت‌های ما است.

و اینک ما از میان تشرفات بسیار زیادی که نقل شده، چند تشریف را که حاوی نکته‌ها و درس‌های آموزنده بیشتری است در اینجا نقل می‌کنیم.

### تشرّف حاج علی بغدادی

می‌گوید: مقداری از اموال امام  $\text{علیه السلام}$  در ذمه‌ام بود، تصمیم گرفتم آن را

به علماء اعلام در نجف پردازم، در ضمن مقداری طلب از تجار آنجا دارم آنها را نیز وصول کنم، ابتدا به زیارت امیرالمؤمنین علیه السلام شرفیاب شدم، سپس نزد بدهکارها رفتم و طلب خود را به قدری که توانستم از آنها دریافت نمودم، و آن را به چند نفر از علماء پرداخت نمودم، ولی ذمه من کاملاً فارغ نشد و مقدار بیست تومان در ذمه ام باقی ماند و تصمیم گرفتم آن را به یکی از علمای کاظمین پردازم.

به بغداد که مراجعت کردم، دوست داشتم هر چه زودتر بدهی خود را نسبت به آن مقدار باقی مانده پردازم، ولی پول نقد چیزی نداشتم. روز پنج شنبه بود به زیارت امامین همامین حضرت موسی بن جعفر و جواد الائمه علیهم السلام مشرف شدم و پس از زیارت، خدمت مجتهد آن دیار - آیه الله آل یس - رفتم و به او گفتم که مقداری از سهم مبارک امام علیه السلام در ذمه من باقی مانده است و اجازه خواستم که به من حواله کند تا تدریجاً پردازم، ساعت‌های پایانی روز بود که به طرف بغداد پیاده حرکت کردم، چون قدرت پرداخت کرایه چهار پا را نداشتم، نیمی از راه را طی کرده بودم، سید جلیل با عظمت و ابهتی را دیدم که به طرف کاظمین می‌رفت، به او سلام کردم، جواب مرحمت فرمود، به من گفت: فلانی - واسم مرا برد - چرا امشب را در کاظمین نمانده‌ای؟

عرض کردم: سرور من، کار مهمی دارم و مرا باز داشت از اینکه بمانم، فرمود: به همراه من بازگرد و امشب را در آنجا بیتوته کن، فردا ان شاء الله برای کار مهمی که داری می‌روی.

کلام او بر دلم نشست و به همراهش برگشتم، از کنار نهر جاری و زیر درختان سبز و خرم در حالی که شاخه‌های آنها بر سر ما فرود آمده و هوای لطیفی فضا را پر کرده بود عبور می‌کردیم و مرا غفلت گرفته بود از اینکه درباره اینها فکر کنم.

به فکرم خطور کرد که این سید مرا به اسم صدا زد با اینکه مرا نمی‌شناخت، پیش خودم توجیه کردم که او مرا می‌شناسد و من فراموش کرده‌ام، باز به ذهنم خطور کرد که این سید ممکن است حق سادات از من می‌خواهد، به او عرض کردم: از حق شما در ذمه من مقداری مانده است، ولی در مورد آن به جناب شیخ فلانی مراجعه کردم و اجازه گرفتم که آن را ادا کنم، تبسمی در چهره من کرد و فرمود: آری، بعضی از حق ما را به وکلای ما در نجف رساندی. بر زبانم جاری شد که آیا آنچه پرداخت کرده‌ام مورد قبول است؟ فرمود: آری، لحظه‌ای در این اندیشه فرو رفتم که این سید کیست که به علمای بزرگ نجف می‌گوید «وکلای ما» و آن در نظرم بزرگ آمد. به خودم جواب دادم که درست است، علماء وکیل اند در گرفتن حقوق سادات، و باز مرا غفلت عارض شد.

سپس سؤال دیگری را مطرح کردم و پرسیدم: سرور من، روضه خوان‌های امام حسین علیه السلام حدیثی را می‌خوانند و مضمونش این است که شخصی در عالم خواب هودجی را میان زمین و آسمان می‌بیند، از ساکنان آن سؤال می‌کند، به او گفته می‌شود در میان این هودج حضرت فاطمه زهرا علیها السلام و حضرت خدیجه کبری علیها السلام تشریف دارند.

سؤال می‌کند: کجا می‌روند؟

به او گفته می‌شود: امشب شب جمعه است و آنها به زیارت امام حسین علیه السلام می‌روند، در همین اثنا می‌بیند رقعۀ هائی از میان آن هودج ریخته می‌شود که بر روی آن نوشته شده است:

«أمان من النار لزوار الحسين عليه السلام في ليلة الجمعة»

«امان است از آتش برای زائران امام حسین علیه السلام در شب جمعه».

آیا این حدیث صحیح است؟

فرمود: آری زیارت امام حسین علیه السلام در شب جمعه، آدمی را از آتش در فردای قیامت ایمنی می‌بخشد.

به همراه او رفتم تا وارد صحن شریف شدیم و سپس از در معروف به «باب المراد» وارد روضه مقدسه گردیدیم، بر در رواق نایستاد و چیزی نخواند، و داخل شد، کنار در روضه منوره از طرف پائین پای مبارک حضرت موسی بن جعفر علیه السلام ایستاد و من در کنار او ایستادم و عرض کردم:

سرور من، بخوان تا همراه شما بخوانم، شروع کرد به خواندن زیارت و فرمود:

السلام عليك يا رسول الله، السلام عليك يا امير المؤمنين، و ادامه داد تا به امام عسکری علیه السلام رسید، سپس رو به من کرد و با تبسم فرمود: تو وقتی به اینجا برسی، یعنی سلام بر امام عسکری علیه السلام را بگوئی، پس از آن چه می‌گوئی؟ عرض کردم: می‌گویم السلام عليك يا حجة الله، یا صاحب

الزمان، آنگاه وارد روضه منوره شد و در کنار قبر نورانی حضرت موسی بن جعفر علیه السلام قرار گرفت، من نیز در کنار او ایستادم و عرض کردم: سرور من زیارت بخوانید تا من به همراه شما بخوانم، شروع کرد به خواندن زیارت و زیارت امین الله را که از زیارت‌های جامعه است خواند و من در پی او خواندم، حضرت جواد الائمه علیه السلام را زیارت کرد و سپس وارد قبه دوم قبه حضرت محمد بن علی علیه السلام شد و به نماز ایستاد، من نیز به جهت احترام ایشان مقداری پائین تر ایستادم و نماز زیارت را شروع کردم، در اثناء نماز به این فکر افتادم که از این آقا سؤال کنم آیا شب را در اینجا می ماند و به من افتخار خدمت گزاری و پذیرائی می دهد یا نه؟ نگاهی به طرف او کردم، ولی او را ندیدم.

نماز را مختصر کردم و به دنبال او به راه افتادم، به یکایک نماز گزاران و زوار نگاه کردم که شاید او را پیدا کنم، به تمام گوشه و کنارها سر زدم و جایی در روضه منوره و رواق‌ها نبود، مگر آنکه جستجو کردم، ولی اثری از او نیافتم. تازه به خود آمدم و گویا از خواب بیدار شدم و خود را مخاطب قرار دادم که این سید که بود که مرا به اسم صدا زد با اینکه او را نمی شناختم، که بود که به من خبر داد و فرمود: بعضی از حق ما را به وکلای ما در نجف اشرف پرداختی، او که بود که من به همراهش در کنار نهر جاری و زیر درختان سبز و خرم راه را پیمودم با آنکه در راه بغداد چنین درختانی و نهر آبی هرگز نبوده است و نشانه‌های دیگری گفت که از همه مهم تر و آنچه باعث یقین من شد که او حضرت مهدی علیه السلام بود، این

بود که وقتی بر اهل بیت اطهار علیهم السلام تا امام عسکری سلام عرض کردیم رو کرد به من و فرمود: تو اگر در خواندن به اینجا برسی چه می گوئی؟ عرض کردم: می گویم: السلام عليك يا حجة الله يا صاحب الزمان، تبسمی کرد و در روضه مقدسه وارد شد و آنگاه به صورت ناگهانی ناپدید شد.<sup>(۱)</sup> در این تشریف، نکات آموزنده فراوانی به چشم می خورد؛ ولی نکته ای که درخشش بیشتری دارد، توجه و التزام و دقت حاج علی بغدادی در پرداخت حقوق مالی بوده است.

و این درس مهمی به ما می آموزد که توجه بیشتری در این زمینه داشته باشیم، مبادا در پرداخت حق واجب آن حضرت که در ذمه ما است کوتاهی نمائیم. مبادا مالی را که باید از اموالمان خارج کنیم و به اهلش برسانیم خارج نکنیم و با این عمل خود را مبتلا به خوردن حرام سازیم و در واقع شکم خود را از آتش پر کنیم. امام زمان علیه السلام در جواب مسائل اسدی در ضمن توقیع شریف خود فرموده اند:

«ومن أكل من أموالنا شيئاً فأنما يأكل في بطنه ناراً وسيصلی سعيراً»<sup>(۲)</sup>

«هر که چیزی از اموال ما را بخورد، همانا شکم خود را پر از آتش نموده و به زودی گرفتار شعله های سوزان آتش خواهد شد».

پرداخت خمس از وظایف شرعی و تکالیف الهی است که قرآن کریم در سوره انفال آیه ۴۱ آن را بیان فرموده است.

۱- بحار، ج ۵۳، ص ۳۱، حکایت ۵۹. ۲- بحار، ج ۵۳، ص ۱۸۲.



تصرف در مالی که خمس به آن تعلق گرفته، قبل از پرداخت خمس آن جایز نیست.

گروهی از مردم خراسان خدمت حضرت رضا علیه السلام رسیدند و از آن حضرت خواستند که آنان را از پرداخت خمس معاف نمایند، حضرت فرمودند:

«لا نجعل، لا نجعل، لا نجعل لأحد منكم في حل»<sup>(۱)</sup>

«برای هیچ یک از شما آن را حلال نمی‌کنیم».

سید بن طاووس بزرگواری که تشرفات فراوانی نصیب او گردیده، در کتاب اقبال در باب آداب روزه داری در ماه رمضان در ذیل این مطلب که روزه دار باید آنچه می‌خورد مخصوصاً در هنگام افطار حلال باشد فرموده است:

«رسم همیشگی من چنین است که هر گاه مالی برایم فراهم شود، خمس آن یعنی یک پنجم آن، و زکات آن یعنی یک دهم آن را خارج می‌کنم که اگر در آن مال، خمس یا زکاتی تعلق گرفته و پرداخت نشده، پرداخته باشم و آن مال از نظر باطنی هم پاک شود، و در صورتی که چیزی به آن تعلق نگرفته، انفاق مستحب باشد».<sup>(۲)</sup>

۲- دوران با شکوه ظهور، ص ۱۰۰.

۱- وسائل الشیعه، ج ۶، ص ۳۷.

### تشرّف شیخ حسن کاظمینی

از برنامه‌های او این بود که روز جمعه‌اش اختصاص به امام زمان علیه السلام داشت، به حالت انتظار و آماده باش غسل می‌کرد، لباس احرام می‌پوشید، شمشیر حمایل می‌کرد، خرید و فروش نمی‌کرد، و در همان محلّ کارش مشغول ذکر بود.

می‌گوید: روز جمعه‌ای نشسته بودم و ذکر می‌گفتم که از دور سه نفر از سادات عظیم الشان را دیدم که به سوی ما می‌آمدند چهره نورانی و جذّاب آنها تمام توجه مرا به آنها جلب نمود، در دل آرزو می‌کردم که کاش به مغازه من سری بزنند، آمدند تا به درب دکان من رسیدند، به آنها سلام کردم و آنها به من جواب مرحمت نمودند، فرمودند: فلان چیز داری - اسم دوائی را بردند - با اینکه روزهای جمعه خرید و فروش نمی‌کردم ولی فوراً گفتم: آری، دارم. فرمودند: بیاور. عرض کردم: چشم. جنسی که خواسته بودند عقب دکان بود، رفتم که بیاورم، و وقتی برگشتم دیدم کسی نیست، ولی عصائی که در دست یکی از آنان بود بر روی میز جلو دکان من نهاده شده و با خود نبرده‌اند، آن را بوسیدم و عقب دکان گذاشتم، آنگاه بیرون آمدم و از کسانی که در اطراف بودند سؤال کردم این سه نفر سید را که اینجا بودند ندیدید کجا رفتند؟ آنها اظهار بی‌اطلاعی نمودند و گفتند ما کسی را ندیدیم، برگشتم و در جای خود مهموم و محزون نشستم و تأسف می‌خوردم بر اینکه آنان را نشناختم. در همین اثناء مریضی را دیدم که

گویا او را برای شفا گرفتن به حرم حضرت موسی بن جعفر  $\text{علیه السلام}$  می بردند، من آنها را صدا زدم و گفتم مریض خود را اینجا بیاورید تا شفای او را برایتان بگیرم، مریض را آوردند و روی تختی که آنجا بود خواباندند، من دو رکعت نماز خواندم و آنگاه عصا را برداشتم و با اعتقاد و یقین آن را به روی بدن مریض کشیدم، مریض از جا برخاست و با پای خود به راه افتاد نگاه کردم دیدم آنها پولی برای من گذاشته اند، آن را برداشتم و دنبال آنها رفتم که برگردانم، وقتی برگشتم دیدم عصا نیست به شدت ناراحت شدم و از دکان بیرون آمدم...

بیست و چهار اشرفی جمع کرده بودم، آنها را برداشتم و به منزل آمدم، به اهل و عیالم گفتم که من عازم مشهد مقدس هستم، هر که مایل است به همراه من بیاید، به عتبه بوسی حضرت رضا  $\text{علیه السلام}$  مشرف شدیم و مقداری از آن اشرفی ها را سرمایه کردم و در سکوئی کنار صحن مقدس به مهر و تسبیح فروشی پرداختم. او به سادات شدیداً اظهار محبت می نمود و سراغ محبوب خود امام زمان  $\text{علیه السلام}$  را از آنها می گرفت.

می گوید: روزی وارد حرم مطهر شدم، سیدی را دیدم که در کنار ضریح ایستاده و بسیار گریه می کند، دست به شانهاش زدم و گفتم: چرا این قدر گریه می کنی؟ گفت: گریه ام برای این است که چیزی برای خرجی حتی یک درهم در جیب خود ندارم، به او گفتم: حاضری یک معامله ای با من انجام دهی؟ گفت: من می گویم حتی یک درهم ندارم، تو این جور

می گوئی، چه معامله ای؟

گفت: من عقیده دارم که شما که سید هستی، خانه ای در بهشت داری، حاضری آن را به من بفروشی؟ گفت: من که برای خود خانه ای سراغ ندارم، تو اگر چنین عقیده ای، داری می فروشم.

کاغذی پیدا کرد و بر آن نوشت: در حضور شاهد عادل حضرت رضاعلی<sup>علیه السلام</sup> خانه ای را که این شخص عقیده دارد من در بهشت دارم به مبلغ چهل و یک اشرفی به او فروختم، به سید گفتم: بگو: بعث، گفت، من هم گفتم: اشتریت، و پول را به او دادم.

- این پولی بود که من جمع کرده بودم تا برای خانواده خود یک خانه بخرم - ورقه را از سید گرفتم و به خانه برگشتم.

دخترم از من سراغ خانه را گرفت و سؤال کرد، پدر جان چه کردی؟ گفتم: خانه ای خریدم که نهرها در آن جاری و درختانش سبز و خرم و پر از انواع میوه ها است، خوشحال شدند و گفتند: ما را ببر تا خانه را ببینیم، گفتم: خواهید آمد و خواهید دید، یک طرف این خانه به خانه خاتم الأنبیاء، یک طرفش به خانه امیرالمؤمنین<sup>علیه السلام</sup>، یک طرفش به خانه امام حسن<sup>علیه السلام</sup> و طرف دیگرش به خانه امام حسین<sup>علیه السلام</sup> متصل و مربوط است، تازه فهمیدند که من چه کرده ام.

مدتی از این ماجرا گذشت، روزی روی سکو در کنار صحن نشسته بودم، دیدم یک آقای موقری تشریف آوردند، به ایشان سلام کردم و به من

جواب دادند و به اسم صدا زدند و فرمودند: شیخ حسن، مولای تو امام زمان  $\text{علیه السلام}$  می فرمایند به امام زمان چه کار داری و از او چه می خواهی که این قدر سراغ او را از سادات می گیری، دامنش را گرفتم و گفتم:

قربان شما شوم! آیا شما خودتان امام زمان هستید؟ فرمودند: نه، من فرستاده ایشان می باشم، آنگاه دست مرا گرفته به گوشه صحن بردند و برای اطمینان بیشتر به من چند علامت و نشانه فرمودند که هیچ کس از آنها اطلاع نداشت، سپس فرمودند: حالا خواسته های خودت را بگو، عرض کردم: من چند تا سؤال و درخواست بیشتر ندارم،

سؤال اوّل این است که آیا با ایمان از دنیا خواهم رفت یا نه؟

دوّم اینکه آیا از یاوران امام عصر  $\text{علیه السلام}$  هستم یا نه؟ معامله ای که با آن سید انجام داده ام درست است یا نه؟ و دوست دارم بدانم که چه وقت از دنیا می روم؟ خواسته هایم را که عرض کردم، خدا حافظی نمود و رفت، چند روزی از این قصه گذشت، روزی هنگام عصر چشمم به جمال ایشان روشن شد، فرمود: سلام تو را به مولایت رساندم، ایشان به تو سلام رساندند و فرمودند: با ایمان از دنیا خواهی رفت و از یاوران ما نیز هستی و معامله ای که با آن سید کرده ای در نهایت صحت است، امّا وقت مرگ تو نشانه اش این است که در میان هفته در عالم خواب خواهی دید دو ورقه از عالم بالا به سوی تو نازل می شود، بر روی یکی نوشته شده است: «لا اله الا الله محمد رسول الله» در ورقه دیگر نوشته شده است: «علي ولي الله حقاً»

حقاً، روز جمعه همان هفته هنگام طلوع فجر از دنیا خواهی رفت. نقل کننده داستان «سید تقی» گفت: روزی شیخ حسن را دیدم که از حرم حضرت رضا علیه السلام بیرون آمده و به طرف منزل می رفت و خیلی خوشحال بود، به او گفتم: امروز شما را خیلی خوشحال می بینم! گفت: من همین هفته را بیشتر مهمان شما نیستم، هر گونه می خواهید مهمان نوازی کنید، آن هفته شبها بیدار بود و روزها روزه می گرفت و پیوسته در حرم و یا در منزل به خواندن دعا و راز و نیاز با خدا مشغول بود. شب جمعه وقتی از حرم به خانه مراجعت نمود، به من فرمود: تمام خانواده و بچه ها را جمع کن، من همه را حاضر نمودم، کمی با آنها صحبت کرد و از آنها خواست که مرا حلال کنید و گفت: وقت جدائی نزدیک شده و آخرین شبی است که در کنار شما و با شما هستم، دیگر مرا نخواهید دید، آنگاه همه را مرخص نمود و فرمود: همه شما را به خدا می سپارم، بچه ها که بیرون رفتند، به من فرمود: آقای سید تقی، شما امشب مرا تنها نگذارید، قدری استراحت کنید ولی زود برخیزید.

سید تقی می گوید: من خوابم نبرد و مراقب حال شیخ حسن بودم و می دیدم که حال خوشی دارد و پیوسته دعا می خواند از جا برخاستم و به ایشان گفتم: شما خسته اید، قدری استراحت کنید، تبسمی به من کرد و فرمود: وقت استراحتم نزدیک شده است، اگر چه وصیت کرده ام، باز هم وصیت می کنم.

«أشهد أن لا اله الا الله وأشهد أن محمداً رسول الله صلى الله عليه وآله وأشهد

أَنْ عَلِيًّا وَأَوْلَادَهُ الْمَعْصُومِينَ حَبِجَ اللَّهِ»

«مرگ حق است، سؤال نکیر و منکر حق است، وَأَنَّ اللَّهَ يَبْعَثُ مِنْ فِي الْقُبُورِ، عقیده دارم که معاد حق است، و صراط و میزان حق است». و اما بعد، قرض ندارم، حتی یک درهم، یک رکعت از نمازهای واجب من در هیچ حالی قضا نشده، یک روز روزهام را قضا نکرده‌ام، یک درهم مظالم عباد به گردن من نیست، و برای شما چیزی باقی نگذاشته‌ام مگر دو لیره که در جیب جلیقه من است، آن هم برای غسل و حق دفن من و مختصر مجلس ترحیمی که خواهید گرفت، همه شما را به خدا می‌سپارم، و السلام. از حالا به بعد دیگر با من صحبت نکنید، آنچه در کفن من است با من دفن کنید، ورقه‌ای را که از سید گرفته‌ام، در کفن من بگذارید، والسلام علی من اتبع الهدی»

پس به اذکار خود مشغول شد و به عادت هر شب، نماز شب را خواند، بعد از انجام نافله روی سجاده نشست و گویا در انتظار مرگ بود، یک مرتبه دیدم از جا برخاست و در نهایت خضوع و خشوع کسی را تعارف کرد، شمردم سیزده مرتبه بلند شد و با نهایت ادب تعارف کرد و خوش آمد گفت، یک مرتبه دیدم مانند مرغی که بال بزند خود را به طرف در اتاق پرتاب کرد و از دل فریاد زد: یا مولای یا صاحب الزمان، و صورت خود را برای چند دقیقه بر آستان در گذاشت، من بلند شدم و زیر بغل او را گرفتم، در حالی که او گریه می‌کرد، به او گفتم: شما را چه می‌شود؟ این چه حالی

است که شما دارید؟ گفت: «اسکت» ساکت باش، و به عربی فرمود:  
 چهارده نور مبارک علیه السلام همگی اینجا تشریف دارند، من با خودم  
 گفتم: از بس عاشق چهارده معصوم علیه السلام است این گونه به نظرش می آید،  
 و فکر نمی کردم که این حال سکرات است و آن بزرگواران واقعاً تشریف  
 دارند، چون حالش خوب بود و هیچ گونه درد و مرضی نداشت و هر چه  
 می گفت صحیح بود. فاصله ای نشد که دیدم تبسمی نمود و از جا حرکت  
 کرد و سه مرتبه گفت: خوش آمدید، ای قابض الأرواح! و آنگاه دستهای  
 خود را بر سینه گذاشت و صورت خود را در اطراف حجره گردانید و  
 عرض کرد: السلام عليك يا رسول الله اجازه می فرمائید؟ بعد عرض کرد:  
 السلام عليك يا أمير المؤمنين اجازه می فرمائید؟ و همین طور به تمام  
 چهارده نور مطهر سلام عرض کرد و اجازه طلبید و عرض کرد: دستم به  
 دامنانتان، آن وقت روبه قبله خوابید و سه مرتبه عرض کرد: یا الله، به این  
 چهارده نور مقدس، بعد ملافه را روی صورت خود کشید و دستها را به  
 پهلویش گذاشت، چون ملافه را کنار زدم، دیدم از دنیا رفته است.<sup>(۱)</sup>

این تشریف، حاوی نکات بسیار مهمی است و درس های فراوانی از آن  
 می توان آموخت، در سؤالات این دلباخته امام عصر علیه السلام دقت کنید،  
 دغدغه های او چه بود، او از چه چیزی هراس داشت؟ او دغدغه اش این

۱- عنایات حضرت مهدی علیه السلام به علماء و طلاب، ص ۳۵۳، حضور در دولت کریمه،  
 ص ۱۶۱.



بود که آیا با ایمان از دنیا خواهم رفت یا نه؟ حفظ دین و ایمان در دوران غیبت، امری بسیار مهم و دشوار است. برای این منظور باید انسان مطالعه کند و بفهمد چه چیزهایی باعث حفظ دین و ایمان و چه چیزهایی باعث سلب دین و ایمان می شود. باید بداند که بعضی از ایمان ها عاریه است و گرفته می شود و پس از یک عمر دم زدن از ایمان سرانجام بی ایمان از دنیا می رود.

در وصیت های این منتظر امام عصر  $\text{علیه السلام}$  دقت کنید، گفته است: یک درهم مظالم عباد بر گردن من نیست. یعنی حق کسی از بندگان خدا را ضایع نکرده ام و کسی به اندازه حتی یک درهم بر گردن من حقی ندارد، آیا من هم می توانم چنین ادعائی داشته باشم؟ گفته است: یک رکعت از نمازهای واجب من در هیچ حالی قضا نشده، این حاکی از اهمیت فراوانی است که به مسأله نماز می داده است، من هم چنین اهمیتی به نماز می دهم؟ نتیجه این حیات طیبه و زندگی خداپسندانه، صحنه بسیار ارزنده ای است که در هنگام احتضار مشاهده کرده است، چهارده نور مقدس در کنار بستر او آمده بودند، و آیا از این بهتر تصور می شود؟ عاش سعیداً و مات سعیداً.

### تشرّف علامه بحر العلوم

علامه بحر العلوم از شخصیت های برجسته شیعه و از مفاخر تشیع است، او کسی است که تشرّف او به حضور حضرت ولی عصر  $\text{علیه السلام}$  به

تواتر رسیده و تشرفات فراوانی از او نقل کرده‌اند.

روز عاشورائی با عده‌ای از طلاب از کربلا به استقبال دسته سینه زنی طویریج می‌روند، ناگهان طلاب می‌بینند مرحوم سید بحر العلوم با آن عظمت و مقام شامخ علمی، مانند سائر سینه زنها به سینه می‌زند.

طلابی که با معظم له به استقبال آمده بودند، هر چه تلاش می‌کنند که مانع از آن همه احساسات پاک بشوند میسر نمی‌گردد، بالاخره عده‌ای از طلاب برای حفظ سید اطراف ایشان را می‌گیرند که مبادا زیر دست و پا بیفتد، بعد از تمام شدن برنامه سینه زنی بعضی از خواص از آن عالم بزرگ می‌پرسند چگونه شد که بی اختیار وارد دسته سینه زنی شدید و آن گونه مشغول عزاداری گردیدید؟

فرمود: وقتی به دسته سینه زنی رسیدم، دیدم حضرت بقیة الله علیه السلام با سر و پای برهنه میان سینه زنها به سر و سینه می‌زنند و گریه می‌کنند، من هم نتوانستم طاقت بیاورم، و لذا در خدمت آن حضرت مشغول سینه زدن شدم.

این تشرّف اهمیت عزاداری امام حسین علیه السلام را به روشنی بیان می‌کند و این درس بزرگ را به ما می‌آموزد که نباید عنوان و مقام و موقعیت، مانع ما از عزاداری امام حسین علیه السلام شود. باید در راه عزاداری امام حسین علیه السلام همه شأن و شوون خود را فدا کرد. باید سر از پا نشناخت و مانند مادر جوان مرده ناله کرد و فریاد نمود و بر سر و سینه زد، که این رمز بقای مکتب است و میزان محبت ما را نشان می‌دهد.

ای که به عشقت اسیر، خیل بنی آدمند

سوختگان غمت با غم دل خرمند

هر که غمت را خرید عشرت عالم فروخت

با خبران غمت بی خبر از عالمند

### طول عمر

یکی از پرسشهایی که از دیر زمان در رابطه با امام زمان علیه السلام مطرح بوده این است که آیا ممکن است انسانی عمری چنین طولانی داشته باشد؟

آنچه این سؤال را در اذهان برانگیخته، این است که آنچه در خارج مشاهده می شود عمرهای بین ۷۰ تا ۱۰۰ سال است و عمری بیش از هزار سال بر خلاف مشاهدات است.

ولی باید گفت به صرف اینکه ما می بینیم اغلب مردم در هفتاد سالگی می میرند، پس عمر طبیعی هفتاد سال است، این نتیجه گیری درست نیست، زیرا وقتی یک نفر پیدا شد که صد و پنجاه سال عمر کرده است یا دویست سال عمر کرده است این نظریه را رد کرده و لذا کسی نمی تواند برای عمر طبیعی حدی و اندازه ای و مدتی معین کند.

برناردشاو می گوید: از اصول علمی مورد پذیرش همه دانشمندان

بیولوژیست این است که برای عمر بشر نمی توان حدی تعیین کرد.<sup>(۱)</sup>

مسأله طول عمر از تئوریهای زنده روز است، اگر چیزی را تئوری می‌نامند، یعنی شدنی است. یعنی محال نیست. الان در تمام محافل دنیا متوجه این نکته شده‌اند که اگر ما بتوانیم مشکل تصلب شرائین را حل کنیم و قضیه دوران خون را به حال طبیعی خودش نگه داریم، مسأله طول عمر حل است. تلاش دانشمندان برای دست یافتن به راه‌های غلبه بر پیری و رسیدن به دراز عمری نشانه امکان چنین پدیده‌ای است.

ثانیاً: اگر نپذیرفتیم که طول عمر از نظر علمی امکان‌پذیر است، می‌گوئیم خداوند در مورد وجود مقدسی که او را برای برقراری حکومت عدل جهانی ذخیره کرده، این قانون طبیعت را از کار انداخته همان طور که در مورد حضرت ابراهیم خلیل قانون طبیعی سوزندگی آتش را از کار انداخت و با خطاب:

«یا نار کونی برداً و سلاماً علی ابراهیم»

«ای آتش بر ابراهیم سرد و سلامت باش.»

حضرت ابراهیم علیه السلام از میان خروارها آتش صحیح و سالم خارج شد، اراده پروردگار چنین تعلق گرفته و اراده او بر همه قوانین طبیعی جهان حاکم است و تأثیر همه سبب‌ها و علت‌ها به اراده او بستگی دارد و اگر او نخواهد سبب‌ها از تأثیر باز می‌مانند.

قرآن کریم در سوره صافات آیه ۱۴۴ در مورد حضرت یونس

می‌فرماید:

﴿ فَلَوْلَا أَنَّهُ كَانَ مِنَ الْمُسَبِّحِينَ \* لَلَبِثَ فِي بَطْنِهِ إِلَى يَوْمِ

يُبْعَثُونَ ﴿

«و اگر او از تسبیح کنندگان نبود \* تا روز قیامت در شکم ماهی می ماند».

این آیه می فرماید: اگر یونس از تسبیح کنندگان نبود، خدا در مورد او اراده می فرمود که تا قیامت در شکم ماهی محبوس بماند و این بر خلاف همه قوانین طبیعی است.

ثالثاً: حضرت مهدی عليه السلام تنها موجودی نیست که در این عالم از عمر طولانی برخوردار است.

قرآن کریم در مورد حضرت نوح عليه السلام می فرماید:

﴿وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَىٰ قَوْمِهِ فَلَبِثَ فِيهِمْ أَلْفَ سَنَةٍ إِلَّا خَمْسِينَ عَامًا﴾ (۱)

«ما نوح را به سوی قومش فرستادیم و او ۹۵۰ سال در میان آنها درنگ نمود».

گفته اند این مقدار، مدت پیامبری آن حضرت است و بر اساس بعضی از روایات مدت عمر آن حضرت ۲۴۵۰ سال بوده است. (۲)

حضرت علی بن الحسین عليهما السلام فرموده اند:

«في القائم عليه السلام سنة من سبعة أنبياء... فأما من آدم ونوح فطول العمر». (۳)

۱- عنكبوت، آیه ۱۴.

۲- بحار، ج ۱۱، ص ۲۸۵ و ۲۸۷، کمال الدین، ج ۲، ص ۳۰۹، ح ۳، باب ۴۶.

۳- بحار، ج ۵۱، ص ۲۱۷، ح ۴، مکیال، ج ۱، ص ۱۳۶، ح ۱۸۳.

«در قائم علیه السلام سنتی از حضرت آدم و از حضرت نوح می باشد و آن طولانی بودن عمر شریف آن حضرت است».

دانشمندان و تاریخ نویسان پیر و ادیان آسمانی نوشته اند که حضرت آدم علیه السلام قریب هزار سال عمر کرد.

حضرت خضر یکی از پیامبران است که دارای عمری طولانی است، و از بعضی روایات استفاده می شود که حکمت طولانی بودن عمر ایشان این است که دلیلی باشد بر طول عمر حضرت مهدی علیه السلام.

امام صادق علیه السلام در ضمن حدیثی فرموده اند:

«وَأَمَّا الْعَبْدُ الصَّالِحُ الْخَضِرُ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَإِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى مَا طَوَّلَ عَمْرَهُ لِنُبُوءَةِ قَدْرِهَا لَهُ وَلَا لِلْكِتَابِ يَنْزِلُهُ عَلَيْهِ، وَلَا لِشَرِيعَةِ يَنْسَخُ بِهَا شَرِيعَةَ مَنْ كَانَ قَبْلَهُ مِنَ الْأَنْبِيَاءِ ... طَوَّلَ عَمْرَ الْعَبْدِ الصَّالِحِ مِنْ غَيْرِ سَبَبٍ أَوْ جَبَّ ذَلِكَ إِلَّا لَعَلَّةَ الْإِسْتِدْلَالِ بِهِ عَلَى عَمْرِ الْقَائِمِ عَلَيْهِ السَّلَامُ».

«خداوند تبارک و تعالی عمر خضر، بنده صالح خود را طولانی نگردانید به خاطر نبوتی که برای او مقدر کرده باشد، یا کتابی که بر او نازل نماید، یا دینی که با آن، دین انبیاء پیشین را نسخ کند، یا امامتی که بندگان را به پیروی او ملزم فرماید، یا اطاعتی که برای او واجب قرار دهد؛ بلکه چون در علم ازلی او این بود که عمر حضرت مهدی علیه السلام را در دوران غیبتش طولانی قرار دهد و می دانست که بندگان عمر طولانی او را انکار می کنند، عمر بنده صالح خود حضرت خضر را طولانی گردانید و آن هیچ علتی

نداشت، جز اینکه به وسیله آن استدلال شود بر عمر حضرت مهدی  $\text{علیه السلام}$ .

[یعنی اگر مخالفین گفتند: چگونه ممکن است عمر حضرت مهدی  $\text{علیه السلام}$  این مقدار طولانی شود؟ در جواب آنها گفته شود: همان طور که عمر حضرت خضر بیش از آن مقدار طولانی شده است].

و به این وسیله، دلیل اهل عناد و انکار رد شود، و برای مردم بر خدا هیچ حجتی نباشد، یعنی نتوانند عذری بیاورند و ایرادی نمایند». (۱)

الیاس یکی دیگر از پیامبران الهی است که همچون خضر عمر طولانی دارد و همه ساله در موسم، این دو پیامبر با یکدیگر ملاقات داشته و خواهند داشت. (۲)

علامه مجلسی  $\text{رحمته الله}$  در کتاب ارزشمند خود فصلی را تحت عنوان اخبار معمرین تشکیل داده و اسامی عده‌ای از آنان را به همراه شرح زندگی و بعضی از سخنان و اشعارشان ذکر فرموده است و ما در اینجا به خاطر اختصار، تنها به نام برخی از آنان و مدت عمرشان اشاره می‌کنیم.

عوج بن عناق	۳۶۰۰ سال	هبل بن عبدالله	۶۰۰ سال
لقمان بن عاد	۳۵۰۰ سال	دوید بن زید	۴۵۰ سال

۱- بحار، ج ۵۱، ص ۲۲۲، ضمن ح ۹، مکیال، ج ۱، ص ۲۵۰، ح ۴۳۹.

۲- مکیال، ج ۱، ص ۲۵۵، ح ۴۴۳.

ضخاک	۱۰۰۰ سال	عمرو بن حمّۀ دوسی	۴۰۰ سال
عمرو بن عامر مزیقیا	۸۰۰ سال	اکثم بن صیفی اسدی	۳۶۰ سال
عبدالمسیح بن بقیلة	۳۵۰ سال	يعرب بن قحطان	۲۰۰ سال
مستوغر بن ربیعة	۳۳۰ سال	درید بن صمّه	۲۰۰ سال
عوف بن کنانة	۳۰۰ سال	سیف بن وهب	۲۰۰ سال
زهیر بن جناب	۳۰۰ سال	ثعلبة بن کعب	۲۰۰ سال
عبید بن أبرص	۳۰۰ سال	سوید بن حدّاق	۲۰۰ سال
صفی بن ریاح بن اکثم	۲۷۶ سال	نصر بن دهمان	۱۹۰ سال
صیفی بن ریاح	۲۷۰ سال	حارث بن کعب	۱۶۰ سال
محسن بن عتبان	۲۵۰ سال	ابو طحمان	۱۵۰ سال
ربیع بن ضیع بن وهب	۲۴۰ سال	شریح بن هانی	۱۲۰ سال
ضبيرة بن سعید	۲۲۰ سال		

یکی از معمرین سلمان فارسی است، اکثر دانشمندان اسلامی و غیر اسلامی گفته‌اند: او حضرت عیسی مسیح را دیده و پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله را نیز درک کرده است.

رابعاً: آنچه تاکنون گفته شد، برای طبیعی جلوه دادن عمر امام زمان علیه السلام است که این امری طبیعی است، امّا اهل ولا و معرفت هیچ گونه نیازی به این مطالب ندارند، آنها می‌دانند که امام زمان صاحب ولایت کلیّه است، او بر همه ما سوی الله ولایت دارد، او بر همه عالم امکان ولایت دارد، و زمان، چیزی خارج از عالم امکان نیست. یعنی او محکوم زمان



نیست، بلکه حاکم و مسیطر بر زمان است. زمان نمی تواند در او اثر گذارد، و این معنا گذشته از شواهدی که در روایات برایش هست، از خود کلمه امام زمان و صاحب الزمان استفاده می شود، او امام زمان و اختیار دار زمان و جلوتر از زمان است. و نیز از کلمه ولی عصر استفاده می شود که او ولایت دارد بر عصر، و عصر به معنای زمان است.

در اینجا ممکن است کسی اشکال کند که پس چرا در سایر ائمه طاهرین  $\text{علیهم السلام}$  چنین نبود و آنها تحت تأثیر زمان قرار گرفتند، جواب این است که این تأثیر گذاری و تأثیر پذیری به اذن خود آنها بوده است، آنها نیز چنین قدرت و ولایت و اختیاری داشتند و آنها نیز می توانستند مانع تأثیر زمان شوند، ولی خودشان این گونه خواستند و این گونه اراده فرمودند. و خلاصه اراده امام  $\text{علیه السلام}$  حاکم و مسیطر بر طبیعت و همه قوانین طبیعی عالم است.

بخش چهارم

وظایف شیعیان  
در دوران غیبت امام عصر علیه السلام

## ۱- شناخت امام علیه السلام

از مهمترین وظایف ما در دوران غیبت شناخت امام علیه السلام است، شناخت امام عامل رهائی از گمراهی و ضلالت است.

امیرالمؤمنین علیه السلام فرموده‌اند:

«أدنى ما يكون به العبد ضالاً أن لا يعرف حجة الله في أرضه  
وشاهده على خلقه».

«کمترین چیزی که باعث گمراهی انسان می‌شود، این است که حجت خدا را در زمین و شاهد حق تعالی بر خلق را نشناسد...».

تمام جهالت‌ها و ضلالت‌ها و خسارت‌ها ناشی از عدم معرفت امام علیه السلام است، بدون معرفت امام، کسی نمی‌تواند راهی به سوی سایر معارف پیدا کند، معرفت امام، سرچشمه نور و روشنائی و هدایت است. معرفت امام، مفتاح همه خیرات و برکات است. معرفت امام، اصل و اساس دینداری و رمز شناخت دین و دیانت است.

معرفت امام، در صراط مستقیم قرار گرفتن و راه هدایت را پیمودن

است. و لذا از ضرورتی ترین مسائل و از اوجب واجبات است و از اولویت خاص و ارزش ویژه‌ای برخوردار می‌باشد، به حدی که اگر کسی با عدم شناخت او بمیرد، به مرگ جاهلیت مرده است.

نعمانی رحمته الله به سند خود از فضیل بن یسار روایت کرده است که گفت:  
از امام باقر علیه السلام شنیدم که فرمود:

«من مات وليس له امام مات ميتة جاهلية، ومن مات وهو عارف لامامه لم يضره تقدم هذا الأمر أو تأخر، ومن مات وهو عارف لامامه كان كمن هو مع القائم في فسطاطه»<sup>(۱)</sup>.

«هر کس بمیرد و امامی برای او نباشد، به مرگ جاهلیت مرده است، و کسی که بمیرد و امام خود را شناخته باشد، مقدم شدن این امر، یعنی فرج و یا مؤخر شدن آن به او ضرری نمی‌زند، و کسی که بمیرد و امام خود را شناخته باشد، مانند کسی است که همراه امام زمان و در خیمه آن حضرت است».

در حدیث دیگری که ثعلبیه بن میمون آن را روایت کرده است فرموده‌اند:

«اعرف امامك، فانك اذا عرفته لم يضرْك تقدم هذا الأمر أو تأخر، ومن عرف امامه ثم مات قبل أن يرى هذا الأمر، ثم خرج القائم عليه السلام كان له من الأجر كمن كان مع القائم عليه السلام في فسطاطه»<sup>(۲)</sup>.

«امام خود را بشناس، که اگر او را شناختی، مقدم شدن ظهور یا

۲- بحار، ج ۵۲، ص ۱۳۱، ح ۳۰.

۱- بحار، ج ۵۲، ص ۱۴۲، ح ۵۶.

مؤخر شدن آن به تو ضرری نمی‌زند. کسی که امام خود را بشناسد و آنگاه پیش از آنکه ظهور را درک کند از دنیا رود و آنگاه امام زمان علیه السلام قیام کند، برای او اجر و پاداش کسی است که به همراه امام زمان علیه السلام و در خیمه آن حضرت است.»

امام خود را بشناس؛ یعنی آن کسی که خداوند او را حجت خویش قرار داده و اطاعتش را بر تو واجب نموده، بشناس. اگر او را شناختی و فهمیدی که او دارای چه صفات و امتیازات و ویژگی‌هایی است و فهمیدی که هیچ کس در عالم نمی‌تواند جایگزین او شود، یعنی آن ویژگی‌ها در غیر او وجود ندارد، راه دیگری جز راه او اختیار نمی‌کنی و دچار انحراف نمی‌شوی و به مقصد خواهی رسید.

## ۲- تسلیم

از وظایف ما در دوران غیبت، تسلیم بودن در برابر امر پروردگار است. اگر خدا را به عنوان حکیم علی‌الاطلاق شناختی و دانستی که تمام کارهای او از روی حکمت است، هرگز چون و چرا در کار او نمی‌کنی و هرگز با گفتار خود به او اعتراض نمی‌نمائی.

و نیز از وظایف ما تسلیم بودن در پیشگاه حجت خدا است. اگر حجت خدا را به عنوان امام معصومی که هیچگونه خطا و سهو و نسیان ندارد و از مقام عصمت برخوردار است شناختی، و اگر فهمیدی که اطاعت او

اطاعت خداوند و معصیت او معصیت خداوند است، هرگز از فرمان او سرپیچی نمی‌کنی و نباید سرپیچی کنی، بلکه باید تسلیم او بدون هیچ قید و شرطی باشی و این راه نجات است.

نهمین پیشوای معصوم علیه السلام در ضمن حدیثی فرموده‌اند:

«له غيبة یكثر أيامها و يطول أمدها... ینجوا فیها المسلمون».

«برای آن حضرت غیبتی است طولانی... و در آن دوران تنها کسانی که اهل تسلیم‌اند و سر به آستان حضرتش سپرده‌اند نجات پیدا می‌کنند».<sup>(۱)</sup>

### ۳- ترک عجله و شتاب

از امام صادق علیه السلام در مورد این آیه شریفه سؤال کردند

﴿أَتَىٰ أَمْرُ اللَّهِ فَلَا تَسْتَعْجِلُوهُ﴾

«امر و فرمان خدا رسیده است، برای آن عجله نکنید».

فرمود: مقصود امر قیام است، خداوند تبارک و تعالی امر فرموده است

که در مورد آن عجله نکنید.<sup>(۲)</sup>

امیرالمؤمنین علیه السلام فرموده‌اند:

«متلاشی کردن کوه آسان‌تر است از متلاشی کردن حکومت و

سلطنتی که اجل آن سر نیامده و از مهلتش باقی مانده، از خدا

۲- بحار، ج ۵۲، ص ۱۳۹، ح ۴۶.

۱- بحار، ج ۵۱، ص ۱۵۷، ح ۵.

کمک بخواهید و صبر کنید

و بدانید که (زمین از آن خداوند است، آن را به هر که بخواهد از بندگانش واگذار نماید و سر انجام از آن متقین است)». «لا تعجلوا الأمر قبل بلوغه فتندموا».

«نسبت به امر قیام، قبل از رسیدن زمان آن عجله و شتاب نکنید که نتیجه‌اش ندامت و پشیمانی است».<sup>(۱)</sup>

مقصود از این عجله و شتابی که مذموم است و از آن نهی شده، عجله و شتابی است که با تسلیم بودن سازش ندارد؛ بلکه ضد تسلیم است و نتیجه‌اش یأس و ناامیدی یا کفر و انکار و اعتراض به تقدیر الهی و مقدرات پروردگار حکیم است.

#### ۴- انتظار فرج

یکی از وظایف و تکالیفی که شیعیان در دوران غیبت امام زمان علیه السلام نسبت به آن وجود مقدس دارند انتظار ظهور و فرج آن حضرت است، داشتن این انتظار واجب است و دلیل بر وجوب آن روایتی است که شیخ صدوق رحمته الله در کمال الدین از جناب عبدالعظیم حسنی روایت کرده است، او می‌گوید:

«دخلت علی سیدی محمد بن علی بن موسی أُرید أن أسأله

عن القائم عليه السلام هو المهدي أو غيره؟ فابتدأني فقال لي:  
يا ابا القاسم، ان القائم منا هو المهدي الذي يجب أن ينتظر في  
غيبته ويطاع في ظهوره وهو الثالث من ولدي». محضر مقدس مولایم حضرت جواد الائمه عليه السلام شرفیاب شدم و نیتم  
این بود که سؤال کنم آیا قیام کننده شما حضرت مهدی عليه السلام یا غیر آن  
حضرت است، امام عليه السلام خود ابتدا به سخن نمود و فرمود:

«ای ابا القاسم، قیام کننده از ما همان حضرت مهدی عليه السلام است  
که انتظار فرج او در دوران غیبتش و اطاعت او در روزگار ظهورش  
بر همگان واجب است و او سومین فرزند من است».<sup>(۱)</sup>

امام صادق عليه السلام در ضمن حدیثی فرموده اند: انتظار فرج از دین ما و  
برنامه های دینی ما است.

«من دین الأئمة الورع والعفة والصلاح ... وانتظار الفرج  
بالصبر».<sup>(۲)</sup>

«از دین ائمه طاهرین عليهم السلام داشتن ورع و عفت و درستی ...  
و انتظار فرج است».

در روایت دیگری انتظار فرج را یکی از شرایط قبولی اعمال  
شمرده اند.

ابو بصیر از امام صادق عليه السلام روایت کرده است که فرمودند:

۱- بحار، ج ۵۱، ص ۱۵۶، ح ۱. ۲- بحار، ج ۵۲، ص ۱۲۲، ح ۱.



«الا أخبركم بما لا يقبل الله عزوجل من العباد عملاً إلا به؟»

«می‌خواهید به شما خبر دهم از آنچه شرط قبولی اعمال است و

خداوند عملی را از کسی جز با داشتن آنها نمی‌پذیرد؟»

ابو بصیر عرض کرد: آری، یا بن رسول الله، حضرت فرمودند:

«شهادة ان لا اله الا الله وأن محمداً عبده ورسوله والا قرار بما

أمر الله والولاية لنا والبراءة من أعدائنا والتسليم والورع

والاجتهاد ... والانتظار للقائم عليه السلام».

«شهادت به یکتائی خداوند و اینکه حضرت محمد صلی الله علیه وآله بنده و

فرستاده او است و اقرار کردن به آنچه خدا به آن امر فرموده، و

ولایت ما و براءت از دشمنان ما و تسلیم و ورع و تلاش و

کوشش... و انتظار امام عصر عليه السلام».<sup>(۱)</sup>

در ذیل این حدیث، انتظار فرج را یکی از شرایط قرار گرفتن در

اصحاب حضرت بقیه الله عليه السلام بر شمرده‌اند و فرموده‌اند:

«من سرّه أن یكون من أصحاب القائم عليه السلام فلیتظر ولیعمل

بالورع ومحاسن الأخلاق وهو منتظر».<sup>(۲)</sup>

«هر که می‌خواهد نامش در لیست اصحاب و یاوران امام

زمان عليه السلام نوشته شود و این سعادت و شرافت نصیب او شود،

باید واجد شرایطی باشد که یکی از آنها داشتن انتظار است».

۲- بحار، ج ۵۲، ص ۱۴۰، ح ۵۰.

۱- بحار، ج ۵۲، ص ۱۴۰، ح ۵۰.

## فضیلت انتظار فرج

در روایات فراوانی انتظار، افضل اعمال و محبوبترین اعمال شمرده شده است.

رسول خدا ﷺ فرموده‌اند:

«افضل اعمال امتی انتظار الفرج من الله عزوجل»<sup>(۱)</sup>.

«برترین اعمال امت من انتظار فرج است».

امیرالمؤمنین علیؑ فرموده است:

«انتظروا الفرج ولا تياسوا من روح الله، فان أحب الأعمال إلى

الله عزوجل انتظار الفرج»<sup>(۲)</sup>.

«منتظر فرج باشید و از رحمت و لطف پروردگار نا امید نباشید که

محبوبترین اعمال نزد خداوند تبارک و تعالی انتظار فرج است».

در روایات بسیاری آن را عبادت و مهمترین عبادت معرفی نموده‌اند.

رسول خدا ﷺ فرموده‌اند:

«انتظار الفرج عبادة».

«انتظار فرج عبادت است»<sup>(۳)</sup>.

«افضل العبادة انتظار الفرج».

«انتظار فرج برترین و با ارزش‌ترین عبادت است»<sup>(۴)</sup>.

۱- بحار، ج ۵۲، ص ۱۲۸، ح ۲۱.

۲- بحار، ج ۵۲، ص ۱۲۳، ح ۷، و ص ۱۲۲، ذح ۳، مکیال المکارم، ج ۲، ص ۱۶۸، ح ۱۲۲۲.

۳- بحار، ج ۵۲، ص ۱۲۲، ح ۳. ۴- بحار، ج ۵۲، ص ۱۲۵، ح ۱۱.

در روایات زیادی منتظر را مانند کسی می‌دانند که شمشیر به دست گرفته و در راه خدا نبرد می‌کند.  
امام صادق علیه السلام فرموده‌اند:

«المنتظر للثاني عشر كالشاهر سيفه بين يدي رسول الله صلى الله عليه وآله يذب عنه».

«منتظر فرج مانند کسی است که شمشیر کشیده و پیشاپیش رسول خدا صلى الله عليه وآله می‌جنگد و از آن حضرت دفاع می‌کند».<sup>(۱)</sup>  
امیرالمؤمنین علیه السلام فرموده‌اند:

«المنتظر لأمرنا كالمتشحط بدمه في سبيل الله».

«منتظر امر ما و دولت ما مانند کسی است که در راه خدا در میان خون خود بخلطد».<sup>(۲)</sup>

در بعضی از روایات منتظرین فرج را افضل اهل هر زمانی شمرده‌اند.  
حضرت علی بن الحسین علیه السلام به ابو خالد کابلی فرمودند:

«يا أبا خالد، إنَّ اهل زمان غيبته القائلون بامامته، المنتظرون لظهوره، أفضل أهل كلِّ زمان».

«ای ابو خالد، مردم زمان غیبت که قائل به امامت حضرت مهدی علیه السلام و منتظر ظهور آن حضرت‌اند، از مردم هر زمانی بهتر

۱- بحار، ج ۵۲، ص ۱۲۹، ح ۲۴.

۲- بحار، ج ۵۲، ص ۱۲۳، ذح ۷، مکیال المکارم، ج ۲، ص ۱۶۹، ح ۱۲۲۳.

و برترند»<sup>(۱)</sup>.

در روایتی امام صادق علیه السلام به عمار سباطی فرمود:

«أما والله يا عمّار لا يموت منكم ميت على الحال التي أنتم عليها إلا كان أفضل عند الله عزّوجلّ من كثير ممّن شهد بدرًا وأحدًا، فأبشروا»<sup>(۲)</sup>.

«کسی که در حال انتظار بمیرد، نزد خدا مقام او برتر از بسیاری از شهدای بدر و أحد خواهد بود».

حسن بن ابو حمزه از پدرش روایت کرده است که گفت: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: فدای شما شوم! سنی از من گذشته و اکنون پیر شده و ناتوان گشته‌ام و اجلم نزدیک گردیده است، می‌ترسم بمیرم و دولت حق شما را نبینم، حضرت فرمودند:

«ای ابو حمزه، کسی که به ما ایمان داشته و گفتار ما را تصدیق کند و منتظر فرج باشد، مانند کسی است که زیر پرچم قائم علیه السلام کشته شده باشد؛ بلکه به خدا قسم! مانند کسی است که زیر پرچم رسول خدابه شهادت رسد»<sup>(۳)</sup>.

در روایت دیگری فرموده‌اند:

«من مات منتظرًا لهذا الأمر كان كمن كان مع القائم علیه السلام في

۱- بحار، ج ۵۲، ص ۱۲۲، ح ۴. ۲- بحار، ج ۵۲، ص ۱۲۸، ضمن ح ۲۰.

۳- بحار، ج ۶۸، ص ۱۴۱، ح ۸۶، مکیال، ج ۲، ص ۱۷۲، ح ۱۲۳۴.

فسطاطه، لا بل كالضارب بين يدي رسول الله صلى الله عليه وآله بالسيف»<sup>(۱)</sup>.

«کسی که در حال انتظار فرج بمیرد، مانند کسی است که همراه امام عصر علیه السلام و در خیمه آن حضرت بوده، بلکه مانند کسی است که در رکاب رسول خدا صلى الله عليه وآله شمشیر می زده است».

از دیر زمان ارادتمندان اهل بیت علیهم السلام آرزوی برقراری حکومت عدل جهانی را داشته و در انتظار برپائی دولت حق لحظه شماری کرده اند.

حکم بن عیینه گوید: در محضر مقدس امام باقر علیه السلام شرفیاب بودم، در حالیکه بیت شریف ایشان پر از جمعیت بود، ناگهان پیرمرد قد خمیده ای در حالی که تکیه به عصا نموده بود وارد شد، ابتدا به امام علیه السلام سلام کرد و جواب دریافت نمود، سپس رو به جمعیت کرد و به آنها سلام نمود و آنها جواب او را گفتند.

سپس رو کرد به امام باقر علیه السلام و عرض کرد:

ای فرزند رسول خدا، فدای شما شوم! مرا نزدیک خود جای دهید، به خدا قسم من شما را دوست دارم و هر کس شما را دوست بدارد دوست دارم، و به خدا قسم این دوستی من نه به خاطر طمع دنیوی است، و همانا دشمن شما را دشمن دارم و از او بیزارم، و به خدا قسم این دشمنی من

به خاطر کینه و عداوت شخصی نیست. به خدا قسم! حلال شما را حلال و حرام شما را حرام می دانم و منتظر امر فرج هستم، آیا امیدی برای من هست؟ خدا مرا فدای شما گرداند!

امام باقر علیه السلام او را به سوی خود فرا خواندند تا در کنار خود نشانیدند، سپس فرمودند: ای پیرمرد، شخصی نزد پدرم حضرت علی بن الحسین علیه السلام آمد و از آن حضرت همین سؤال تو را پرسید، پدرم به او فرمود:

«اگر از دنیا روی بر رسول خدا صلی الله علیه و آله و امیرالمؤمنین و امام حسن و امام حسین و حضرت علی بن الحسین علیه السلام وارد می شوی، قلبت خنک و چشمانت روشن می شود و فرشتگان بزرگوار را در هنگام جان دادن با بشارت و طراوت و شادمانی ملاقات می کنی، و اگر زنده بمانی، خواهی دید آنچه را که چشمانت را روشن کند و در جایگاه رفیع و بلند مرتبه با ما خواهی بود».

پیرمرد عرض کرد: آقای من، چه فرمودید؟ امام علیه السلام سخن خود را تکرار نمود، پیرمرد عرض کرد: الله اکبر! اگر بمیرم بر رسول خدا صلی الله علیه و آله و امیرالمؤمنین و امام حسن و امام حسین و حضرت علی بن الحسین علیه السلام وارد می شوم و... سپس پیرمرد شروع کرد به گریه کردن، بلند بلند گریه می کرد و هق هق می زد تا بر زمین افتاد، جمعیت حاضر نیز همگی با تماشای حال این پیرمرد به گریه افتادند.

امام باقر علیه السلام با انگشتان مبارک اشک از گوشه چشم پیرمرد پاک کرد،

پیرمرد سر خود را بلند کرد و به امام باقر علیه السلام عرض کرد: ای فرزند رسول خدا، دست مبارکتان را بدهید تا ببوسم؛ خدا مرا فدای شما گرداند! آنگاه دست امام علیه السلام را گرفت و بوسید و بر چشمان خود و سینه اش نهاد، سپس از جا برخاست و خدا حافظی کرد. امام باقر علیه السلام به او نگاه می کرد و او می رفت، آنگاه رو به جمعیت کرد و فرمود:

«من أحبّ أن ينظر إلى رجل من أهل الجنة فلي نظر إلى هذا».

«هر که دوست دارد یکی از اهل بهشت را ببیند، به این پیرمرد

نگاه کند».<sup>(۱)</sup>

نظیر این روایت، روایت دیگری است که مسعده آن را نقل کرده است.

می گوید: در خدمت امام صادق علیه السلام بودم، پیره رد قد خمیده ای در حالی که به عصای خود تکیه کرده بود وارد شد، به امام علیه السلام سلام کرد و امام علیه السلام پاسخ سلام او را مرحمت فرمود.

پیرمرد عرض کرد: یابن رسول الله، اجازه دهید دست مبارکتان را ببوسم، دست امام علیه السلام را بوسید و شروع کرد به گریه کردن، امام صادق علیه السلام فرمود: ای پیرمرد، چرا گریه می کنی؟ عرض کرد: حدود صد سال است منتظر قیام قائم شما هستم و منتظر فرج و برقراری دولت حقّم، هر ماهی که نو می شود می گویم: این ماه، ماه فرج است، هر سال جدیدی که می آید می گویم امسال سال فرج است. اکنون پیر و ناتوان شده و اجلم نزدیک گشته است، هنوز به مراد دل خود نرسیده و فرج را ندیده ام،

۱- بحار، ج ۴۶، ص ۳۶۱، ح ۳، مکیال المکارم، ج ۲، ص ۱۷۳، ح ۱۲۳۷.

چگونه گریه نکنم و حال آنکه می بینم بعضی از شما آواره گردیده اند و در اطراف پراکنده شده اند بعضی از شما از روی کینه و عداوت به شهادت رسیده اند، سخنان این پیرمرد اشک از چشمان امام علیه السلام جاری ساخت، به او فرمود:

«یا شیخ، ان ابقاك الله حتى تری قائمنا كنت في السنام الأعلى،  
وان حلت بك المنية جئت يوم القيامة مع ثقل محمد صلی الله علیه و آله  
ونحن ثقله».

«ای پیرمرد، اگر زنده باشی تا آن حضرت را ببینی، مقامی بس رفیع و والا خواهی یافت و اگر پیش از قیام او در انتظارش بمیری، روز قیامت در زمره آل محمد علیهم السلام محشور می شوی».<sup>(۱)</sup>

### حقیقت انتظار و معنای آن

این گوشه هائی از فضیلت انتظار بود که در روایات آمده است. اکنون جای این پرسش است که چرا انتظار این همه ارزش و فضیلت دارد، چگونه است که در میان این همه اعمال، افضل اعمال شمرده شده است. در پاسخ باید گفت: حتماً به خاطر نقش مهم و سازنده ای است که در زندگی انسان دارد و اثر مهمی است که در روح و روان آدمی می گذارد.

۱- بحار، ج ۳۶، ص ۴۰۸، مکیال المکارم، ج ۲، ص ۱۷۳، ح ۱۲۳۶.



انتظار امید بخش و تحرک آفرین است، امید به آینده‌ای روشن و شور و نشاط در انسان ایجاد می‌کند و او را از خمود و رکود و هیچی و پوچی نجات می‌دهد.

انتظار حالت آماده باش است و منتظر کسی است که در حال آمادگی کامل به سر می‌برد، او آماده است تا با شنیدن اعلام قیام حرکت کند، بدون اینکه به دنبال کفش و کلاهش بگردد، به پیش رود بدون اینکه به پشت سر نگاه کند، و این لازمه‌اش اصلاح کامل نفسانی است، باید علقه‌ها و علاقه‌های گوناگون را از قلب و روحش قطع نموده باشد، چیزی جز یاری امام عصر علیه السلام در فکر و اندیشه‌اش خطور نکند و هیچ هوا و هوس نتواند مانع از حرکت او شود.

انتظار آمادگی است و این آمادگی باید همیشگی باشد؛ زیرا وقتی برای ظهور معین نشده و هر روز و هر ساعت توقع ظهور را باید داشت و برای آن آماده باید بود.

## ۵- دعا کردن برای تعجیل فرج

یکی از وظایف شیعه در دوران غیبت امام عصر علیه السلام اهتمام ورزیدن در دعا برای تعجیل فرج آن حضرت است. آن وجود مقدس در ضمن توقیع شریفی که توسط محمد بن عثمان برای اسحاق بن یعقوب فرستادند فرمودند:

«واكثر والدعاء بتعجيل الفرج، فان ذلك فرجكم».

«برای تعجیل فرج زیاد دعا کنید، که این خود فرج شما است».<sup>(۱)</sup>

امام علی<sup>علیه السلام</sup> در این کلام نورانی، وظیفه‌ای مهم بر دوش دوستان خود نهاده و با قید «اکثروا» آن را تأکید فرموده و فایده‌اش را بیان کرده که این کار فرج و گشایش برای خود شما به دنبال دارد.

اگر نبود جز همین فرمایش، با آنکه روایات بسیاری در این زمینه به ما رسیده است، لازم بود که دوستان امام عصر<sup>علیه السلام</sup> اهمیت بیشتری به این مسأله مهم و حیاتی دهند و این دعا را در رأس دعاهاى خود قرار دهند.

اگر می‌توانستند دوستان امام عصر<sup>علیه السلام</sup> به عظمت مسأله ظهور پی ببرند و به آثار ارزشمندی که بر اثر این تحول عظیم در عالم وجود حاصل می‌شود آگاهی پیدا کنند، حتماً بیش از این به درگاه الهی روی می‌آوردند و با ناله و تضرع ظهور آن حضرت را از او تقاضا می‌کردند. و اگر می‌توانستند بفهمند با فقدان امام عصر<sup>علیه السلام</sup> و غیبت او چه خسارت سنگینی را متحمل شده‌اند و از چه نعمت بزرگی محروم گشته‌اند، بیشتر به این مسأله توجه می‌کردند.<sup>(۲)</sup>

## ۶- صبر و پایداری در برابر سختی‌ها و اذیت و آزار دشمنان

یکی از وظایف شیعیان در دوران غیبت، صبر و پایداری در برابر

۱- بحار، ج ۵۳، ص ۱۸۱، ضمن ح ۱۰.

۲- برای اطلاع کامل به کتاب ارزشمند مکیال المکارم، ج ۲، ص ۲۲۱-۲۳۶ مراجعه فرمائید.

سختی‌ها است. حفظ دین در دوران غیبت سخت است. پاک و با تقوا زندگی کردن در دوران غیبت سخت است. مال حلال به دست آوردن در دوران غیبت است. منتظر باید این سختی‌ها را تحمل کند. دینش را با همه سختی‌هایش حفظ کند. تقوا را با همه سختی‌هایش رعایت کند، از خوردن حرام با همه سختی‌هایش اجتناب کند و از آن پرهیز نماید و البته اجر و پاداش فراوانی خواهد داشت.

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده‌اند:

«يأتي على الناس زمان لا ينال... ولا الغنى إلا بالغصب  
والبخل، ولا المحبة إلا باستخراج الدين واتباع الهوى، فمن  
أدرك ذلك الزمان فصبر على الفقر وهو يقدر على الغنى،  
وصبر على البغضة وهو يقدر على المحبة، وصبر على الذل  
وهو يقدر على العز، آتاه الله ثواب خمسين صديقاً ممن صدق  
بي»<sup>(۱)</sup>.

«زمانی بر مردم خواهد آمد که در آن زمان... مال و ثروت جز با غصب کردن مال دیگران و بخل ورزیدن فراهم نمی‌گردد، محبت مردم جز با از دست دادن دین و پیروی کردن هواهای نفسانی حاصل نمی‌شود؛ یعنی باید مطابق میل آنها عمل کنی تا تو را دوست داشته باشند، اگر چه بر خلاف دین و آئین باشد.

کسی که آن زمان را درک کرد و بر فقر و تهی دستی صبر نمود در

حالی که قدرت بر جمع آوری ثروت [از راه غیر حلال] دارد، و بر مبعوض بودن نزد مردم صبر کرد، در حالی که می توانست [با از دست دادن دین] محبوبیت به دست آورد، و بر ذلت و خواری صبر کرد، در حالی که می توانست عزت ظاهری پیدا کند، خداوند ثواب پنجاه صدیق که مرا تصدیق نموده اند و ایمان واقعی آورده اند به او مرحمت فرماید».

راه خدا و راه امام زمان علیه السلام راهی است که فراز و نشیب زیاد دارد؛ راه همواری که مطابق میل و خواسته انسان باشد نیست. بهشت با خوشی ها و خوش گذرانی ها و عیش و نوش ها به دست نمی آید؛ بلکه در این راه تلخی ها هست، محرومیت ها هست،

ممکن است مورد تمسخر دیگران واقع شوی، ممکن است تو را مرتجع بخوانند یا اُمَل بنامند و از خود برانند. و لذا پیمودن این راه صبر و پایداری لازم دارد، باید در راه عقیده خویش بردباری و استقامت نماید و به راحتی از عقیده و مرام خویش دست بردارد و بداند که تحمل این سختی ها محصول گوارا و شیرینی دارد و آن خوشنودی پروردگار و رضایت امام زمان علیه السلام است.

امام صادق علیه السلام فرموده اند:

«من انتظر أمرنا و صبر علی ما یری من الأذی والخوف هو غداً

في زمرةنا»<sup>(۱)</sup>.

«کسی که منتظر امر ما باشد و بر اذیت و آزاری که می بیند و ترسی که برایش پیدا می شود صبر کند، فردای قیامت در زمرة ما اهل بیت خواهد بود».

امام حسین علیه السلام سرور و سالار شهیدان فرموده اند:

«له غيبة يرتد فيها أقوام ويثبت على الدين فيها آخرون فيؤذون ويقال لهم: متى هذا الوعد ان كنتم صادقين».

«برای او غیبتی است که در آن گروهی از دین برمی گردند و گروهی دیگر بر دین استوار می مانند و در این راه آزارها می بینند، به آنها گفته می شود: «این وعده چه وقت خواهد بود اگر راست می گوئید»

«أما ان الصابر في غيبته على الأذى والتكذيب بمنزلة المجاهد بالسيف بين يدي رسول الله صلى الله عليه وآله»<sup>(۲)</sup>.

«کسی که در دوران غیبت آن حضرت بر آزار و اذیت و تکذیب دشمنان صبر کند به منزله کسی است که با شمشیر در خدمت رسول خدا صلى الله عليه وآله جهاد کرده است».

۲- بحار، ج ۵۱، ص ۱۳۳، ح ۴.

۱- بحار، ج ۵۲، ص ۲۵۶.

## ۷- ثابت ماندن بر ولایت اهل بیت علیهم السلام

دو رکن مهم دین و دو بال محکم برای پرواز در فضای دین، ولایت اهل بیت علیهم السلام و برائت از دشمنان آنان است. تا مادامی که این دو رکن باقی است، بنای دین باقی است. با از بین رفتن آن، بنای دین ویران می‌گردد و با ضعیف شدن آن، بنای دین دچار تزلزل می‌شود. از وظایف منتظر این است که قدر گوهر ولایت را بداند و در حفظ آن کاملاً کوشا باشد. مبادا تحت تأثیر تبلیغات سوء دشمنان قرار گیرد و مبادا شیطان او را فریب دهد و از مسیر ولایت منحرف سازد؛ که بیشترین همت شیطان صرف همین جهت می‌شود، او نهایت تلاش خود را به کار می‌برد و از همه توان و قدرت و امکانات خویش استفاده می‌کند تا شاید بتواند این گوهر را بر باید و زمینه تسلط خویش را فراهم نماید. از وظایف منتظر این است که در هیچ شرایطی دریچه‌های قلب خود را به روی بیگانه نگشاید و ذره‌ای تمایل به او نشان ندهد، با فقر و ناداری و سفره‌ خالی بسازد و حاضر نشود با از دست دادن ولایت به سفره‌ رنگارنگ برسد. با منزوی بودن بسازد و راضی نشود با از دست دادن ولایت به مقام و منصب و شهرت برسد. بداند آنچه از دست می‌دهد در برابر آنچه به دست می‌آورد هرگز قابل مقایسه نیست، هیچ گوهری در عالم، درخشندگی ولایت را ندارد و هیچ چیز نمی‌تواند جایگزین آن شود. دنیا با همه زرق و برقش و با همه جلوه‌های فریبنده‌اش کوچک‌تر از آن است که بتواند با ذره‌ای از ولایت اهل بیت علیهم السلام برابری کند، چه زیان کار است و چه بدبخت است کسی که چنین

مبادله‌ای کند و چه سعادت‌مند و خوشبخت است کسی که دست از ولایت اهل بیت علیهم السلام بردارد و آن را مانند جان حفظ کند.

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده‌اند:

«طوبی لمن أدرك قائم أهل بيتي وهو مقتد به قبل قيامه، يتولّى وليه ويتبرأ من عدوّه، ويتولّى الأئمة الهادية من قبله، اولئك رفقائي وذووا ودي ومودّتي واكرم أمّتي عليّ»<sup>(۱)</sup>

«خوشا به حال کسی که قائم اهل بیت مرا درک کند، در حالی که قبل از قیام آن حضرت به او اقتدا نموده، نسبت به دوستانش ارادت داشته و از دشمنانش بیزارى جسته و ولایت ائمه طاهرین علیهم السلام را پذیرفته باشد، آنها رفقای من و اهل مودت و محبت من و گرامی‌ترین امتم نزد من هستند».

حضرت موسی بن جعفر علیه السلام می‌فرماید:

«طوبی لشیعتنا المتمسّکین بحبّنا فی غیبة قائمنا، الثابتین علی مولاتنا والبراءة من أعدائنا، اولئك منّا ونحن منهم قد رضوا بنا أئمة ورضينا بهم شیعة، وطوبی لهم، هم والله معنا فی درجتنا یوم القيامة»<sup>(۲)</sup>

«خوشا به حال شیعیان ما! آنانکه در دوران غیبت قائم ما به حبّ ولایت ما و ریسمان محبت ما چنگ زده‌اند و بر محبت و ولایت

۱- بحار، ج ۵۲، ص ۱۲۹، ح ۲۵، وج ۵۱، ص ۷۲، ح ۱۴.

۲- بحار، ج ۵۱، ص ۱۵۱، ح ۶.

ما و برائت و بیزاری از دشمنان ما ثابت و استوارند. آنها از ما هستند و ما از آنان. آنها خوشنودند که ما امام و پیشوای آنها هستیم و ما خوشنودیم که آنان شیعیان ما هستند، و خوشا به حال آنان! به خدا قسم آنها فردای قیامت با ما خواهند بود».

حضرت علی بن الحسین علیه السلام فرموده‌اند:

«من ثبت علی موالاتنا فی غیبة قائمنا، أعطاه الله عزّ وجلّ أجر ألف شهید من شهداء بدر و أحد»<sup>(۱)</sup>.

«کسی که بر ولایت ما در دوران غیبت قائم ما ثابت بماند، خداوند اجر و پاداشی هزار شهید از شهدای بدر و أحد عطا فرماید.

امام باقر علیه السلام فرموده‌اند:

«یأتی علی الناس زمان یغیب عنهم امامهم، فیا طوبی للثابتین علی أمرنا فی ذلك الزمان»<sup>(۲)</sup>.

«روزی بر مردم می‌آید که امام آنان از دیدگان ایشان پنهان خواهد بود. خوشا به حال کسانی که در آن زمان بر ولایت ما خاندان ثابت بمانند».

## ۸- ثابت ماندن بر دین

از ضروری‌ترین نیازهای انسان در زندگی فردی و اجتماعی، دین

۲- بحار، ج ۵۲، ص ۱۴، ح ۶۶.

۱- بحار، ج ۵۲، ص ۱۲۵، ح ۱۳.



است. دین گوهر ارزنده‌ای است که نظم و امنیت و آسایش را برای همگان به ارمغان می‌آورد، در پرتو دین می‌توانند انسان‌ها حیات طیبه و زندگی گوارائی داشته باشند. دین بهترین قانون زندگی و برنامهٔ جامعی برای سعادت دنیا و آخرت است. یکی از مشکلات دوران غیبت، سست شدن مردم در امر دین است. بر اثر تبلیغات بیگانگان و دشمنانی که دین را سدّ راه سلطه خویش می‌بینند و از دین سیلی خورده‌اند مردم نسبت به دین بد بین می‌شوند، بازار بی دینی رونق می‌گیرد و شرایطی به وجود می‌آید که دین داری و حفظ دین دشوار می‌شود به گونه‌ای که در بعضی از روایات فرموده‌اند نگهداری دین در آخر الزمان، مانند نگهداری آتش در کف دست است.

امام صادق علیه السلام فرموده‌اند:

«إِنَّ لَصَاحِبَ هَذَا الْأَمْرِ غَيْبَةً، الْمَتَمَسِّكَ فِيهَا بِدِينِهِ كَالْخَارِطِ لَشَوْكِ الْقَتَادِ بِيَدِهِ».<sup>(۱)</sup>

«همانا برای صاحب این امر غیبتی است، کسی که بخواهد دینش را در آن دوران حفظ کند، مانند کسی است که بخواهد خارهای شاخه پر خاری را با دست تمیز کند».

یکی از وظایف منتظر این است که با دشواری حفظ دین و سختی دینداری، دین خود را حفظ کند.

۱- بحار، ج ۵۲، ص ۱۳۵، ح ۳۹، و ص ۱۱۱، ح ۲۱.

حضرت موسی بن جعفر علیه السلام در حدیثی فرموده‌اند:

«إذا فقد الخامس من ولد السابع فالله الله في ادیانکم، لا یزینکم احدٌ عنها»<sup>(۱)</sup>.

«هنگامی که پنجمین فرزند از هفتمین امام ناپدید شد، خدا را در مورد دین خود در نظر داشته باشید، کاملاً در مقام حفظ آن باشید و مراقب باشید که کسی شما را دچار انحراف نسازد و دین را از شما نرباید».

و دربارهٔ اجر و پاداش حفظ دین، امیرالمؤمنین علیه السلام فرموده است:

«ألا فمن ثبت منهم علی دینه، لم یقس قلبه لطول أمد غیبة امامه، فهو معي فی درجتي یوم القيامة»<sup>(۲)</sup>.

«آگاه باشید و بدانید، کسی که از شما بر دین خود ثابت بماند و قلب او به خاطر طولانی شدن دوران غیبت دچار قساوت نشود، فردای قیامت با من خواهد بود».

## ۹- آمادگی رزمی و تهیه سلاح

منتظر باید در دوران غیبت، خود را از هر جهت برای ظهور آماده کند و وسائلی که برای یاری حضرت لازم دارد فراهم نماید.

ابوبصیر از امام صادق علیه السلام روایت کرده است که فرمودند:

«لیعدنّ أحدکم لخروج القائم ولو سهماً، فإنّ الله إذا علم ذلك

۲- بحار، ج ۵۱، ص ۱۰۹، ح ۱.

۱- کمال الدین، ص ۳۶۰.

من نیته رجوت لأن ینسیء فی عمره حتی یدرکه ویکون من  
أعوانه وأنصاره»<sup>(۱)</sup>.

«باید هر کدام از شما برای ظهور، وسیله‌ای آماده نماید؛ اگر چه  
یک تیر باشد. خداوند هنگامی که او را با این نیت مشاهده کند،  
امید است که به عمر او بیفزاید تا ظهور را درک کند و از یاران آن  
حضرت باشد».

## ۱۰- پرداخت حقوق مالی که بر ذمه او تعلق می‌گیرد

در توفیق مبارک امام عصر علیه السلام برای شیخ مفید آمده است:

«ونحن نعهد الیک... انه من اتقى ربّه من اخوانک فی الدین  
وأخرج ممّا علیه إلی مستحقّیه کان آمناً من الفتنة المبطلة  
ومحنها المظلمة المضلّة...»<sup>(۲)</sup>.

«ما با تو عهد می‌کنیم... هر کدام از برادران دینی تو از خداوند  
تبارک و تعالی بترسد و حقوق مالی که بر ذمه او است از مال خود  
خارج کند و به اهلش و مستحقش برساند، از فتنه‌های گمراه  
کننده ایمن و محفوظ بماند و هر کدام بخل نماید، در دنیا و آخرت  
زیانکار باشد».

۲- احتجاج، ج ۲، ص ۳۲۵.

۱- بحار، ج ۵۲، ص ۳۶۶، ح ۱۴۶.

## ۱۱- مقداری از مال و ثروت خود را

هر سال به امام زمان علیه السلام هدیه نماید

امام صادق علیه السلام به مفضل فرمودند: از پدرم شنیدم که فرمودند:

«من مضت له سنة لم يصلنا من ماله، قلّ أو أكثر، لم ينظر الله إليه

يوم القيامة إلا أن يعفو الله عنه.»<sup>(۱)</sup>

«کسی که یک سال بر او بگذرد و چیزی از مال و ثروت خود را به

ما هدیه ننماید، کم باشد یا زیاد، خداوند در قیامت به او نظر

رحمت نمی‌نماید؛ مگر آنکه او را عفو فرماید.»

و درباره ارزش و فضیلت چنین عملی فرمودند:

«درهم یوصل به الامام أفضل من ألف درهم في غيره في

سبيل الله.»<sup>(۲)</sup>

«یک درهم که هدیه کنی به امام خود، از هزار هزار درهم که در

امور خیریه دیگر در راه خدا انفاق کنی بهتر و با ارزش تر است.»

زیرا امام علیه السلام به موارد مصرف آگاه تر است و آن را در جایی که

ضرورت بیشتری دارد به کار می‌برد، در دوران غیبت که دسترسی به امام

نیست، باید آن را در راهی که امام علیه السلام رضایت دارد و باعث ترویج و تبلیغ

راه امام و مکتب امام علیه السلام است مصرف کند.

## ۱۲- وقتی را برای ظهور معین نکند

و کسانی را که وقت معین می کنند تکذیب نماید

فضیل به امام باقر علیه السلام عرض کرد: آیا برای این امر وقت معینی است؟

حضرت سه مرتبه فرمودند:

«كذب الوقّاتون»<sup>(۱)</sup>

«دروغ می گویند کسانی که وقتی را برای ظهور معین می کنند».

امام صادق علیه السلام به محمد بن مسلم فرمودند:

«من وقت لك من الناس شيئاً فلا تهابن أن تكذبه، فلسنا نوقت لأحد وقتاً»<sup>(۲)</sup>

«هر کس برای شما وقتی برای ظهور معین کرد، نترسید از اینکه او را تکذیب کنید؛ ما برای هیچ کس وقت معین نمی کنیم».

## ۱۳- ادعای نیابت خاصه نکند

و کسانی را که چنین ادعائی دارند تکذیب نماید

در توقیع مبارک امام عصر علیه السلام به آخرین نایب خاص آمده است:

«...ولا توص إلى أحد فيقوم مقامك بعد وفاتك، فقد وقعت الغيبة التامة».

«به کسی وصیت نکن که بعد از وفاتت جانشین تو باشد، زیرا آغاز

۲- بحار، ج ۵۲، ص ۱۰۴، ح ۸.

۱- بحار، ج ۵۲، ص ۱۰۳، ح ۵.

غیبت کبری است.

وسیأتي إلى شيعتي من يدعي المشاهدة، ألا فمن ادعى المشاهدة قبل خروج السفیانی والصیحة فهو كذاب مفتر»<sup>(۱)</sup> و به زودی برای شیعیانم کسانی پیدا می‌شوند که ادعای نیابت خاصه دارند، آگاه باشید هر کس چنین ادعائی پیش از خروج سفیانی و صیحه آسمانی نمود، او را تکذیب کنید».

## ۱۴ - از شهرت اجتناب کند

امیرالمؤمنین علیه السلام بر فراز منبر کوفه فرمودند:

«وان من ورائکم فتناً مظلمة عمیاء منکسفة، لا ینجو منها الا النومة».

«فتنه‌های کور پیچیده تاریکی در پیش دارید، از آن فتنه‌ها جز افراد گمنام نجات پیدا نمی‌کنند».

از حضرت سؤال کردند، گمنام چه کسی است؟ فرمودند:

«الذی یرف الناس ولا یرفونه»<sup>(۲)</sup>.

«کسی که مردم را بشناسد، ولی کسی او را نشناسد».

شهرت، آفت دین و دنیای انسان است و شهرت طلبی سلامت دین و

دنیای انسان را در خطر می‌اندازد.

۱- بحار، ج ۵۱، ص ۳۶۱، وج ۵۲، ص ۱۵۱، ح ۱.

۲- بحار، ج ۵۱، ص ۱۱۲، ضمن ح ۸.

امیرالمؤمنین علیه السلام می فرماید:

«حَبَّ النَّبَاهَةَ رَأْسَ كُلِّ بَلِيَّةٍ»<sup>(۱)</sup>.

«شهرت طلبی منشأ تمام بلاها است».

انسان در فتنه‌های آخر الزمان با گمنام بودن بهتر می‌تواند دینش را حفظ کند.

## ۱۵ - زبان را کنترل نماید

یکی از چیزهایی که باعث سلامت دین و دنیای انسان است، کنترل زبان می‌باشد.

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده‌اند:

«سَلَامَةُ الْإِنْسَانِ فِي حِفْظِ اللِّسَانِ»<sup>(۲)</sup>.

«سلامت انسان در دنیا و آخرت در گرو حفظ زبانش می‌باشد».

و در فتنه‌های آخر الزمان که سلامت دین و دنیای آدمی بیشتر در معرض خطر است، یکی از وظایف مهم ما حفظ زبان است.

جابر از امام محمد باقر علیه السلام سؤال کرد: ای فرزند رسول خدا، بهترین اعمال برای انسان مؤمن در دوران غیبت چیست؟ حضرت فرمود:

«حِفْظُ اللِّسَانِ وَ لَزُومُ الْبَيْتِ»<sup>(۳)</sup>.

«نگهداری و کنترل زبان و ملازم بیت بودن».

۱- شبهای انتظار، ج ۱، ص ۲۷۲، به نقل از عیون الحکم و المواعظ، ص ۲۳۱.

۲- بحار، ج ۷۱، ص ۲۸۶. ۳- بحار، ج ۵۲، ص ۱۴۵، ح ۶۶.

## ۱۶- از محیط‌های فاسد کناره‌گیری نماید

دوری گزیدن از محیط‌های فاسد یکی از راه‌های حفظ دین است. وقتی محیط فاسد است و انسان قدرت ندارد آن را تغییر دهد، برای اینکه آلوده نشود، باید از محیط فاسد کناره‌گیری نماید و بدین وسیله دین و دنیای خود را حفظ کند.

امیرالمؤمنین علیه السلام فرموده‌اند:

«سلامة الدين في اعتزال الناس»<sup>(۱)</sup>.

«سلامت دین در سایه کناره‌گیری از مردم [فاسد] است».

و در آخر الزمان که محیط‌ها معمولاً فاسدتر و افراد آلوده‌ترند، عزلت و کناره‌گیری تأکید بیشتری دارد. و لذا امیرالمؤمنین علیه السلام فرموده‌اند:

«يأتي على الناس زمان تكون العافية فيه عشرة أجزاء، تسعة

منها في اعتزال الناس، وواحدة في الصمت»<sup>(۲)</sup>.

«زمانی بر مردم می‌آید که از ده جزء عافیت، نه جزء آن در

کناره‌گیری از مردم و یک جزء در خاموشی است».

و چون در بعضی از روایات عزلت و کناره‌گیری مذموم شمرده شده، بعضی از علماء گفته‌اند آنچه مطلوب است از عزلت، آن است که دل، معتزل باشد از رفتار ناشایسته خلق؛ یعنی در میان مردم باشی، اما قلب تو با آنان نباشد، به تعبیر دیگر خلوت در میان جمع داشته باشی.

۱- مستدرک الوسائل، ج ۱۱، ص ۳۹۳. ۲- بحار، ج ۷۰، ص ۱۱۰، ح ۷ و ۸.



گفته‌اند: عزلتی که ممدوح است، در میان مردم نیز میسر است؛ با آنان به ظاهر باشی، ولی در باطن کناره‌گیری داشته باشی.<sup>(۱)</sup>

امیرالمؤمنین علیه السلام فرموده‌اند:

«خالطوا الناس بألسنتكم وأبدانکم وزایلوهم بقلوبکم  
وأعمالکم».<sup>(۲)</sup>

«با مردم با زبان و با ظاهر خود معاشرت داشته باشید، ولی با  
قلوب و با اعمال از آنها جدا باشید».

## ۱۷- در خانه خود قرار گیرد و خروج نکند

صدوق رحمته الله در معانی الاخبار از حسین بن خالد روایت کرده است که  
گفت: به حضرت رضا علیه السلام عرض کردم: فدای شما شوم! حدیثی است که  
آن را عبدالله بن بُکَیر از عبید بن زراره روایت کرده است.  
امام علیه السلام فرمود: آن حدیث چیست؟

عرض کردم: از عبید بن زراره روایت شده است که او در سال خروج  
ابراهیم بن عبدالله با امام صادق علیه السلام ملاقات کرد و به آن حضرت عرض  
کرد: ابراهیم، سخنانی گفته و مردم به سوی او شتافته‌اند، شما چه نظری  
دارید و چه دستوری می‌دهید؟

امام صادق علیه السلام فرمود: مادامی که آسمان و زمین آرام گرفته، تقوا پیشه

۱- منتهی الآمال، ج ۲، ص ۲۵۵. ۲- بحار، ج ۵۲، ص ۱۱۶، ضمن ح ۳۷.

کنید و آرام بگیرید.

عبید الله بن بُکَيْر گفته است: اگر چنین باشد، نه خروجی خواهد بود و نه قائم و نه قیام کننده‌ای.

حضرت رضا علیه السلام فرمودند: حدیث درست است، ولی نتیجه‌ای که از آن گرفته شده غلط است؛ مقصود امام صادق علیه السلام از آنچه فرموده‌اند این است که مادامی که آسمان از ندا به اسم صاحب شما ساکت است و زمین از فرو بردن لشکر سفیانی آرام است، شما نیز آرام بگیرید. <sup>(۱)</sup>

از این حدیث و نظایر آن استفاده می‌شود که منتظر برای حفظ دینش باید در فتنه‌های آخر الزمان که هر کس ادعائی دارد و پرچمی به دوش می‌گیرد و خود را به حق می‌داند و به سوی خود دعوت می‌کند، از همراهی با آنها خودداری نماید و خود را حفظ کند و خانه نشینی را اختیار کند، به دنبال هر صدائی نرود و با هر قیام کننده‌ای قیام نکند.

ابو جارود به امام باقر علیه السلام عرض کرد: توصیه‌ای به من بفرمائید.

امام علیه السلام فرمود:

«اوصیک بتقوی الله وأن تلزم بیتک».

«تو را توصیه می‌کنم به تقوای الهی، و اینکه در خانه ات قرارگیری».

«ایاک والخوارج منّا، فانهم لیسوا علی شیء ولا إلی شیء» <sup>(۲)</sup>.

«و از کسانی که از ما طایفه خروج می‌کنند [بدون کسب اجازه و

۲- بحار، ج ۵۲، ص ۱۳۶، ح ۴۱.

۱- بحار، ج ۵۲، ص ۱۸۹، ح ۱۷.

بدون اذن امام] دوری گزینی؛ زیرا آنها نه بر اساس درستی قیام می‌کنند و نه هدف درستی دارند، و نه به مقصود می‌رسند».

ابوبکر حضرمی گوید: من و ابان هنگامی که پرچم‌های سیاه در خراسان برافراشته شده بود، خدمت امام صادق علیه السلام رسیدیم و عرض کردیم: نظر شما چیست؟ امام علیه السلام فرمودند:

«اجلسوا فی بیوتکم».

«در خانه‌های خود بنشینید».<sup>(۱)</sup>

حضرت رضا علیه السلام در ضمن حدیثی فرمودند:

«آیا راضی و خوشنود نیستید که در خانه خود باشید و در حالی که منتظر امر ما هستید بر اهل و عیال خود انفاق کنید؛ اگر در چنین حالی ظهور را درک کردید، مانند کسی باشید که همراه رسول خدا صلی الله علیه و آله در بدر بوده‌اید، و اگر آن دوران را درک نکردید، مانند کسی باشید که با قائم ما و در خیمه آن حضرت بوده است»؟<sup>(۲)</sup>

امیرالمؤمنین علیه السلام فرموده‌اند:

«یأتی علی الناس زمان یكون فیہ أحسنهم حالاً من كان جالساً فی بیته».<sup>(۳)</sup>

«زمانی بر مردم می‌آید که در آن زمان حال کسی از همه بهتر و

۱- بحار، ج ۵۲، ص ۱۳۸، ح ۴۴.

۲- کافی، ج ۴، ص ۲۶۰، ح ۳۴، وسائل، ج ۸، ص ۸۶، ح ۱.

۳- التحصین، ص ۱۸.

نیکوتر است که در خانه‌اش نشسته باشد».

### ۱۸ - تقیه را رعایت کند

هنگامی که مؤمن بترسد از این که ضرری متوجه جان او و یا مال او شود، باید از اظهار حق در نزد دشمن خودداری نماید.

امام صادق علیه السلام فرموده‌اند:

«التقیة واجبة، لا يجوز ترکها إلى أن يخرج القائم علیه السلام فمن ترکها

فقد دخل في نهی الله عزوجل ونهی رسوله صلی الله علیه و آله والأئمة علیهم السلام» (۱).

«تقیه واجب است و تا ظهور مهدی موعود علیه السلام ترک آن جایز

نیست و کسی که آن را ترک کند، آنچه را که خدا و رسول او و ائمه

طاهرین علیهم السلام نهی فرموده‌اند مرتکب شده است».

حضرت رضاء علیه السلام در ضمن حدیثی فرموده‌اند:

«فمن ترك التقية قبل خروج قائمنا فليس منا» (۲).

«هر کس پیش از خروج قائم ما تقیه را ترک کند، از ما نیست».

### ۱۹ - از بردن نام اصلی امام عصر علیه السلام در محافل خودداری

کند

در بخش نام و لقب آن حضرت این مطلب بیان گردیده است.

۱- بحار، ج ۷۵، ص ۴۲۱، ح ۷۹. ۲- کمال الدین، ج ۲، ص ۳۷۱.

## ۲۰- به جهت احترام نام آن بزرگوار مخصوصاً نام مبارک «قائم» برخیزد

در بخش نام و لقب آن حضرت این مطلب بیان گردیده است.

## ۲۱- در خدمت نمودن به آن حضرت کوتاهی نکند

از امام صادق علیه السلام سؤال شد، آیا امام قائم علیه السلام تولّد یافته است؟

فرمودند:

«لا، ولو أدركته لخدمته ایام حیاتی»<sup>(۱)</sup>

«نه، متولّد نشده، و من اگر او را درک کنم، تمام عمرم به وی خدمت می نمایم».

از این کلام نورانی استفاده می شود که خدمت نمودن به امام عصر علیه السلام بهترین طاعت و برترین عبادت و با ارزش ترین وسیله تقرب است.

## ۲۲- برای سلامتی آن حضرت دعا کند و صدقه بدهد

منتظر که بالاترین آرزوی او حفظ و سلامتی وجود مبارک مولایش می باشد، باید در این راه کارهای لازم و مفید را انجام دهد؛ دعا کند و از

خداوند بخواهد همواره هر گونه بدی و بلا و شری را از آن وجود با برکت دور فرماید و از پرداخت صدقه برای این منظور کوتاهی نکند.

سید بن طاووس می فرماید:

پس در دوستی و مهر و وفا به آن بزرگوار و توجه دل و تعلق خاطر، آن گونه باش که خدا و رسول و ائمه طاهرین علیهم السلام می خواهند. و خواسته های حضرت او را بر نیازهای خود مقدم دار و پیش از آنکه برای عزیزانت صدقه دهی، برای آن حضرت صدقه بده. (۱)

### ۲۳- در فراق آن حضرت اندوهگین باشد و گریه کند

امام صادق علیه السلام در ضمن حدیثی فرموده اند:

«لَتَدْمَعَنَّ عَلَيْهِ عَيُونَ الْمُؤْمِنِينَ» (۲)

«دیدگان مؤمنین در فراق او گریان است و بر او اشک

می ریزد».

امام صادق علیه السلام بنا بر نقل سدید صیرفی مانند شخص داغ دیده با دلی

سوخته برای غیبت آن حضرت و مصائب دوران غیبتش می گریست و آه

می کشید و می فرمود:

«سیدی غیبتك نفت رقادي و ضیقت علی مهادی، وابتزت منی

راحة فؤادي...»<sup>(۱)</sup>

«سرور من، غیبت تو خواب را از چشمان من ربوده، عرصه را بر من تنگ نموده و آرامش دلم را از من سلب کرده است، سرور من، غیبت تو مصیبت مرا همیشگی ساخته...».

امام صادق علیه السلام بر اوضاع نابسامان ما در دوران غیبت و بر حوادث ناگواری که پیش می آید، بر فتنه‌ها و شبهه‌ها و انحراف‌ها و تردیدها و ارتدادها و دگرگونی‌ها و لغزشهایی که شیعیان دچار می‌شوند گریه می‌کنند، ولی ما از حال خود غافلیم و توجهی به بزرگی مصیبت نداریم.

حضرت رضا علیه السلام فرموده‌اند:

«يَبْكِي عَلَيْهِ أَهْلُ السَّمَاءِ وَأَهْلُ الْأَرْضِ وَكُلُّ حَرِّيٍّ وَحَرَّانٍ وَكُلُّ حَزِينٍ لَهْفَانٍ»<sup>(۲)</sup>

«اهل آسمان و زمين و هر زن و مرد دلسوخته و محزونی بر آن حضرت می‌گرید».

و اگر درست بنگریم، خواهیم دید که نه تنها اهل ایمان گریه می‌کنند، بلکه دین و قرآن نیز بر او می‌گریند. دینی که از آن تنها اسمی مانده و قرآنی که از آن فقط رسمی مانده؛ از این همه بی‌اعتنائی مردم و بی‌توجهی آنان گریانند و ظهور صاحب خود را از خداوند تمنا دارند.

۲- بحار، ج ۵۱، ص ۱۵۲، ح ۲.

۱- بحار، ج ۵۱، ص ۲۱۹، ح ۹.

## ۲۴- در احیاء امر آن حضرت کوشا باشد

منتظر باید در احیاء امر امام زمانش همت نماید؛ با برپائی مجالس و نشر کتب و آثار ارزنده تا می تواند امام خود را به مردم معرفی نماید، اوصاف او را بیان کند. برنامه های سازنده و کارهای اصلاحی او را که در دست اقدام دارد توضیح دهد. از تحول بی نظیری که با آمدن آن حضرت در جهان رخ می دهد بگوید. دلها را متوجه آن مولای مهربان و آن قطب عالم امکان سازد و تبلیغات سوء دشمنان را خنثی نماید تا مشمول دعای ائمه طاهرین علیهم السلام شود که فرموده اند:

«رحم الله عبداً احیا امرنا»<sup>(۱)</sup>

«خداوند رحمت کند بنده ای را که امر ما اهل بیت را احیاء نماید!»

## ۲۵- یاد آن حضرت را از خاطر نبرد

از وظایف منتظر این است که همواره به یاد آن منتظر باشد. چنان سرگرم زندگی و غرق دنیا نشود که نسبت به امام زمانش غافل گردد؛ بلکه به گونه ای باشد که جای خالی آن حضرت را احساس کند و برای این جهت آه و افسوس از سینه برآورد. سزاوار نیست امام دلسوزی را که می فرماید:

«من همواره مراعات حال شما را می نمایم و یاد شما را از خاطر



نمی‌برم».

از یاد ببریم. او ولی نعمت ما است. در کنار هر نعمتی باید او را به یاد آوریم. او واسطه فیض است، هر خیر و برکتی و رحمتی از طرف خداوند به واسطه آن حضرت به ما می‌رسد، در کنار هر خیری باید او را به یاد آوریم. در زیارت جامعه می‌خوانیم:

«إِنَّ ذَكَرَ الْخَيْرِ كُتِمَ أَوَّلُهُ وَأَصْلُهُ وَفِرْعُهُ وَمَعْدَنُهُ وَمَأْوَاهُ وَمَتْنَاهُ».

یاد آن حضرت بهترین عامل تربیتی روح و روان ما است. یاد آن حضرت روشنی بخش قلب ما و محفل ما و زندگی ما است. یاد آن حضرت حیات جان ما و تقویت ایمان ما است. یاد آن حضرت دوی دردهای ما است. و به همان اندازه که یاد آن حضرت نور و روشنائی ایجاد می‌کند، غفلت از آن حضرت ظلمت و تاریکی به بار می‌آورد و منشأ همه بدی‌ها و نکبت‌ها و آلودگی‌ها است.

ظهور

الف: علائم ظهور

ب: حوادث هنگام ظهور

## ظهور، وعده الهی و حتمی است

کاش می توانستیم گوشه‌ای از آن همه عظمت و شکوهی که در دوران ظهور تحقق پیدا می‌کند به رشته تحریر در آوریم! کاش می توانستیم تصویری از آن همه صفا و پاکی و تقوا و حق و عدالت و ایمان و شجاعت و رفاه و امنیت را که در پرتو ظهور آن حضرت پدیدار می‌شود ترسیم کنیم! زبان از بیان آن همه زیبایی و قلم از تقریر آن عاجز است. ظهور امام عصر علیه السلام ظهور همه ارزش‌ها است، ظهور همه حقایق و واقعیت‌ها است. وقتی ظاهر شود، حکومتی تشکیل می‌دهد که در طول تاریخ بشریت بی سابقه و بی نظیر است. حکومتی بر اساس تقوا و فضیلت، توحید و یکتا پرستی، حکومتی که آمال و آرزوی همه انبیاء و اولیاء الهی بوده است. حکومتی که پایان همه بی عدالتی‌ها، ظلم‌ها، زشتی‌ها، پلیدی‌ها، ناپاکی‌ها، نابسامانی‌ها و ناهنجاری‌ها است، پایان همه غم‌ها و غصه‌ها است.

امیر المؤمنین علیه السلام فرموده‌اند:

«یفرح لخروج اهل السماء وسكانها»<sup>(۱)</sup>.

«با ظهور آن حضرت، اهل آسمان و ساکنان آن شادمان می‌شوند».

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده‌اند:

«فعند ذلك تفرح الطيور في أوكارها والحيتان في بحارها»<sup>(۲)</sup>.

«در هنگام ظهور، پرندگان در لانه‌ها و ماهی‌ها در دریاها شادمان می‌شوند».

این سرور و شادی، همه اهل ایمان را فرا می‌گیرد. همه با آمدن آن حضرت خوشحال می‌شوند؛ حتی مؤمنینی که از دنیا رفته‌اند، به دیدار یکدیگر می‌روند و این پیروزی بزرگ را به هم بشارت می‌دهند.

امیر المؤمنین علیه السلام فرموده‌اند:

«ولا يبقى ميت إلا دخلت عليه تلك الفرحة في قلبه وفي قبره،

وهم يتزاورون في قبورهم ويتباشرون بقيام القائم عليه السلام»<sup>(۳)</sup>.

«مردهای باقی نمی‌ماند، مگر آنکه این شادمانی در قلب او و قبر او وارد می‌شود، و آنها در قبرها و در آن عالم یکدیگر را زیارت می‌کنند و مژده ظهور حضرت مهدی علیه السلام را به هم بشارت می‌دهند».

این وعده الهی است که هرگز تخلف ندارد، در روایات فراوانی که

۱- بحار، ج ۱، ص ۱۲۰، ضمن ح ۲۲. ۲- بحار، ج ۵۲، ص ۳۰۴، ح ۷۳.

۳- بحار، ج ۱، ص ۳۵، ح ۴، و ج ۵۲، ص ۳۲۸، ح ۴۸.

شیعه و سنی نقل کرده‌اند، رسول خدا ﷺ فرموده‌اند:

«اگر از عمر عالم تنها یک روز باقی ماند، خداوند آن روز را به قدری طولانی می‌گرداند تا حجت او و آخرین ذخیره او ظاهر گردد».<sup>(۱)</sup>

امام باقر علیه السلام به ابو حمزه فرمودند:

«یا ابا حمزه، من المحتوم الذي حتمه الله قیام قائمنا».<sup>(۲)</sup>

«ای ابو حمزه، از امور حتمی که خداوند تبارک و تعالی آن را حتمی قرار داده، قیام قائم ما حضرت مهدی علیه السلام است».

### برای ظهور وقت خاصی معین نشده است

آنچه از روایات استفاده می‌شود این است که وقت ظهور، از امور بدائیه است که قابل تقدیم و یا تأخیر می‌باشد؛ و آن به سبب بعضی از مصالح و حکمت‌ها و تحقق بعضی از شروط یا عدم آن است. برای ظهور وقتی را معین نکرده‌اند و فرموده‌اند: هر که وقتی را معین کرد او را تکذیب کنید. و حکمت آن این است که مؤمنین همواره منتظر ظهور باشند و اگر وقت ظهور معین بود، پیش از رسیدن وقت، این حالت برای آنها نبود؛ این امید و شور و نشاط را نداشتند.

۱- بحار، ج ۵۱، ص ۸۴ و ۸۶ و ۹۶ و ۱۰۴ و ۱۵۶ و...

۲- بحار، ج ۵۱، ص ۱۳۹، ح ۱۳ و ج ۵۲، ص ۲۹۴.

## الف: علائم و نشانه‌های ظهور

وقت ظهور را تنها خدا و رسول او و ائمه طاهرین علیهم‌السلام می‌دانند و آن را از ما کتمان نموده‌اند؛ ولی علائم و نشانه‌هایی برای آن بر شمرده‌اند. آشنائی با علائم ظهور و شرائط ویژه‌ای که قبل از قیام حضرت ولی عصر علیه‌السلام پدید می‌آید، عامل مهمی در شناسائی مدعیان دروغین مهدویت است.

عمر بن ابان می‌گوید: از امام صادق علیه‌السلام شنیدم که فرمودند:

«اعرف العلامة، فاذا عرفته لم يضرک تقدّم هذا الأمر أو تأخر»<sup>(۱)</sup>.

«علامت و نشانه را بشناس؛ زیرا زمانی که آن را شناختی، تقدیم یا تأخیر این امر به تو زیانی نمی‌رساند».

بخشی از علائم و نشانه‌های ظهور، مربوط به اوضاع عمومی مردم و تغییراتی است که در آنها از نظر فرهنگی و دینی و اجتماعی پدیدار می‌گردد.

از پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله و ائمه طاهرین علیهم‌السلام روایاتی در مورد اوضاع و احوال آینده به ما رسیده که وضع جامعه، زن‌ها، مردها، علماء، فقهاء، قضات، قاریان قرآن، واعظان، تجّار، کسبه، اغنیاء و فقرا و سایر اقشار و اصناف مردم را بیان کرده‌اند، برخی از روایات ناظر به وضع مردم از نظر

دینی و میزان پای بندی آنها به دین است. به این گونه روایات که در واقع پیشگوئی هائی است نسبت به اوضاع آینده، ملاحظه می شود. اگر کسی بخواهد همه آنها را بررسی کند، کتاب قطوری خواهد شد. ما به خاطر اختصار، تنها به ذکر چند روایت اکتفا می کنیم.

رسول خدا ﷺ فرموده است:

«يأتي على الناس زمان لا يبالي الرجل ما تلف من دينه اذا سلمت ديناه»<sup>(۱)</sup>.

«بر مردم زمانی می آید که باکی ندارند نسبت به آنچه از دینشان تلف شود، مادامی که دنیای آنان سالم بماند».

و در ضمن حدیثی فرموده اند:

«دينهم دراهمهم وهمتهم بطونهم و قبلتهم نساؤهم، یرکعون للرفیف و یسجدون للدرهم، حیاری و سکاری، لا مسلمین ولا نصاری»<sup>(۲)</sup>.

«دین آنان دراهمشان، و همت آنان شکم هایشان می باشد؛ برای شکم تعظیم می کنند و برای درهم به خاک می افتند. حیران و سرگردانند، نه مسلمانند و نه نصرانی».

در روایت دیگر فرموده اند:

«سیأتي زمان على أمتي لا يبقى من القرآن إلا رسمه ولا من الاسلام إلا اسمه، ليسمّون به وهم أبعد الناس منه، مساجدهم

عامرة وهي خراب من الهدى، فقهاء ذلك الزمان شرّ فقهاء تحت ظلّ السماء، منهم خرجت الفتنة واليهم تعود»<sup>(۱)</sup>  
 «به زودی بر امت من زمانی فرا رسد که از قرآن، جز رسم آن و از اسلام جز اسم آن باقی نماند. آنان خود را مسلمان بنامند در حالی که دورترین مردم از اسلام‌اند. مساجد آنان آباد، ولی از هدایت خالی و خراب است. فقهای آن زمان بدترین فقها در زیر آسمان‌اند. فتنه از ایشان برمی‌خیزد و به آنان باز می‌گردد».

و نیز به ابن مسعود فرمود:

«يا بن مسعود، يأتي على الناس زمان الصابر فيه على دينه مثل القابض بكفه الجمره، فان كان في ذلك الزمان ذنباً والّا أكلته الذئاب»<sup>(۲)</sup>

«ای پسر مسعود، زمانی بر مردم بیاید که هر کس بخواهد دین خود را حفظ کند و بر آن ثابت بماند، مانند کسی است که آتش در کف دست خود نگه دارد. کسی که در آن زمان چون گرگ باشد، می‌تواند زندگی کند و گرنه گرگهای درنده او را می‌خورند».

امیرالمؤمنین علیه السلام فرموده‌اند:

«سيأتي عليكم من بعدي زمان ليس في ذلك الزمان شيء أخفى من الحق ولا أظهر من الباطل، ولا أكثر من الكذب على الله تعالى ورسوله صلوات الله عليهم، وليس عند اهل ذلك الزمان سلعة

۲- المزام الناصب، ج ۲، ص ۱۵۰.

۱- بحار، ج ۵۲، ص ۱۹۰، ح ۲۱.



أبور من الكتاب إذا تلي حق تلاوته، ولا سلعة أنفق ببعاً  
ولا أعلى ثمناً من الكتاب إذا حرّف عن مواضعه، وليس في  
العباد ولا في البلاد شيء هو أنكر من المعروف، ولا أعرف من  
المنكر...»<sup>(۱)</sup>

«به زودی بعد از من بر شما خواهد آمد زمانی که در آن چیزی  
پنهان تر از حق نیست [یعنی بی رونق است] و چیزی ظاهرتر از  
باطل نیست [یعنی پر رونق است] در آن زمان دروغ بستن بر خدا  
و پیامبرش از هر چیزی بیشتر است. در آن زمان متاعی کم  
ارزش تر از قرآن در نزد مردم نیست، در صورتی که درست خوانده  
شود و به حق تلاوت شود. و متاعی از نظر ارزش به پای کتاب  
خدا نمی‌رسد اگر تحریف شود و بر خلاف حق و مطابق میل  
ایشان تفسیر گردد در آن زمان و در آن شهرها هیچ چیزی از  
معروف [یعنی کارهای خوب و خدا پسند] زشت‌تر، و هیچ کاری از  
منکر [یعنی کارهای خلاف و ناپسند] زیباتر نیست».

بعضی از علائم و نشانه‌ها مربوط به اوضاع طبیعت است؛ مانند  
خشکسالی، قحطی، کثرت زلزله، کم شدن برداشت از زراعت‌ها،  
سیل‌های وسیع، گسترش گرما، طلوع ستارهٔ دنباله دار، و...

امام صادق علیه السلام فرموده‌اند:

«علامة خروج المهدي عليه السلام كسوف الشمس في شهر رمضان

في ثلاث عشرة وأربع عشرة منه»<sup>(۱)</sup>.

«نشانه ظهور حضرت مهدی علیه السلام خورشید گرفتگی در ماه مبارک  
رمضان در روز سیزدهم و یا چهاردهم است».

حضرت رضا علیه السلام فرمودند: پیش از این امر یعنی ظهور حضرت  
مهدی علیه السلام بیوح واقع می شود.

راوی می گوید: من نمی دانستم بیوح یعنی چه؟ وقتی به حج رفتم، در  
راه حج شنیدم بیابانگردی می گوید: امروز روز بیوح است. به او گفتم:  
بیوح چیست؟ گفت: بسیار گرم.<sup>(۲)</sup>

امام باقر علیه السلام فرموده اند:

«آیتان بین یدی هذا الأمر خسوف القمر لخمس وكسوف  
الشمس لخمس عشرة، ولم يكن ذلك منذ هبط آدم عليه السلام إلى  
الأرض وعند ذلك يسقط حساب المنجمين»<sup>(۳)</sup>.

«در پیشاپیش ظهور، دو نشانه دیده می شود:

۱. ماه گرفتگی در پنجم ماه.

۲. خورشید گرفتگی در پانزدهم ماه. از وقتی که خداوند

حضرت آدم را به این دنیا فرستاده، چنین واقعه‌ای رخ نداده و در آن

۱- غیبت نعمانی، ص ۲۷۲.

۲- غیبت نعمانی، ص ۲۷۱، بحار، ج ۵۲، ص ۲۴۲، ح ۱۱۳.

۳- سپیده دم ظهور، ج ۲، ص ۱۱۰.

هنگام حساب منجمان به هم می‌ریزد»<sup>(۱)</sup>.

بعضی از علائم و نشانه‌ها مربوط به سال ظهور است؛ مانند خروج سید حسنی و خروج سفیانی.

بعضی از علائم و نشانه‌ها مربوط به روز ظهور است؛ مانند فریادی از آسمان.

در یک تقسیم بندی دیگر بعضی از علائم و نشانه‌ها حتمی نیست و بعضی از آنها حتمی است، و آن را دو گونه تفسیر کرده‌اند:

تفسیر اول این است که بعضی از علائم هستند که حتماً تحقق پیدا می‌کنند و بعضی از علائم تحقق آنها حتمی نیست.

تفسیر دوم این است که بعضی از علائم هستند که اگر تحقق پیدا کردند به دنبال آن ظهور حتمی است و بعضی این گونه نیستند ممکن است تحقق پیدا کنند و ظهور به دنبال آن نباشد.

در مورد علائم حتمی امام صادق علیه السلام فرموده‌اند:

«النداء من المحتوم والسفیانی من المحتوم وقتل النفس الزکیة من المحتوم وكفّ تطلع من السماء من المحتوم»<sup>(۲)</sup>.

«ندای آسمانی حتمی است، خروج سفیانی حتمی است، کشته شدن نفس زکیه حتمی است، پیدا شدن دستی در آسمان حتمی است».

در حدیث دیگری فرموده‌اند:

۱- نشانه‌های ظهور او، ص ۱۲۳، مکیال المکارم، ج ۲، ص ۱۸۹.

۲- اثبات الهداة، ...

«من المحتوم الذي لا بدّ أن يكون من قبل قيام القائم عليه السلام خروج السفیانی، و خسف بالبيداء، و قتل النفس الزکیّة و المنادی من السماء»<sup>(۱)</sup>.

«از علائم حتمی که پیش از ظهور حضرت ولی عصر علیه السلام تحقق پیدا می کند، خروج سفیانی و فرو رفتن زمین در بیداء، و کشته شدن نفس زکیّه و ندای آسمانی است».

### سفیانی

او از نسل ابو سفیان است و بسیار پلید و جنایت کار و سفاک می باشد، پیش از ظهور امام عصر علیه السلام از سرزمین شام قیام می کند و پس از تصرف شام و مناطق اطراف آن به عراق حمله می کند و بیشترین سعی او کشتار شیعیان است.

امیر المؤمنین علیه السلام فرموده اند:

«ولا يزال السفیانی یقتل کلّ من اسمه محمّد و علیّ و حسن و حسین و فاطمة... بغضاً و حنفاً لآل محمّد علیهم السلام».

«سفیانی پیوسته می کشد کسانی را که به نام های محمّد، علی، فاطمه، حسن و یا حسین باشند. به خاطر کینه و عداوتی که به آل محمّد علیهم السلام دارد».

امام صادق علیه السلام فرموده اند:

«السفیانی من المحتوم و خروجه فی رجب و من اوّل خروجه  
الی آخره خمسة عشر شهراً»<sup>(۱)</sup>

«سفیانی از علائم حتمی است و خروج او در ماه رجب است و از  
ابتدای خروجش تا هلاکتش بیش از پانزده ماه نخواهد بود».

### خسف بیداء

یکی از علائم حتمی ظهور، خسف یعنی فرو رفتن زمین است در بیداء  
و آن محلی است میان مکه و مدینه. هنگامی که سفیانی لشکری را به سوی  
مکه برای مقابله با امام زمان علیه السلام روانه می سازد، به منطقه بیداء که رسیدند  
به امر الهی زمین همه آنها را در خود فرو می برد و تنها دو نفر باقی می ماندند  
که این خبر را یکی از آندو به امیر لشکر ایمان، حضرت بقیة الله علیه السلام و  
دیگری به امیر لشکر کفر، یعنی سفیانی ملعون می رسانند.

امام باقر علیه السلام فرموده اند:

«فیلغ امیر جيش السفیانی أن المهدی قد خرج إلى مكة،  
فیبعث جيشاً علی أثره فلا یدرکه...»<sup>(۲)</sup>

«به فرمانده سپاه سفیانی خبر می رسد که مهدی علیه السلام به سوی  
مکه رفته است، پس لشکری را در پی او روانه سازد، ولی او را  
نیابد... چون لشکر سفیانی به سرزمین بیداء می رسند، ندا

۱- بحار، ج ۵۲، ص ۲۴۸، ح ۱۳۰. ۲- غیبت نعمانی، ص ۲۸۰، ح ۶۷، باب ۱۴.

دهنده‌ای از آسمان ندا دهد: ای بیداء، آنان را نابود کن؛ پس آن زمین لشکر را در خود فرو می‌برد».

## خروج یمانی

در طلوعه ظهور، مردی از یمن به پا خیزد و مردم را به سوی خدا دعوت می‌کند و به حق فرا می‌خواند.

امام باقر علیه السلام فرموده‌اند:

«لیس فی الرايات رایة اهدی من رایة الیمانی، هی رایة هدی  
لأنه یدعوا الی صاحبکم»<sup>(۱)</sup>.

«در میان رایات، هیچ رایتی هدایت کننده‌تر از رایت یمانی نیست، رایت او رایت هدایت است؛ زیرا به سوی صاحب شما یعنی حضرت مهدی علیه السلام دعوت می‌کند».

## صیحه آسمانی

یکی از علائم حتمی ظهور، صیحه‌ای است که از آسمان به گوش همهٔ جهانیان می‌رسد و از ویژگی‌هایش این است که هر ملتی و طایفه‌ای به زبان خودش آن را دریافت می‌کند.

زراره از امام صادق علیه السلام سؤال کرد، آیا ندای آسمانی حق است؟

---

۱- غیبت نعمانی، ص ۲۵۶، ح ۱۳، باب ۱۴.

حضرت فرمودند:

«ای والله، حتی یسمعه کل قوم بلسانهم»<sup>(۱)</sup>.

«آری، به خدا قسم! و هر قومی آن را با زبان خودش می شنود».

وقت این ندای آسمانی در شب جمعه بیست و سوم ماه مبارک رمضان خواهد بود.

امام صادق علیه السلام فرموده اند:

«لا ینخرج القائم علیه السلام حتی ینادی باسمه من جوف السماء فی

لیلة ثلاث وعشرین فی شهر رمضان لیلة الجمعة»<sup>(۲)</sup>.

«قائم علیه السلام خروج نمی کند تا آنکه ندائی از آسمان به نام آن

حضرت در شب بیست و سوم ماه رمضان شنیده شود».

و اما محتوای این ندای آسمانی چیست؟ روایات در این زمینه مختلف است و ما به بعضی از آنها اشاره می کنیم.

امام صادق علیه السلام در ضمن حدیثی فرموده اند:

«ینادی مناد: انّ علیاً وشیعته الفائزون»<sup>(۳)</sup>.

«منادی ندا دهد: همانا علی علیه السلام و شیعیان آن حضرت کامیاب و

پیروزند».

در ضمن حدیثی فرموده اند: ندای او این است:

«یا اهل الحق اجتمعوا»<sup>(۴)</sup>.

۲- بحار، ج ۵۲، ص ۱۱۹، ح ۴۸.

۱- بحار، ج ۵۲، ص ۲۴۴، ح ۱۲۰.

۴- بحار، ج ۵۲، ص ۳۶۵، ح ۱۴۵.

۳- بحار، ج ۵۲، ص ۳۰۵، ح ۷۵.

«ای اهل حق، گرد هم آید».

در حدیث دیگری فرموده‌اند: ندای او چنین است:

«ألا ان فلاناً صاحب الأمر»<sup>(۱)</sup>.

«آگاه باشید! فلانی، یعنی حجة ابن الحسن علیه السلام صاحب الأمر است».

### قتل نفس زکیّه

از علائم حتمی ظهور، کشته شدن شخص پاک و بی گناهی است که به دست دشمنان امام زمان علیه السلام انجام می‌گیرد، محلّ حادثه بین رکن و مقام و زمان آن پانزده روز پیش از قیام حضرت مهدی علیه السلام است.

امام صادق علیه السلام در ضمن حدیثی فرموده‌اند:

«لابدّ أن يكون قبل قيام القائم خروج السفیانی... و قتل النفس الزکیة»<sup>(۲)</sup>.

«پیش از قیام قائم علیه السلام ناگزیر چند حادثه مهم واقع می‌شود، یکی از آنها قتل نفس زکیه است».

و نیز آن حضرت فرموده‌اند:

«لیس بین قیام قائم آل محمد علیهم السلام و بین قتل النفس الزکیة الا

۲- بحار، ج ۵۲، ص ۲۹۴، ح ۴۴.

۱- بحار، ج ۵۲، ص ۲۹۶، ح ۵۲.



خمسة عشر ليلة»<sup>(۱)</sup>.

«فاصله بین قیام حضرت مهدی علیه السلام و قتل نفس زکیّه، بیش از پانزده شب نیست».

در روایات، علائم فراوان دیگری ذکر شده، از قبیل خروج سیّد حسنی، خراسانی، مصری و خروج دجال، ظاهر شدن فتنه‌ها و آشوبها و هرج و مرج، برافراشته شدن رایات فراوان و... که شرح آنها در کتابهای مربوطه بیان شده است، نکته‌ای که قابل ذکر است این است که منتظر همواره باید در حال انتظار باشد، منتظر وقوع علائم نباشد؛ بلکه منتظر ظهور باشد. زیرا فرموده‌اند در این علائم ممکن است بدا شود؛ حتی در حتمیّات آنها. زیرا گفتیم معنای حتمی بودن آنها این نیست که وقوع آنها حتمی است؛ بلکه معنایش این است که اگر واقع شدند، ظهور حتمی است. داود بن قاسم گوید: در خدمت حضرت جواد الائمه علیه السلام بودیم، ذکر سفیانی به میان آمد و اینکه در روایات گفته شده از امور حتمی است، عرض کردم: آیا در علائم حتمی برای خداوند بدا هست؟ فرمود: آری. عرض کردم: می‌ترسم که برای خداوند در مورد قائم علیه السلام نیز بدا شود، فرمود: قائم علیه السلام وعده الهی است و وعده او هرگز تخلف ندارد.<sup>(۲)</sup> و لذا باید گفت، تنها اراده خداوند است که وقت ظهور را معین می‌کند و لذا امام صادق علیه السلام فرموده‌اند:

۱- بحار، ج ۵۲، ص ۲۰۳، ح ۳۰. ۲- بحار، ج ۵۲، ص ۲۵۰، ح ۱۳۸.

«توقع امر صاحبك ليلك ونهارك»<sup>(۱)</sup>.

«شب و روز چشم به راه ظهور مولایت باش».

و نیز فرموده‌اند:

«توقعوا الفرج كل صباح ومساء»<sup>(۲)</sup>.

«هر صبح و شام توقع فرج داشته باشید و منتظر آن باشید».

و رسول خدا ﷺ فرموده‌اند:

«لا يأتيكم إلا بغتة».

«او جز ناگهانی نخواهد آمد».

و ظهور او ناگهانی خواهد بود، و بر این اساس، منتظر همواره باید آمادگی برای ظهور و یاری آن حضرت داشته باشد. هر بامداد تجدید عهد و پیمان کند و اظهار کند که من بر پیمان خویش پایدار و استوارم و در هیچ شرایطی شما را رها نخواهم ساخت و در امر امامت شما ثابتم.

### ب: حوادث هنگام ظهور

بعضی از حوادثی که در هنگام ظهور، رخ می‌دهند، عبارتند از:

۲- بحار، ج ۵۲، ص ۱۴۵، ضمن ح ۶۷.

۱- بحار، ج ۹۸، ص ۱۵۹.

## ۱- شمشیر و علم آن حضرت، خبر از وقت ظهور می دهند

رسول خدا ﷺ در ضمن حدیثی فرموده اند:

«له علم اذا حان وقت خروجه انتشر ذلك العلم من نفسه  
وأنطقه الله عزوجل فناداه العلم: اخرج يا ولي الله، فاقتل  
اعداء الله.»

وله سيف مغمم فاذا حان وقت خروجه اقتلع ذلك السيف من  
غمده وأنطقه الله عزوجل، فناداه السيف: اخرج يا ولي الله، لا  
يحل لك أن تقعد من أعداء الله.»<sup>(۱)</sup>

«برای آن حضرت پرچمی است که چون هنگام خروج ایشان فرا  
رسد، گشوده می شود و خداوند او را به سخن گفتن وا می دارد و  
او می گوید: ای ولی خدا، خروج کن و دشمنان خدا را به هلاکت  
برسان.»

و آن حضرت شمشیری دارد که غلاف شده است؛ هنگامی که  
وقت خروج ایشان فرا رسد، از نیام خارج می شود و خدا او را گویا  
می گرداند و او ندا می دهد: ای ولی خدا، خروج کن، دیگر روا  
نیست که نسبت به دشمنان خدا سکوت کنی.»

البته این بدان معنا نیست که امام زمان علیه السلام از نطق آنها، به وقت ظهور  
آگاهی پیدا می کند، بلکه او به عنایت پروردگار و الهام الهی از وقت ظهور

آگاهی دارد.

از امام صادق علیه السلام در مورد این آیه شریفه ﴿فَإِذَا نُقِرَ فِي النَّاقُورِ﴾<sup>(۱)</sup> سؤال کردند: حضرت فرمودند:

«إِنَّ مَنَا إِمَامًا فَإِذَا أَرَادَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ إِظْهَارَ أَمْرِهِ نَكَتَ فِي قَلْبِهِ نَكْتَةً فَظَهَرَ فَقَامَ بِأَمْرِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ»<sup>(۲)</sup>.

«از ما امامی پنهان و غائب از نظرها است؛ زمانی که خداوند بخواهد امر او را ظاهر گرداند، به قلب مبارک او اشاره‌ای می‌نماید و الهام می‌فرماید و او به امر خداوند تبارک و تعالی قیام می‌کند».

و این امر عاقبت به دعای خود حضرت تحقق پیدا می‌کند.

امام صادق علیه السلام در تفسیر این آیه شریفه ﴿أَمَّنْ يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ وَيَكْشِفُ السُّوءَ...﴾ فرموده‌اند:

این آیه مبارکه در شأن قائم آل محمد علیهم السلام نازل شده است، به خدا قسم! مقصود از «مضطّر» وجود نازنین آن حضرت است. هنگامی که در مقام دو رکعت نماز بخواند و دعا کند، خداوند دعایش را به اجابت رساند و به دوران غیبتش خاتمه بخشد و او را خلیفه در روی زمین قرار دهد.<sup>(۳)</sup>

۱- المدثر، آیه ۸. ۲- بحار، ج ۵۱، ص ۵۸، ح ۴۹.

۳- تفسیر برهان، ج ۷، ص ۲۸۹، ح ۹، تفسیر قمی، ج ۲، ص ۱۰۵.

## ۲- فرمان ظهور صادر می شود

مفضل به امام صادق علیه السلام عرض کرد: ای سرور من، آن حضرت از کجا ظهور می کند و کیفیت ظهورش چگونه است؟

فرمود: او ظهور می کند در حالی که تنها است و به تنهایی طرف بیت الحرام می آید و تنها وارد کعبه می شود. تاریکی شب همه جا را فرا می گیرد و او همچنان تنها است. وقتی پاسی از شب گذشت و چشم‌ها به خواب رفت، جبرئیل و میکائیل و چند صف از فرشتگان فرود می آیند و به محضر آن حضرت شرفیاب می شوند و عرض می کنند: ای آقای ما! دعای شما مستجاب گردید و فرمان ظهور صادر شد.

امام علیه السلام دست مبارک خود را بر صورت می کشد و می فرماید:

﴿الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي صَدَقْنَا وَعَدَّهُ وَأَوْرَثَنَا الْأَرْضَ نَتَبَوُّ مِنَ الْجَنَّةِ  
حَيْثُ نَشَاءُ فَنِعْمَ أَجْرُ الْعَامِلِينَ﴾<sup>(۱)</sup>

«سپاس و ستایش مخصوص خداوندی است که به وعده خود درباره ما عمل نمود و ما را وارث زمین ساخت و در هر کجا از بهشت که بخواهیم منزل می کنیم. و این پاداش خوبی برای کسانی است که به دستورات او عمل نموده اند».

آنگاه در بین رکن و مقام می ایستد و فریاد برمی آورد: ای گروه نقباء و ای یاران خاص من، و ای کسانی که خداوند پیش از ظهورم شما را برای

یاری من ذخیره کرده است، با میل و رغبت به سوی من آئید. صدای امام علیه السلام به آنها در شرق و غرب عالم می‌رسد، در حالی که بعضی از آنها در محراب عبادتند و عده‌ای در بسترها آرمیده‌اند. همین که صدا را شنیدند، همه در یک چشم به هم زدن به طرف امام علیه السلام روی آورده و خود را به حضور امام علیه السلام می‌رسانند. و آنها سیصد و سیزده نفر به تعداد لشکریان رسول خدا صلی الله علیه و آله در جنگ بدر هستند.

### ۳- بیعت با امام عصر علیه السلام انجام می‌شود

امام صادق علیه السلام به مفضل فرمودند: ای مفضل، امام قائم علیه السلام تکیه به بیت الحرام می‌دهد و دست مبارک خود را دراز می‌کند و می‌فرماید: این دست از طرف خدا و به فرمان او دراز شده است؛ سپس این آیه شریفه را تلاوت می‌فرماید:

﴿إِنَّ الَّذِينَ يُبَايِعُونَكَ إِنَّمَا يُبَايِعُونَ اللَّهَ يَدُ اللَّهِ فَوْقَ أَيْدِيهِمْ فَمَنْ نَكَثَ فَإِنَّمَا يَنْكُثُ عَلَىٰ نَفْسِهِ...﴾<sup>(۱)</sup>

«کسانی که با تو بیعت می‌کنند، در حقیقت با خدا بیعت می‌کنند، دست خدا فوق دستهای ایشان است؛ پس هر کس آن بیعت را بشکند به زیان خود پیمان شکنی کرده است.»

اوّل کسی که دست آن حضرت را می‌بوسد و بیعت می‌کند، جبرئیل

است؛ بعد از او فرشتگان و سپس نجباء جن و آنگاه نقباء بیعت می‌کنند. (۱)

#### ۴- اول کسی که با آن حضرت بیعت می‌کند

امام صادق علیه السلام فرموده‌اند:

«إِنَّ أَوَّلَ مَنْ يَبَايِعُ الْقَائِمَ عليه السلام جَبْرَائِيلُ عليه السلام». (۲)

«بدون تردید اول کسی که با امام قائم علیه السلام بیعت می‌کند، جبرئیل علیه السلام است».

و پس از جبرئیل، اصحاب حضرت اظهار وفاداری و اعلام آمادگی نمایند و با سرور و مولای خویش بیعت کنند.

#### ۵- شمشیرهای نبرد از آسمان نازل شوند

آنچه از روایات استفاده می‌شود و به آن تصریح شده، این است که قیام آن حضرت با شمشیر است. در ضمن شباهتهائی که امام عصر علیه السلام به انبیاء دارد، شباهتی به خاتم انبیاء برای آن حضرت ذکر شده است.

امام سجاد علیه السلام فرموده‌اند:

«فِي الْقَائِمِ مَنَّا سِنٌّ مِّنْ سِنِّ الْأَنْبِيَاءِ عليهم السلام... وَأَمَّا مِنْ مُحَمَّدٍ صلى الله عليه وآله

فَالخُرُوجُ بِالسِّيفِ». (۳)

۲- بحار، ج ۵۲، ص ۲۸۵، ح ۱۸.

۱- بحار، ج ۵۳، ص ۱-۱۶.

۳- بحار، ج ۵۱، ص ۲۱۷، ضمن ح ۴.

«در قائم ما اهل بیت صلی الله علیه و آله سنت هائی از سنت‌های پیامبران است... سنتی که از حضرت محمد صلی الله علیه و آله در آن حضرت می‌باشد، خروج با شمشیر است».

امام باقر علیه السلام در ضمن حدیثی فرموده‌اند:

«یضع سيفه علی عاتقه ثمانية أشهر ولا يزال یقتل اعداء الله حیت یرضی الله». (۱)

«مدت هشت ماه شمشیر خود را بر دوش نهد و پیوسته دشمنان خدا را به قتل رساند تا خدا خوشنود گردد».

امام صادق علیه السلام فرموده‌اند:

«إذا قام القائم علیه السلام نزلت سیوف القتال، علی کلّ سيف اسم الرجل واسم أبيه». (۲)

«هنگامی که حضرت قائم علیه السلام قیام کند، شمشیرهای نبرد از آسمان نازل شود، بر هر شمشیری نام شخص و پدرش نگاشته شده است».

## ۶- جبرئیل برای آن حضرت لواء نصر می‌آورد

لواء نصر، پرچمی است که نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله بوده است (۳) و آن

۲- بحار، ج ۵۲، ص ۳۵۶، ح ۱۲۱.

۱- بحار، ج ۵۱، ص ۲۱۸، ح ۷.

۳- امام صادق علیه السلام به ابو بصیر فرمودند:



حضرت آن را در جنگ بدر گشودند. با گشودن آن، ملائکه مسومین و مردفین حاضر شدند و با سپاه کمی که داشتند و عدد آنها از سیصد و سیزده نفر تجاوز نمی کرد بر لشکر کفر و شرک که بیش از ده هزار نفر بودند پیروز گردیدند.

امیر مؤمنان علیه السلام در جنگ بصره آن را گشودند و هنوز شب نشده بود که لشکر دشمن شکست خورد، در جنگ صفین از آن حضرت تقاضا کردند که آن را بگشاید، امتناع ورزیدند و فرمودند:

«لا ينشرها أحد حتى يقوم القائم صلى الله عليه وآله»

«دیگر کسی آن را نگشاید تا امام قائم علیه السلام قیام کند و او آن را بگشاید».

از ویژگی های این پرچم رعب و وحشتی است که در دل دشمن می افکند.

امام صادق علیه السلام فرموده اند:

«يسير الرعب قدامها شهراً ووراءها شهراً وعن يمينها شهراً  
وعن يسارها شهراً»<sup>(۱)</sup>

«از چهار جهت تا فاصله یک ماه راه، خوف و وحشت در دل دشمنان ایجاد می کند».

---

➤ «رایته رایة رسول الله صلى الله عليه وآله، ما هي والله من قطن ولا كتان ولا قز ولا حرير».

«عرض کرد: پس از چه چیزی است؟ فرمودند: هي ورق الجنة».

غیبت نعمانی، ص ۳۰۷، ضمن ح ۲. ۱- غیبت نعمانی، ص ۳۰۸، ح ۲.

و از ویژگی‌های آن نابودی هر کسی و هر گروهی است که با آن روبرو شود.

امام صادق علیه السلام فرموده‌اند:

«ينتشر راية رسول الله صلى الله عليه وآله عمودها من عمود العرش وسائرها من نصر الله، لا يهوي بها الى شيء ابداً الاً اهلكه الله، فاذا هزها لم يبق مؤمن الاً صار قلبه كزبر الحديد»<sup>(۱)</sup>.

«پرچم رسول خدا صلى الله عليه وآله را که پایه آن از پایه‌های عرش الهی و بقیه آن از نصرت الهی است باز می‌کند، هرگز با آن پرچم به چیزی هجوم نیاورد، مگر آنکه خداوند آن را نابود سازد. هنگامی که پرچم را به اهتزاز در آورد، هر مؤمنی قلبش چون پاره‌های آهن با صلابت گردد...»

دیگر از ویژگی‌های پرچم آن حضرت، این است که با اهتزاز آن، ما بین مشرق و مغرب روشن شود.

امیرالمؤمنین علیه السلام فرموده‌اند:

«فاذا هز رايته أضاء لها ما بين المشرق والمغرب»<sup>(۲)</sup>.

«هنگامی که پرچم خود را به اهتزاز در آورد، ما بین مشرق و مغرب را روشنی بخشد».

۲- بحار، ج ۵۱، ص ۳۵، ح ۴.

۱- بحار، ج ۵۲، ص ۳۲۸، ح ۴۸.

## ۷- امام عصر علیه السلام با داشتن سنّ زیاد

### به شکل جوان ظاهر می‌گردد

در بحث طول عمر آن حضرت ذکر گردید که از ویژگی‌های آخرین حجت حق این است که مرور ایام و گذران شب و روز بر آن وجود مقدس اثر نمی‌گذارد؛ زیرا که او ولی عصر و زمان است و امر او بر همهٔ ممکنات نافذ و اطاعتش بر ما سوی الله به وجوب تکوینی واجب است. و لذا آن سرور عالم با عمری طولانی، ولی سیمای جوان در چهره‌ای چهل ساله یا کمتر ظاهر خواهد شد. و این یک آزمون و امتحان است که چه کسانی اقرار به قدرت پروردگار می‌نمایند و چه کسانی در مورد آن، تردید خواهند نمود.

امام مجتبی علیه السلام فرموده‌اند:

«لو قام المهدي علیه السلام لأنكره الناس، لأنه يرجع اليهم شاباً وهم يحسبونه شيخاً كبيراً»<sup>(۱)</sup>

«چون حضرت مهدی علیه السلام قیام کند، مردم او را انکار نمایند؛ زیرا می‌پندارند که پیری کهن سال است در حالی که او را به صورت جوان مشاهده می‌کنند که به سوی آنها بازگشته است».

امام صادق علیه السلام فرموده‌اند:

«وإن من اعظم البلیة أن يخرج اليهم صاحبهم شاباً وهم

بحسبونه شيخاً كبيراً»<sup>(۱)</sup>.

«از بزرگترین بلاها و سختی‌ها این است که صاحب ایشان به صورت جوان ظاهر می‌گردد در حالی که آنها می‌پنداشته‌اند که او پیر مردی کهن سال است».

## ۸- با شکوه و عظمت خاصی خروج می‌کند

امام باقر علیه السلام فرموده است:

«او در حالی که پیراهن رسول خدا صلی الله علیه و آله را که در روز احد به تن داشته، پوشیده، عمامه آن حضرت را که سحاب نام دارد بر سر نهاده، و زره آن حضرت را به تن نموده، و ذوالفقار را حمایل فرموده، خروج فرماید»<sup>(۲)</sup>.

## ۹- ابری بر سر آن حضرت سایه می‌افکند

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند:

«يُخْرِجُ الْمَهْدِيَّ عليه السلام وَعَلَى رَأْسِهِ غِمَامَةٌ، فِيهَا مَنَادٌ يَنَادِي، هَذَا الْمَهْدِيُّ خَلِيفَةُ اللَّهِ فَاتَّبِعُوهُ»<sup>(۳)</sup> (۴).

۱- منتخب الأثر، ص ۲۸۵، باب ۳، بحار، ج ۵۲، ص ۲۸۷، ذح ۲۴.

۲- بحار، ج ۵۲، ص ۳۶۱، ح ۱۲۹.

۳- در حدیث لوح آمده است: «م ح م د يَخْرُجُ فِي آخِرِ الزَّمَانِ، عَلَى رَأْسِهِ غِمَامَةٌ بِيضَاءَ،

«حضرت مهدی علیه السلام خروج می‌کند و بر بالای سر مبارک او ابری است که در آن منادی ندا کند: این است مهدی موعود که خلیفه خداوند است، از او پیروی کنید».

و در روایت دیگر فرموده‌اند:

«بالای سر آن حضرت، فرشته‌ای است که ندا می‌کند: این است مهدی موعود، از او متابعت کنید».<sup>(۵)</sup>

### ۱۰ - امام عصر علیه السلام خطبه می‌خواند

#### و مردم را به یاری خویش دعوت می‌کند

آن حضرت در ابتدای ظهور به کعبه تکیه نموده و خود را معرفی می‌کند و انتساب خود را به پیامبر و ائمه هدی بیان می‌نماید و می‌فرماید: کسی از نظر نسب و از نظر فضائل و کمالات به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نزدیک‌تر از من نیست؛ آنگاه مظلومیت خویش را اظهار و از مردم طلب یاری می‌نماید و می‌فرماید:

➤ تظَّله من الشمس، تنادي بلسان فصیح، يسمعه الثقلين والخافقين؛ هو المهدي من آل محمد، يملأ الأرض عدلاً كما ملئت جوراً؛ «حضرت مهدی علیه السلام در آخر الزمان قیام کند، ابر سفیدی در همه جا سایه بر آفتاب و جودش بیفکند و با زبانی فصیح ندا کند که آن را جن و انس بشنوند و مشرق و مغرب را فرا گیرد: او مهدی از آل محمد علیهم السلام است، زمین را پر از عدل و داد می‌نماید همان طور که پر از ظلم و ستم باشد».

بحار، ج ۵۲، ص ۳۷۸، ح ۱۸۳. ۴ - بحار، ج ۵۱، ص ۸۱، ح ۱۶.

۵ - بحار، ج ۵۱، ص ۸۱، ح ۱۷.

«فالله الله فينا، لا تخذلونا وانصرونا ينصركم الله تعالى». (۱)  
 «خدا را، خدا را در مورد ما در نظر بگیرید؛ ما را رها نکنید و تنها  
 نگذارید و یاریمان نمائید، تا خداوند تبارک و تعالی شما را یاری  
 نماید».

### ۱- لشکریان امام عصر علیه السلام که او را یاری می کنند

امام صادق علیه السلام در ضمن حدیثی فرموده اند:

«یوئده الله بثلاثة أخبار: الملائكة والمؤمنين والرعب». (۲)  
 «خداوند آن حضرت را به سه لشکر یاری می نماید، ملائکه،  
 مؤمنین، و ترس و وحشت».

الف. فرشتگان:

امام باقر علیه السلام فرموده اند:

«لو قد خرج قائم آل محمد عليه السلام لنصره الله بالملائكة...»  
 «اگر قائم آل محمد عليه السلام ظهور فرماید، خداوند او را با فرشتگان  
 یاری نماید».

امام صادق علیه السلام فرموده اند:

«إذا قام القائم صلوات الله عليه، نزلت ملائكة بدر و هم خمسة  
 آلاف». (۳)

۲- غیبت نعمانی، ص ۲۴۳ ح ۴۳.

۱- غیبت نعمانی، ص ۲۸۱.

۳- غیبت نعمانی، ص ۲۴۴، ح ۴۴.

«هنگامی که حضرت قائم علیه السلام قیام کند، فرشتگانی که در جنگ بدر در خدمت رسول خدا صلی الله علیه و آله بودند و تعدادشان پنج هزار نفر بود فرو آیند».

امام صادق علیه السلام فرموده‌اند:

«در هنگام ظهور، سیزده هزار و سیصد و سیزده فرشته برای یاری او از آسمان فرود آیند».

راوی گوید: عرض کردم: این تعداد زیاد، همه از فرشتگان هستند؟  
فرمود: آری. فرشتگانی که با حضرت نوح بودند، وقتی سوار کشتی شد. فرشتگانی که با حضرت ابراهیم علیه السلام بودند، وقتی او را در میان آتش افکندند. فرشتگانی که با حضرت موسی علیه السلام بودند، وقتی دریا را برای بنی اسرائیل شکافت، فرشتگانی که با حضرت عیسی علیه السلام بودند وقتی خداوند او را به آسمان بالا برد، چهار هزار فرشته‌ای که با پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بودند و علامت و نشان داشتند، و هزار فرشته‌ای که صف می‌کشیدند و سیصد و سیزده فرشته‌ای که در جنگ بدر به یاری او آمدند و چهار هزار فرشته‌ای که برای یاری امام حسین علیه السلام فرود آمدند و خواستند که با دشمنان آن حضرت نبرد کنند، سیدالشهداء علیه السلام اجازه جنگیدن به آنها نداد و آنها کنار قبر شریف آن حضرت آشفته و غبار آلوده ماندند... و همه این فرشتگان در زمین مانده‌اند و منتظر قیام حضرت قائم علیه السلام هستند تا هنگام خروج آن حضرت، به یاری او بشتابند.<sup>(۱)</sup>

ب. مؤمنین:

اولین گروه مؤمنین که در حقیقت هسته مرکزی یاران را تشکیل می دهند همان سیصد و سیزده نفرند که با اشاره حضرت از گوشه و کنار در ساعت اول ظهور تجمع می کنند.

امام باقر علیه السلام فرموده اند:

«فیکون اول من یبایعه جبرئیل ثم الثلاثمائة والثلاثة عشر ... یجتمعون والله إلیه فی ساعة واحدة»<sup>(۱)</sup>.

«اول کسی که با آن حضرت بیعت می کند، جبرئیل است و پس از او سیصد و سیزده نفر اصحاب هستند... آنها به خدا قسم! همزمان در یک ساعت نزد آن حضرت گرد می آیند».

جناب عبدالعظیم حسنی رحمته الله از حضرت محمد بن علی بن موسی علیه السلام روایت کرده اند که فرمودند:

«یجتمع إلیه أصحابه عدّة أهل بدر ثلاثمائة وثلاثة عشر رجلاً من أقاصی الأرض».

«اصحاب آن حضرت که به تعداد اهل بدر، یعنی سیصد و سیزده نفرند، از دورترین نقاط خود را به آن حضرت می رسانند و گرد وجود مبارکش حلقه می زنند و این مضمون فرمایش خداوند تبارک و تعالی است که فرموده:



﴿أَيْنَ مَا تَكُونُوا يَأْتِ بِكُمْ اللَّهُ جَمِيعًا إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ﴾<sup>(۱)</sup>.

«هر کجا باشید خداوند همه شما را گرد آوری می‌نماید، همانا خداوند برای انجام هر کاری توانا است».<sup>(۲)</sup>

در توصیف آنها امام صادق علیه السلام فرموده‌اند:

«قد أثر السجود بجباههم، ليوث بالنهار، رهبان بالليل، كأن قلوبهم زبر الحديد، يعطى الرجل منهم قوّة أربعين رجلاً».<sup>(۳)</sup>  
«سجده بر پیشانی آنان اثر گذاشته، راهبان شب و شیران روزند، گویا دل‌های ایشان پاره‌های آهن است، به یکی از آنان نیروی چهل مرد داده شده است».

آنان بهترین دلیران روی زمین و از بهترین جنگاوران هستند، دل‌های آنان سرشار از یقین و معرفت به پروردگار یکتا است. شهادت در رکاب امام زمان علیه السلام آرزوی دیرینه آنها است.

امیرالمؤمنین علیه السلام درباره آن عزیزان فرموده است:

«رجال كأن قلوبهم زبر الحديد، لا يشوبها شك في ذات الله، اشدّ من الجمر، لو حملوا على الجبال لزالوها، لا يقصدون براية بلدة الاّ أخرجوها».

«یاران حضرت مهدی علیه السلام مردانی هستند که گویا دل‌های آنان

۱- سورة بقره، آیه ۲۴۸. ۲- بحار، ج ۵۲، ص ۲۸۳، ح ۱۰.

۳- بحار، ج ۵۲، ص ۳۸۶، ح ۲۰۲.

پاره‌های آهن است، وجودشان سرشار از یقین است. مردانی سخت‌تر از صخره‌ها که اگر به کوه‌ها حمله کنند، آنها را از جای بر می‌کنند. پرچم آنها رو به هر شهر و دیاری کند، آنجا را به سقوط وادار سازد».

«فیهم رجال لا ینامون اللیل، لهم دویّ فی صلاتهم کدویّ النحل، یتون قیاماً علی اطرافهم ویصبحون علی خیولهم، رهبان باللیل، لیوث النهار».

«در میان آنان مردانی هستند که شب نخوابند و زمزمه آنها در نمازشان همچون صدای زنبوران عسل فضا را پر کند، تا صبح به عبادت خدا بایستند و بامدادان سوار بر مرکب شوند، آنان راهبان شب و شیران روز می‌باشند.

«یتمنّون أن یقتلوا فی سبیل الله، شعارهم یا لثارات الحسین».

«آنها شهادت و کشته شدن در راه خدا را همواره تمنا دارند، شعار آنان «یا لثارات الحسین» است. یعنی خواهان خون حسین علیه السلام می‌باشند. و در آخر حدیث فرمودند: «بهم ینصر الله امام الحق»؛ «خدا به وسیله آنان امام حق را یاری می‌نماید».<sup>(۱)</sup>

هنگامی که این تعداد از افراد مخلص برای آن حضرت فراهم و اجتماع کردند، امر خود را ظاهر می‌فرماید. و هنگامی که برای آن

۱- بحار، ج ۵۲، ص ۳۰۶، ح ۸۲. خصال یاوران مهدی علیه السلام، ص ۲۰، به نقل از ملاح و فتن، ص ۵۲.

حضرت تعداد ده هزار نفر کامل شدند، به اذن و فرمان پروردگار عالم خروج می نماید و دشمنان خدا را از دم شمشیر برّانش می گذرانند.

### ج. رعب:

سوّمین لشکری که امام ﷺ را در مسیر اهدافش یاری می نماید، لشکر رعب و وحشت است. خداوند ترسی از آن حضرت و یارانش در دل دشمن می افکند که همه قدرت خویش را از دست می دهد و توانائی هر حرکتی را از او سلب می کند و جرأت رویارویی را پیدانمی کند.

رسول خدا ﷺ در ضمن حدیثی فرموده اند:

«وینصره بالرّعب»<sup>(۱)</sup>.

«و خداوند او را به وسیله رعب یاری می نماید».

و نیز امام باقر ﷺ فرمودند:

«قائم ما به وسیله رعب یاری می شود»<sup>(۲)</sup>.

همان طور که جدّ بزرگوارش خاتم انبیاء «منصورُ بالرعب» بود، و خداوند آن حضرت را به وسیله رعب و ترسی که در دل دشمنش می افکند یاری می نمود.

۲- کمال الدین، ج ۱، ص ۶۰۳، ح ۱۶، باب ۳۲.

۱- بحار، ج ۵۲، ص ۳۲۳، ح ۳۱.

## ۱۲- شهر مکه را در تصرف خویش در می آورد

امام باقر علیه السلام در ضمن حدیثی فرموده اند:

«يقول القائم عليه السلام لأصحابه: يا قوم، انّ أهل مكّة لا يريدونني، ولكنني مرسل إليهم لاحتجّ عليهم بما ينبغي لمثلي أن يحتجّ عليهم، فيدعوا رجلاً من أصحابه فيقول له: امض الى أهل مكّة.

«امام عصر علیه السلام به اصحاب خود می فرماید: همانا اهل مکه به ما مایل نیستند؛ ولی در عین حال کسی را به سوی آنان می فرستم تا بر آنها حجّت را تمام کنم، آن گونه که برای من سزاوار است.

آنگاه یکی از اصحابش را فرا می خواند و به او می فرماید: به سوی اهل مکه برو و به آنها بگو: ای اهل مکه، من فرستاده فلانی به سوی شما هستم. او می فرماید: ما اهل بیت رحمت و معدن رسالت و خلافت، و ما ذریّه حضرت محمد صلی الله علیه و آله و از نسل پیامبران هستیم، به ما از روزی که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله دنیا را وداع نمود تا امروز ظلم شده و حق ما از ما گرفته شده است، ما از شما یاری می طلبیم، ما را یاری نمائید.

فرستاده امام علیه السلام به دستور حضرت عمل می کند؛ ولی او را بدون هیچ جرمی بین رکن و مقام به شهادت می رسانند و او معروف به «نفس زکیّه» است. وقتی خبر شهادت او به امام می رسد، حضرت به اصحاب خود می فرماید: به شما نگفتم که اهل مکه به ما مایل نیستند، این بار شخص دیگری را به عنوان نماینده خویش به

سوی آنان می فرستد و بر آنها حاکم قرار می دهد، ولی اهل مکه او را نیز به قتل می رسانند و تا سه مرتبه این عمل تکرار می شود؛ در مرتبه سوم امام علیه السلام با آنها جنگ سختی می نماید و سرکشان ایشان را نابود می کند و بقیه به اطاعت او در می آیند»<sup>(۱)</sup>.

### ۱۳- شهر کوفه به عنوان مرکز حکومت انتخاب می شود

امام علیه السلام چون سر و سامانی به وضع مکه می بخشد، از آنجا به سوی مدینه رهسپار می گردد، سپس عازم عراق گشته و شهر کوفه را به عنوان مرکز حکومت جهانی خویش بر می گزیند و از آنجا سپاهیان خود را به نقاط مختلف جهان روانه می سازد و همه جا فتح و پیروزی نصیب آنها می گردد.

### ۱۴- چه کسانی طعمه شمشیر امام علیه السلام می شوند

در این راستا تنها کسانی که رویاروی امام بایستند و مانع از حرکت آزادی بخش آن حضرت شوند، با شمشیر قاطع او و یارانش از پای در می آیند و به هلاکت می رسند، و آنها دشمنان حق و عدالتند. دشمنان شرف و پاکی و فضیلتند. صاحبان ظلم و بیداد و جنایتند. آنها همچون غده سرطانی هستند که جز فساد و تباهی محصولی ندارند و تا وجود

داشته باشند بشریت بهره‌ای از آسایش و رفاه و امنیت نمی‌برد. آنها ستمگران بی‌رحم و مستکبرانی هستند که سالها سلطه ظالمانه بر مردم ضعیف داشته‌اند و آنها را از همه حقوقشان محروم نموده‌اند و همچون سدّی مانع رشد و کمال آنها بوده‌اند. این سدها باید شکسته شود و از سر راه تکامل انسانها برداشته شود.